



فصلنامه علمی - تخصصی فقه پویا

صادرکننده مجوز: دانشگاه تهران

صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشجویی فقه و مبانی حقوق اسلامی

مدیر مسئول: زهرا مرادی

سر دبیر: مهسا صدیقی سنگچال

مشاور علمی: محمدرسول آهنگران

کارشناس نشریات: سرکار خانم مریم شریفی دانا

صفحه آرا: جاسمی

گرافیکست و طراح جلد: عباسعلی سیاسی جهانتیغی

شماره: هشتم، تابستان ۱۴۰۲

پل ارتباطی: Mahsa.sedighi@gmail.com

نشانی: قم - ابتدای جاده قدیم تهران - دانشکدگان فارابی - دانشگاه تهران -

انجمن علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی

کد پستی: ۳۷۱۸۱۱۷۴۶۹ شماره تماس: ۰۲۵۳۶۱۶۶۳۴۱

استفاده از مطالب مجله با ذکر منبع مجاز است



این فصلنامه با حمایت بنیاد علمی آموزشی قلمچی و بنیاد حامیان دانشگاه تهران منتشر می‌شود

حوزه فعالیت، اهداف، راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله

فصلنامه حاضر با رویکرد علمی تخصصی در راستای ارتباط فقه و حقوق اسلامی با نگرش به پویایی فقه امامیه به عنوان نشریه علمی انجمن دانشجویی فقه و مبانی حقوق اسلامی پردیس فارابی دانشگاه تهران منتشر می شود حوزه موضوعی مجله، فقه و حقوق با تأکید بر مباحث نوظهور است.

که پس از داوری تخصصی، تأیید مسئولین نشریه و با توجه به ساختار تعریف شده در این راهنما چاپ می شود از نویسندگان محترم تقاضا می شود در تهیه و تنظیم مقالات خود نکات زیر را رعایت کنند.

مقاله در محیط نرم افزاری Word 2010

اندازه کاغذ A4 :

حاشیه ها (بالا، پایین، چپ و راست): ۴ سانتی متر

فونت عنوان مقاله 14 B Titr :

فونت متن: فارسی 13 B Zar و انگلیسی 10 Times New Roman

فونت در جدول و نمودار: فارسی 10 B Zar و انگلیسی 9 Times New Roman

تعداد صفحات نباید از ۲۴ صفحه در همین فرمت بیش تر باشد.

برای واژه ها و نام های خارجی، در حد امکان از معادل های فارسی مصطلح و مصوب استفاده کنید.

◆ راهنمای نگارش ◇ ۳

در صورت نیاز به درج زیرنویس، همهٔ موارد فارسی به صورت راست‌چین با قلم BMitra و اندازهٔ pt.10 و زیرنویس‌های لاتین به صورت چپ‌چین با قلم Times New Roman اندازهٔ pt. 9 نوشته شوند.

لطفاً توجه فرمایید منابع خارجی داخل متن به فارسی نوشته شوند؛ ولی در بخش فهرست منابع به انگلیسی نوشته شوند.

در فهرست منابع، ابتدا منابع فارسی به ترتیب حروف الفبا فارسی (B Zar 12) و سپس منابع انگلیسی به ترتیب حروف الفبای انگلیسی (Times New Roman 11) نوشته شوند.

ضمناً منابع به صورت زیر نگارش شوند:

کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). عنوان کتاب، محل انتشار، نام ناشر
مقاله: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). عنوان مقاله. نام مجله، دوره، شماره، شماره صفحات.

اگر مقاله یا کتاب بیش از یک نویسنده داشت بین اسامی نویسندگان ویرگول (،) گذاشته شود.

نویسندگان محترم می‌توانند مقالات خود را در سایت نشریه:

به آدرس <http://feghhepouvasi.ut.ac.ir> بارگذاری کنند.

فهرست مطالب

سخن سردبیر	۶
زینب مؤمن - دکتر عابدین مؤمنی: بررسی و نقد ادله فقهی و حقوقی عدم قصاص پدر در صورت قتل فرزند .	۷
مارال کیوان - زهرا ارومیه چی ها: مسئولیت بین المللی دولت ها در برابر نقص قوانین دریایی با تأکید بر قضیهٔ توقیف نفتکش کره جنوبی	۲۳
علی اکبر حسنی: آزادی انتقادات سیاسی؛ باید ها و نبایدهای آن.....	۴۳
دکتر سیدمحمد رضا موسوی فرد - محسن حسن آبادی: نگرشی بر تأثیر نرم افزارهای اجتماعی در فضای مجازی بر ارتکاب جرم و تشدید آن.....	۷۵

سخن سردبیر

هوالحق

نظام کشور ما بر پایه حقوق اسلامی است که برای دریافتن این حقوق باید اصول و قواعد بشری که بر مبنای قوانین الهی تنظیم و تعیین گردیده است مورد واکاوی و یادگیری قرار دهیم. در واقع حقوق ما برگرفته از فقه می باشد گرچه در قسمت‌هایی ممکن است گاه با تعارض مواجه شوند. اما ارتباط این دو علم را نمی توان از دیرباز ناپیده گرفت. هرچه زمان می گذرد بیشتر از گذشته درمی یابیم که حقوق ریشه در فقه دارد. در این شماره از نشریه علمی تخصصی فقه پویا کوشیده ایم که با محتوای علمی در حوزه های مختلف فقهی و حقوقی زمینه را برای فراگرفتن علاقمندان به دانش فقه و حقوق فراهم آوردیم. در انتها از تمامی افراد کمک کننده و حامی در انتشار عرض تقدیر و تشکر را دارم.

مهسا صدیقی سنگچال

بررسی و نقد ادله فقهی و حقوقی، عدم قصاص پدر در صورت قتل فرزند



زینت مؤمن^۱؛ عابدین مؤمنی^۲

چکیده

مجازات اصلی جرم قتل عمدی، قصاص است. اما براساس همان مقررات فقه اسلامی اگر پدری فرزند خود را به قتل برساند به مقتضای ادله قصاص نمی‌شود. سؤال اساسی این است، که آیا ادله عدم قتل پدر اختصاص به باب قصاص دارد یا به طور مطلق مجازات قتل از او سلب می‌گردد؟ اگر قتل فرزند در قالب محاربه و افساد فی الارض باشد آیا می‌توان پدر را محکوم به مجازات عناوین مذکور نمود؟ این مسأله کمتر در آراء فقهی بازنتاب یافته است و فقیهان معترض آن شده‌اند، در نتیجه قانون‌گذار نیز به سکوت از کنار آن گذشته است. با این همه نمی‌توان منکر این پدیده در جامعه شد. با عنایت به موارد فوق و از آنجا که مطابق اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هرگاه قاضی حکم مسأله‌ای را در قوانین مدون نیابد باید به استناد منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید بررسی همه جانبه موضوع امری لازم و ضروری به نظر می‌رسد آنچه در این مقاله مورد بحث قرار گرفته است وجود و جاهت فقهی چنین مجازاتی می‌باشد و همچنین روش مورد استفاده کتابخانه‌ای می‌باشد.

واژگان کلیدی: پدر، فرزند، قتل، مجازات، قصاص، محاربه.

۱. کارشناسی ارشد فقه و حقوق دانشگاه مذاهب. z.momen@gmail.com.

۲. دکتری فقه و حقوق دانشگاه تهران. abdogreza-1356@yahoo.com.

مقدمه و بیان مسأله

یکی از استثنائات باب قصاص عدم قتل پدر در صورت کشتن فرزند است. ممکن است مواردی در جامعه از قانون مزبور سوءاستفاده شود. چنان که ممکن است پدری با تکیه بر قانون فوق خود را در امنیت قرار داده، و از باب تجری و یا از باب اعتیاد در قتل، فرزندش را بکشد. در مورد عدم قتل پدر با کشتن فرزندش این شبهه وجود دارد، که آیا قتل پدر فقط از باب قصاص منتفی است یا ادله عدم قتل عام است، لذا پدر تحت هیچ شرایطی کشته نمی‌شود؟ توضیح مطلب اینکه، در بعضی مواقع پدر فرزندش را می‌کشد؛ مانند جایی که پدری با سلاح گرم یا سرد سبب ایجاد رعب و وحشت در جامعه شده و در همین هنگام فرزندش را به قتل می‌رساند. گاهی شخصی در مکان عمومی بمب‌گذاری کرده، و بر اثر انفجار بمب، فرزندش کشته می‌شود. جایی که پدر به قصد مؤمن‌کشی یا از باب اعتیاد به قتل، فرزندش را می‌کشد. حال سؤال این است، آیا ادله عدم قتل پدر شامل موارد اخیر می‌شود؟ آیا می‌توان در موارد مزبور پدر را به قتل رساند؟ به نظر می‌رسد؛ با توجه به مفاد ادله، عدم قتل پدر اختصاص به قصاص دارد.

اما مجازات قتل او تحت عناوین دیگری مثل محاربه و افساد فی الارض با توجه به مؤیدات فراوان قابل بررسی است.

۱. آیات و روایات در باب قصاص فرزند:

۱-۱. آیات قرآن:

۱-۱-۱. سوره اسراء ۱۷-۱۳:

﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ - نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ - إِنْ قَتَلْتُمْ كَانَ خَطِئًا كَبِيرًا﴾؛
«هرگز فرزندان خود را از ترس فقر به قتل مرسانید (زنده به گور نکنید) که ما رازق آنها و شما هستیم، زیرا این قتل فرزندان بسیار گناه بزرگی است.»

بررسی و نقد ادله فقهی و حقوقی عدم قصاص پدر در صورت قتل فرزند ◇ ۹

معنی کلمات: املاق: ملق (بر وزن عقل) فقر و بی چیزی بودن. اصل آن نرمی است که فقر، انسان را نرم و ذلیل می کند، املاق نیز به معنی فقر و بی چیزی است.

خطأ: (به کسر - خ) آن در آیه به فتح و کسر خاء هر دو خوانده شده است. آن، به کسر اول به معنی گناه است. در قاموس، گناه یا گناه عمدی گفته است، در مجمع فرموده: «خطأ یخطأ خطأ»، آن وقت گویند که گناه از روی عمد باشد.

تفسیر آیه: سیمای نابسامان اقتصاد دوران جاهلیت را نشان می دهد. در جوامع امروزی هم دیده می شود به سبب نگرانی از افزایش جمعیت و کمبودهای اقتصادی، سقط جنین را مجاز می داند، گرفتار نوعی جاهلیت شده است.

۲-۱-۱ سوره انعام ۱۵۱:

﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْهِمُ اللَّاتُ تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْأُولَادِينَ إِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِبَاهُمْ...﴾ ؛ «بگو: بیاید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده، بخوانم: چیزی را با او شریک مگیرید، و به پدر و مادر نیکی کنید، و فرزندانتان را از ترس تنگدستی نکشید. ماییم که به شما و آنان روزی می دهیم».

معنی کلمات: تعالوا: تعال: بیا. تعالوا: بیائید. آن در اصل بمعنی «بیائید بالا» است. سپس بمعنی بیائید بکاررفته است.

املاق: ملق (بر وزن عقل) و املاق: فقر و بی چیزی است. آن در اصل به معنی نرمی است که فقر، انسان را نرم و ذلیل می کند.

نکات این آیه

۱. بیان احکام الهی برای مردم یکی از وظایف انبیاست.
۲. چون اصل در همه چیز، حلال بودن است، از این رو حلالها شمارش نشده اند و فقط محرمات (حرامها) گفته شده است.

۳. محرّمات دین از سوی خداست و پیامبر از پیش خود چیزی را حرام نمی‌کند.
۴. ممنوعیت منکرات جهت تکامل و تربیت انسان است.
۵. چون شرک ریشهٔ مفسد است، در رأس محرّمات آمده است.
۶. بعد از یکتاپرستی احسان به والدین آمده است.
۷. دستورهای این آیه همه در قالب نهی است، مگر نیکی به پدر و مادر که در قالب امر است. یعنی نه تنها نیاز دارید، بلکه احسان کنید.
۸. فرزندکشی و سقط جنین از ترس فقر، عملی جاهلانه است، اگر خدا ضامن روزی است، چه ترسی از فقر؟

۳-۱-۱ سوره تکویر ۸ و ۹

﴿وَ إِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ - بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾ ؛ «و در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده، سؤال شود: که (آن بی گناهان) به چه جرم و گناه کشته شدند؟!»

معانی کلمات: «الْمَوْؤُودَةُ»: دختر زنده به گور. برخی از عرب‌ها در دوره جاهلی، دختران خود را به دلایلی زنده بگور می‌کردند، از جمله: از ترس فقر و تنگدستی، خوف از ننگ و عار زنا؛ هراس از اسارت دختران در جنگ‌ها و به صورت کنیز درآمدن ایشان. اما دختر زنده به گور می‌تواند، نماد مظلومیت بوده و گفت: «هر موجود زنده و مستعدی که ظالمانه نابود شود، و هر استعداد زنده‌ای که خفه گردد و هر حقی که از میان برود، مؤوده است و از آن سؤال و بازخواست می‌شود.»

تفسیر:

۱. دفاع از مظلوم، مسلمان و کافر ندارد. با اینکه دختران زنده به گور، مسلمان نبوده‌اند، ولی خداوند متعال از حق آنان دفاع می‌کند؛
۲. ولایت پدر شامل، کشتن فرزند نمی‌شود.

۲-۱ روایات:

در این بخش از مقاله، به بیان روایاتی که به نفی فرزندکشی؛ سقط جنین و حتی نفی نفرین فرزند وجود دارند، می‌پردازیم. ما در بخش قبل ثابت کردیم که در قرآن کریم خداوند متعال بندگان را از کشتن فرزند نفی فرمودند، ائمه اطهار هیچ زمانی برخلاف احکام خداوند متعال، حکمی نداده‌اند. از روایتی که از امام صادق علیه السلام با این مضموم بیان شده:

اگر پدری فرزند خود را بکشد، قصاص نمی‌شود. ولی اگر فرزند، پدر را بکشد قصاص می‌شود (- محمد بن یعقوب - کلینی - کافی - ج ۱۴ - ص ۳۴۶). می‌توان نتیجه گرفت امام صادق علیه السلام در مقام تقیه این حکم را بیان کرده‌اند. دلایل اینکه نقص این روایت، عبارتند از: عبدالله مسعود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کنند: از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدم کدام گناه بزرگ‌تر است؟ گفتند: اینکه برای خداوند شریک قرار دهی. پس از آن حضرت فرمودند: از ترس اینکه فرزندان با تو هم غذا شود او را بکشی. پس از آن فرمودند: اینکه با زن همسایه‌ات زنا کنی. (- حسین - بروجردی - منابع فقه شیعه ق ۱۴ - باب ۶ - ص ۱۱۷)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: خداوند از عقوق مادران و کشتن دختران نهی کرده است (-همان - باب ۶ - ص ۱۶۵).

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: در زمان امیرالمومنین علیه السلام زن درستی بود که او را «ام قیان» می‌گفتند، یکی از صحابه علی علیه السلام پیش او رفت و او را غمگین دید و از او پرسید: چرا غمگین هستی؟ او گفت: من زنی که مرده بود را، دفن کردم ولی خاک او را نپذیرفت. صحابه پیش امیرالمومنین علیه السلام رفت و داستان آن زن را گفت و امام علی علیه السلام فرمودند: زمین، یهود و مسیحی را می‌پذیرد، این زن را چه شده است؟ جز این نیست که مانند خداوند عذاب می‌کرده است، پس از آن حضرت علیه السلام فرمودند: آگاه که اگر «ام قیان» خاک قبر مسلمانی را بر روی قبر آن زن بریزد زمین آرام می‌گیرد، صحابه می‌گویند که من نزد «ام قیان» آمدم و از فرموده حضرت علی علیه السلام باخبر ساختم و از قبر یک مسلمان خاکی گرفتم، و بر قبر آن زن ریختم، آن

زمین آرام گرفت، صحابه می گوید: از حال آن زن جويا شدم، و پرسیدم، که چه کرده است؟ گفتند که این زن، به مردان بسیار علاقمند بوده، و فرزند می آورده، و در تنور فرزندان را می سوزانده (- ملاحسن- فیض کاشانی - الوافی - ج ۱۶ - ص ۳۰).

۲. قانون در باب قصاص فرزند

ماده ۳۰۱:

قانون مجازات اسلامی ایران نیز در مسأله عدم قصاص والد به فرزند به طور عموم از دیدگاه جمهور اهل سنت و قول مشهور شیعه، امامیه پیروی کرده است، پس از بررسی ادله مذاهب فقهی در این مسأله به نظر می رسد، مجازات پدر در قتل عمدی فرزند تابع شرایط حاکم بر قتل است، به طوری که اگر قتل در شرایط کاملاً غیرموجه انجام گرفته باشد، و هیچ شبهه ای در عمدی بودن قتل وجود نداشته باشد، از باب افساد فی الارض والقتل بالسیاسه، حکم به اعدام پدر می گردد، اما اگر قتل در غیر این شرایط انجام گرفته باشد، به طوری که عمدی بودن قتل را خدشه دار سازد، مجازات قصاص بنابر ادله مخصوصه منتفی می شود.

۳. مفهوم شرط انتفای ابوت

قانون مجازات اسلامی به تبعیت از آرای فقهای امامیه برای ثبوت حق قصاص، صراحتاً انتفای ابوت را لازم دانسته است. شرط انتفای ابوت در ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی شود، آمده است. بر طبق ماده مزبور منطوق این جمله خبری این است که برای اینکه حق قصاص برای اولیای دم پدید آید، قاتل نباید پدر مقتول باشد. بنابراین وجود رابطه پدر فرزندی مانع قصاص می شود. البته نکته حایز اهمیت آن است که بر اساس روایات اسلامی، رابطه ابوت که مانع قصاص می شود، شامل پدر بزرگ پدری و هر چه که بالاتر رود نیز می شود. بنابراین اگر پدر بزرگ پدری یا پدر پدر بزرگ پدری، نوه یا نتیجه خود را بکشد، قصاص نخواهد شد. البته لازم به تذکر است که روایات تنها رابطه پدر فرزندی را

بررسی و نقد ادله فقهی و حقوقی عدم قصاص پدر در صورت قتل فرزند ◇ ۱۳

مانع ثبوت قصاص دانسته‌اند و هر رابطه‌ی دیگری به غیر از آن را مشمول قواعد عمومی دانسته‌اند. مبنای پیدایش این حکم، که برخلاف قواعد عمومی قصاص است، مجموعه روایاتی است که از معصومین علیهم‌السلام نقل شده است و عموم آیات قرآن در مورد قصاص را تخصیص زده است. گفته شده است، مجموعه احادیثی که در این زمینه با سند معتبر موجود است، دوازده روایت است که به ذکر چند نمونه از روایات مزبور اکتفا می‌کنیم، نقل می‌کند که فرمودند:

۱. حیحة حمران: حمران از امام محمد باقر علیه‌السلام یا امام صادق علیه‌السلام والد به قتل فرزندش قصاص نمی‌شود و در صورتی که فرزند، والدش را عمداً به قتل برساند کشته می‌شود (- عاملی، ۱۴۱۲ هـ. ق، ج ۱۹، ص ۵۶).

۲. حلبی از امام صادق علیه‌السلام که آیا مرد به خاطر قتل فرزندش کشته می‌شود؟ آن حضرت فرمود خیر (- همان).

۳. فضیل بن یسار از امام صادق علیه‌السلام شنید: فرزندش اگر او را بکشد، کشته نمی‌شود و فرزند به والدش اگر او را بکشد، کشته می‌شود (- همان).

۴. رسول خدا فرمودند: اگر والدی عیبی همانند قطع عضو و غیر آن بر فرزندش وارد کند، برای فرزند دیه می‌باشد، و پدر قصاص نمی‌شود.

۵. صحیحہ ظریف: علی علیه‌السلام فرمود پدر در برابر فرزند قصاص نمی‌شود (- همان - ص ۵۷).

۳-۱. دیدگاه موافقین شرط انتفای ابوت

در بین فقهای امامیه مخالفی در مسأله وجود ندارد تا آنجا که صاحب جواهر بر لزوم احراز شرط انتفای ابوت در قصاص ادعای اجماع نموده است (- نجفی، ۱۳۹۴ هـ. ق، ج ۴۱، ص ۱۵۹). حتی بسیاری از فقیهان اهل سنت نیز ثبوت قصاص را منوط به انتفای رابطه ابوت دانسته‌اند شیخ صدوق با استناد به روایتی از امام علی علیه‌السلام معتقد است که پدر با قتل فرزندش کشته نمی‌شود اما فرزند با قتل پدرش کشته می‌شود (- صدوق، ۱۴۱۵ هـ. ق، ص ۵۱۷). شیخ

مفید بیان داشته است که پدر اگر از روی خطا و یا عمد، فرزندش را بکشد، کشته نمی‌شود و باید دیه پردازد (- مفید، ۱۴۱۰ هـ.ق، ص ۷۴۸). برخی پدر نبودن قاتل را، از شرایط قصاص دانسته‌اند. بنابراین اگر پدر فرزندش را به قتل برساند، کشته نمی‌شود (- ابن فهدحلی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ج ۵، ص ۱۸۹). محکوم شدن به پرداخت دیه به ورثه فرزند، حداقل حکمی است که برای پدر قاتل، مقرر می‌شود. (- ابن ادریس، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۳۷)

محقق حلی در مختصرالنافع به لزوم احراز شرط انتفای ابوت در قصاص اشاره کرده و شرط سوم در اثبات قصاص آن است، که قاتل، پدر مقتول نباشد. بنابراین اگر پدری فرزند خود را بکشد، قصاص نمی‌شود. ولی در عوض باید كفاره و دیه پردازد، و تعزیر می‌شود (- محقق حلی، ص ۴۶۷). هم‌چنین اگر پدر پدری و هرچه بالاتر رود، نوهی خود را بکشد مشابه این تعبیرات در کلام سایر فقها نیز دیده می‌شود. (- حلی، ش، ج ۲، ص ۶۰۹)

۴. مفهوم مجازات و رابطه مجازات با قصاص

مجازات یا کیفر به معنای اینست که اگر کسی عمل خلاف اخلاق عمومی یا عرف و عادت آن جامعه یا خلاف قانون انجام دهد چون آن عمل بد است پس باید عقوبت و پاداش آن عمل را ببیند یعنی تنبیه شود و یا مجازات شود تا هم خود و هم دیگران متنبه شوند و دیگر آن عمل را انجام ندهند یعنی باید مشقت آن عمل را بچشد و متوجه شود نتیجه آن عمل بد چیست. حال در قانون به ازای هر عمل بد و خلاف که قانونگذار بیان کرده چه امری بد و خلاف است تنبیهی هم بیان کرده که به آن تنبیه مجازات و به آن عمل بد جرم می‌گوئیم به طور ساده و عامیانه می‌گوئیم اعمالی که ممنوع است و کسی نباید آن را انجام دهد و برای جامعه خطر دارد و حتی برای از بین بردن آرامش مردم خطر دارد و فراتر از آن بیان می‌کنم برای مراودات اجتماعی مردم با مردم و مردم با جامعه و جامعه با مردم و دولت با مردم و مردم با دولت حتی روابط بین‌المللی خطر دارد و در روابط فرهنگی و اجتماعی و روابط اقتصادی و... خطر دارد که نباید آن را انجام

بررسی و نقد ادله فقهی و حقوقی عدم قصاص پدر در صورت قتل فرزند ◇ ۱۵

داد چنانچه هر کس آن عملی را که قانون گذار آن را خلاف می‌داند و بعنوان واژه جرم بیان کرد و آن عمل جرم شده و قانون گذار برای آن مجازات تعیین کرده و مقدار مجازاتش را همان قانون گذار پیش بینی کرده است که بدیهی‌ترین روش برای جلوگیری از آن عمل جرم و خلاف همین مجازات پیش بینی شده است. ۴ مجازات اصلی در فقه داریم که عبارتند از: قصاص، حدود، دیه، تعزیر (- پوربافرانی حسن، سیفی مهدیه، گونه شناسی مجازات شخص حقوقی، آموزه‌های حقوق کیفری دوره جدید بهار و تابستان ۱۳۹۴ شماره ۹)

قصاص در لغت، اسم مصدر از ریشه «قَصَّ یَقْصُ» به معنای پیگیری نمودن اثر چیزی است («قصاص در جامعه امروزی و تقابل آن با حقوق بشر»-سایت رسمی علامه شیخ علی ریاحی نبی، مؤسسه حکمت اسلامی احتجاج.)

قصاص اصطلاح دو کلمه‌ای و مفهوم آن در جمله تغییر می‌یابد. قص، به معنی کوتاه و در جمله اگر منظور صیحت کردن باشد یعنی کوتاه کردن سخن، مختصر گفتن است. اصل قصاص اساساً بر این اصل استوار است که شخص باید به اندازه جرمی که مرتکب شده مجازات شود. قصاص ابزاری تحلیلی بود که در جامعه عرب قبیله‌ای پیش از اسلام برای جلوگیری از خصومت‌های خونی یا جنگ‌های جاری در درگیری‌های بین قبیله‌ای استفاده می‌شد. قصاص به شرط برابری اجتماعی انجام می‌شد با توجه به اینکه مقتول زن باشد، مرد، بی برده، نخبه یا عادی باشد، فردی از قبیله قاتل معادل کشته شده اعدام می‌شود. مثلاً فقط کنیز را می‌توان برای کنیز کشت و زن را برای زن.

اما در فعل سریع عمل کردن است. چون در اعصار گذشته در ارکان دولت‌ها و حکومت‌ها تعریفی از حبس یا زندان به شکل اصولی وجود نداشت لذا بهترین شکل احقاق حقوق، سریع مجازات کردن بود. مثل کسی که اگر پیش از ظهر فردی را به قتل می‌رساند، در صورت دستگیری تا غروب حکم قصاص یعنی رسیدگی سریع انجام می‌شد چون محلی برای نگهداری یا بازداشت متهم وجود نداشت.

پس می‌توان گرفت رابطه قصاص با مجازات عموم و خصوص مطلق می‌باشد چون قصاص جز چهار مجازات اصلی می‌باشد.

۴-۲. مجازات جرم قتل عمدی در فقه و حقوق ایران و موانع اجرای مجازات مزبور

یکی از منابع اصلی فقه جزایی و به تبع آن قانون مجازات اسلامی قرآن کریم است. قتل عمدی یکی از جرایمی است، که خداوند در آیات متعدد، مجازات آن را به صراحت تعیین کرده است، ﴿یا ایها الذین امنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر و العبد بالعبد﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در مورد کشته‌شدگان برای شما حکم یعنی؛ «الانثی بالانثی» قصاص معین گشته است، مرد آزاد در مقابل مرد آزاد و بنده به جای بنده و زن در مقابل زن ﴿ولا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق ومن قتل مظلوماً فقد جعلنا﴾ (بقره ۷۱) «هر کس را که خدا، قتل او را حرام کرده است، جز به حق نکشید» یعنی؛ «لؤلئیه سلطاناً» (اسراء ۳۱) «وکسی که به ناحق کشته شود، برای ولی او سلطه (برقاتل) قرار دادیم.» همان‌طور که ملاحظه می‌شود، وفق صریح آیات متعدد قرآن کریم، مجازات اصلی جرم، قصاص است.

۵. مجازات پدر در قتل فرزند

قانون مجازات اسلامی، بارها مقرر کرده است که مجازات قتل عمدی، قصاص است. ماده ۲۰۵ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است، هرگاه مسلمانی کشته شود، قاتل قصاص می‌شود، هم‌چنین در ماده ۲۰۷ آمده است، که قتل عمد موجب قصاص است، صدر ماده ۲۵۷ نیز بیان داشته است، قتل عمد برابر مواد این فصل، موجب قصاص می‌شود، منتهی بر اساس همان مقررات فقه اسلامی و قانون مجازات اسلامی در برخی از مواقع، علی‌رغم اینکه قتل ارتكابی عمدی است، مجازات قصاص ثابت نمی‌گردد، و بر حکم کلی قصاص در قتل عمدی استثنائاتی وارد می‌شود. یکی از استثنائات موجود در راه ثبوت بین قاتل و مقتول است. یعنی اگر پدری فرزند خود را بکشد، به رغم «رابطه‌ی ابوت» قصاص احراز عمدی بودن جنایت، پدر

بررسی و نقد ادله فقهی و حقوقی عدم قصاص پدر در صورت قتل فرزند ◇ ۱۷

قصاص نخواهد شد، بلکه در اینجا مجازات وی مشتمل بر پرداخت دیه و تعزیر است. این حکم، براساس روایات اسلامی در ماده‌ی ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی منصوص گردیده است. علامه حلی در کتاب قواعد الاحکام می‌نویسد: چنانچه پدری یا جد پدری و هر چه که بالاتر رود فرزند یا فرزند فرزند و هر چه که پایین رود را بکشد، قصاص نمی‌شود، ولی چنان چه فرزند پدر یا مادر خود را بکشد، قصاص می‌شود (- حلی، ۱۳۷۶ ه.ش، ج ۲، ص ۶۰۹). قانون- گذار اسلامی هم بر مبنای روایات معتبر و صحیح و وارده از معصومین علیهم‌السلام و به پیروی از آرای فقهای شیعه و اغلب فقهای اهل تسنن در ماده‌ی ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است، پدر یا جد پدری، که فرزند خود را بکشد، قصاص نمی‌شود. البته این به معنای مصون بودن پدر از تعقیب کیفری نیست.

۶. فرزند کشی

فرزندکشی عبارتست از سلب ارادی و ظالمانه حیات فرزند به وسیله پدر و مادر بالغ و عاقل. حقوق جزایی ایران به رابطه پدر و فرزند و حقوق ولایت پدر و جد پدری نسبت به فرزند بیش از روابط عاطفی مادر توجه نموده و در این رابطه قتل فرزند دارای حکم خاص است. که در ماده ۲۲۰ ق.م.ا آمده پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد (اسحاقی، محمد، مجازات پدر و مادر در جرم کشتن فرزند- قم، سفیر صبح ۱۳۸۰، چاپ اول، ص ۱۵۱).

یکی از نمونه‌های فرزند کشی دارای حق قصاص، قتل فرزند در حالتی که پدر مشغول محاربه است. در بسیاری از منابع فقهی، یکی از موارد تجویز مجازات مرگ برای پدر، کشتن فرزند در حال محاربه قلمداد شده است. جرم محاربه که عموماً در کتب حقوقی در زمره جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی قرار می‌گیرد. علی‌القاعده در زمان استقرار حکومت اسلامی و در راستای تأمین امنیت عمومی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. هر چند برای محاربه مصادیق

مختلفی ذکر شده است ولی به طور قطع مصداق خاص و بارز آن کشیدن سلاح برای ترساندن مردم است. عبارت مشهور «هی تجرید السلاح لاخافه الناس» منقول از شهید ثانی که در اغلب متون فقهی دیده می‌شود به همین موضوع اشاره دارد. مجازاتهای سنگین و چهارگانه محاربه که حتی مورد نص قرآن کریم نیز قرار گرفته حکایت از اهمیت این جرم دارد. عموم فقها فرزندکشی در حال محاربه پدر را از باب حد محاربه و نه از جهت قصاص، مستحق مجازات مرگ دانسته‌اند. (دکتر حمیدرضا آقابابائیان، حقوقدان و وکیل پایه یک دادگستری)

۷. دیدگاه موافقین قصاص پدر با قتل فرزند:

در بین فقهای اهل تسنن، مالک یکی از فقهای سنی مذهب قائل به قصاص پدر با قتل فرزند می‌باشد، البته در صورتی که قتل فرزند در راستای نصایح خیرخواهانه نبوده باشد (مصری، م، ج ۲، ص ۵۱۵). یکی از فقهای معاصر دیدگاه متفاوتی را در خصوص شرط انتفای ابوت در قصاص مطرح کرده است. وی دیدگاه اول را که تمام قتل‌ها از سوی پدران را، معاف از مجازات قصاص دانسته‌اند، دیدگاه تقریبی می‌داند، و از سوی دیگر، دیدگاه دوم را که براساس آن پدر همواره در صورت قتل فرزند، قصاص می‌شود، را نیز یک دیدگاه افراطی می‌پندارد. از این روی سعی کرده‌اند، بین این دو دیدگاه تعادل برقرار کنند. ایشان بیان می‌دارد، اصل کلی قصاص در قتل ولد توسط والد که در روایات صحیح و معتبره آمده، به نظر اینجانب اختصاص به جایی دارد، که قتل از راه عواطف و تخلف فرزند از نصایح خیرخواهانه‌ی پدر باشد، نه سایر موارد، که قتل با انگیزه‌ای دیگر باشد، که در آن صورت اصل کلی قصاص ثابت است، و به عبارت دیگر عدم قصاص والد، اختصاص دارد، به جایی که جان پدر با همه‌ی عواطف و نصایح و خیرخواهی برای فرزندش و تخلف فرزند، به لبش رسیده، و تقریباً اگر نگوییم تحقیقاً، پدرکانه به خاطر همان نصایح بدون اختیار دست به چنین عملی زده، نه در جاهایی که پدر با انگیزه‌هایی که در سایر قتل‌ها موجود است، قتل را انجام دهد، یعنی قتل به خاطر اغراض

بررسی و نقد ادله فقهی و حقوقی عدم قصاص پدر در صورت قتل فرزند ◇ ۱۹

شخصی و دشمنی و طمع در مال، پست، ریاست و فاش نشدن خیانت‌ها و امثال آنها بوده باشد. اما استثناء از قصاص در مورد قتل عاطفی ولد توسط والد که بیان شد، به حیات جامعه ضربه‌ای نمی‌زند چون قتل پدر برای چنین قتل‌هایی مانع و رادع، قتل پدران در آن حال خاص نمی‌باشد، و از همه گذشته شاید بتوان گفت که اصولاً ادله‌ی قصاص، مختص به دعوای افراد از همان راه‌های دشمنی، حیوانی و ضدانسانی می‌باشد، و از اول شامل، قتل عاطفی و خیرخواهانه‌ای که جان پدر از بابت خیرخواهی به لبش رسیده نبوده و نمی‌شود، و نیز باید توجه داشت، که از همه گذشته احتمال اختصاص در ادله‌ی استثناء مانع تمسک به اطلاق است، و باید اقتصار به قدر متقن شود، که همان قتل‌های «عاطفی پدر» می‌باشد (- صانعی، بیتا، ص ۲۲).

۶-۱. نقد استدلال

اولاً: مورد دلیل استثناء دارای قیود زیر قرار داده شده است، قتل از روی عاطفه صورت گرفته باشد، فرزند تخلف کرده باشد، پدر در مقام نصیحت و خیرخواهی باشد، انگیزه‌های دیگر نباشد، جان پدر به لب رسیده باشد، تقریباً غیراختیاری باشد. دلیل استثناء بیش از دوازده روایت است و به گونه‌های زیر بیان شده است، چگونه از متن این روایات همه‌ی این قیود استفاده شده است؟ «لایقتل الاب بانه اذا قتله» و «قتله لایقتل الرجل بولده اذا»، «لایقاد الوالد بولده». ثانیاً: چگونه آیه قابل تخصیص نیست، در حالی که موارد دیگری مانند مسلم، کافر، عبد و حُر تخصیص خورده است.

ثالثاً: گفته شده است ادله‌ی قصاص نفس، مختص به دعوای افراد از همان راه‌های دشمنی حیوانی و ضدانسانی می‌باشد، و از اول شامل قتل عاطفی و خیرخواهانه که جان پدر از باب خیرخواهی به لب رسیده نبوده و نمی‌شود، آیا منظورشان این است، که قتل به خاطر، خیرخواهی، قتل انسانی، عادلانه و بجاست؟ مثلاً اگر فرزند خواست ادامه‌ی تحصیل دهد، ولی

پدر برحسب تشخیص خود از روی خیرخواهی ممانعت نمود، و فرزند سرپیچی از خواست پدر نماید، پدر می‌تواند او را بکشد و چنین قتلی ظالمانه نیست؟

نتیجه‌گیری

عدم قصاص پدر که استثناء از اصل کلی النفس بالنفس است مورد پذیرش می‌باشد. قتل پدر در مقابل قتل فرزند مستند و مصرح معدودی از فقها و نیز موافق با دلیل فقهاتی می‌باشد. ادله‌ای که در بعضی از «قودا» عمومیت نداشته و به قرینه «لا یقتل الوالد بقتل ولده» روایات آمده اختصاص به باب قصاص دارد. قتل فرزند در برخی شقوق با عناوین محاربه و افساد فی الارض قابل تصور و تطبیق است. با بیان روایت‌ها و آیات قرآن اثبات می‌شود:

(خداوند متعال هیچ وقت دستور به فرزندکشی حتی در صورت فقر و ظلم نداده‌اند؛ پیامبر و امامان هیچ وقت برخلاف کلام خداوند حکم نداده‌اند، و رسول خدا ﷺ و معصومین علیهم السلام نفسی بر فرزندکشی، حتی نفرین فرزند دارند).

در جهان امروز شاهد آمار بالای فرزندکشی هستیم که میتوان دلایل قومی و قبیله‌ای را در این امر دخیل دانست. بی‌گناه فرزندان که بی دلیل کشته می‌شوند و قانون هیچ قصاصی برای پدرانشان قرار نداده است.

منابع

- قرآن مجيد:

١. اردبيلي، احمد، (١٤٠٣)، مجمع الفائدة و البرهان في شرح ارشاد الازهان، ج ١، قم، جامعه مدرسين، هـ.ق، ج ٣.
٢. حر عاملي، محمد حسن، (١٤٠٢)، وسائل الشيع، ج ١، قم، انتشارات آل البيت لإحياء التراث الإسلامية، هـ.ق، ج ١٩.
٣. حلبى، ابن زهره، (١٤١٧)، غنية النزوع الى علمى الاصول و الفروع، ج ١، قم، مؤسسه امام صادق، هـ.ق.
٤. حلبى، ابن ادريس، السرائر، ج ٤، قاهره، انتشارات دارالمعارف، بيتا، ج ٣.
٥. حلبى، ابن فهد، (١٤٠٧)، المهذب البارع، هـ.ج ١، قم، جامعه مدرسين، ج ٥.
٦. حلبى، حسن بن يوسف، (١٣٧٦)، قواعد الاحكام، ج ١، قم، مؤسسه نشر جامعه مدرسين هـ.ش، ج ٢.
٧. حلبى، يحيى بن سعيد، (١٤٠٥)، الجامع للشرايع، ج ١، قم، مؤسسه سيد الشهداء هـ.ق.
٨. حلبى، محمد بن حسن (فخر المحققين)، (١٣٧٨)، ايضاح الفوائد، بيچا، به كوشش سيد محمود شاهرودي هـ.ش، ج ٤.
٩. شهيد اول، زين الدين مكى، (١٣٧٤)، اللمعة الدمشقى، ج ٤، قم، دارالفكر، هـ.ش، ج ٤.
١٠. الدروس الشرعى، (١٤١٢)، ج ١، قم، مؤسسه نشر اسلامى، هـ.ق.
١١. شهيد ثانى، زين الدين بن على عاملى، (١٤١٣)، مسالك الإفها، ج ١، قم، مؤسسه معارف اسلامى، هـ.ق، ج ١٥.

۱۲. صانعی، یوسف، مجمع المسائل، ج ۱، قم، دارالقران الکریم، بیتا.
۱۳. صدوق، محمدبن علی بن الحسین، (۱۴۱۵)، المقنع، ج ۱، قم، مؤسسه امام هادی ق.
۱۴. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۶۳)، تفسیرالمیزان، ج ۲، قم، انتشارات اسلامی ه.ش، ج ۵.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۶۵)، التهذیب الاحکام، ج ۴، قم، دارالکتب الاسلامیة، ه.ش، ج ۵.
۱۶. الخلاف، (۱۳۴۴)، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ه.ق.
۱۷. النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، (۱۴۰۰)، ج ۲، قم، دارالکتب العربی، ه.ق، ج ۵.
۱۸. فاضل هندی، کشف اللثام، (۱۴۱۶)، ج ۱، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ه.ق.
۱۹. گلپایگانی، محمدرضا، (۱۴۱۴) تقریرات حدود و قصاص، بیجا، بیجا، بینا، ه.ق.
۲۰. محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن، (۱۴۱۰)، مختصر النافع، ج ۱، قم، الدراسات الاسلامیة، فی مؤسسة البعثة، ه.ق.
۲۱. مصری، سید سابق، (۱۹۲۹)، فقه السن، ج ۲، بیروت، دارالکتب العربی، م، ج ۱.
۲۲. مظفر، محمدرضا، (۱۳۷۰) اصول الفقه، ج ۶، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم، ه.ش، ج ۱.
۲۳. مفید، محمد بن نعمان بن معلم، (۱۴۱۰)، المقنع، ج ۴، قم، جامعه مدرسین، ه.ق.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۶)، تفسیر نمونه، ج ۲، قم، دارالکتب الإسلامیة، ه.ش، ج ۴.
۲۵. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۸۶)، تحریر الوسیله، ج ۴، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ه.ش، ج ۲.
۲۶. نجفی، محمدحسن، (۱۳۹۴)، جواهر الکلام، بیجا، انتشارات الإسلامیة، (۱) ه.ق، ج ۴۱.

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در برابر نقض قوانین دریایی

با تأکید بر قضیه توقیف نفتکش کره جنوبی



مارال کیوان^۱؛ زهرا ارومیه چی‌ها^۲

چکیده

مسئولیت بین‌المللی به مثابه یک نهاد حقوقی بین‌المللی عبارت است از الزام به جبران مادی یا معنوی وارد بر تابعان حقوق بین‌الملل که این خسارت باید ناشی از عمل یا خودداری از عمل غیرمشروع حقوق بین‌الملل عرفی یا معاهده‌ای یکی از موضوعات یا تابعان حقوق بین‌الملل باشد. یکی از مسائل روز جهان مسئله حفظ محیط زیست است و فجایع زیست محیطی علاوه بر سلب آرامش و امنیت از زندگی انسان سلامتی و هستی او را نیز در معرض تهدید قرار می‌دهد. خلیج فارس به عنوان یک منطقه ویژه با تمامی این مخاطرات روبه روست و به دلیل شرایط ویژه جغرافیایی، اقلیمی و نیز نقش استراتژیک آن دارای اهمیت دو چندان است از این رو مقاله حاضر به روش توصیفی تحلیلی به بررسی این سوال می‌پردازد که مسئولیت دولت‌ها در آلودگی زیست محیطی چیست؟ مسئولیت آلوده کنندگان دریا در راستای محدودیت آن

۱. مارال کیوان کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد تهران غرب mky545657@gmail.com

۲. زهرا ارومیه چی‌ها کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد تهران غرب Zahra.oroomiechiha@gmail.com

مدنظر قرار گرفته و آلوده کنندگان الزام به جبران خسارت مادی یا معنوی وارده بر تابعان حقوق بین‌الملل هستند. نتیجه اینکه با کنوانسیون‌های متعدد بین‌المللی جرمی با عنوان آلوده کردن محیط زیست دریایی وجود ندارد و در آنها صرفاً به الزام دولت‌های متعاقد به جرم‌انگاری این عمل اکتفا شده است که در حقوق داخلی این جرم از دو طریق مواد نفتی و غیرنفتی صورت می‌پذیرد، که در مورد مواد نفتی قوانین کارآمدی وضع شده. اما در مورد مواد غیرنفتی قوانین بسیار ضعیفی تصویب شده است. کنوانسیون کویت گرچه برای آغاز راه می‌تواند امیدوار کننده باشد ولی اصلاً کافی نیست و دولت‌های حاشیه خلیج فارس باید در راستای تلاش‌های بین‌المللی و برای جلوگیری از آلودگی هر چه بیشتر آن و نیز ابداع راه‌هایی برای جبران خساراتی که رخ می‌دهد فعالیت‌های خود را گسترش داده و کاستی‌های موجود را مرتفع نمایند. هدف این مقاله این است که بدانیم مبنای مسئولیت مدنی چیست و چه کسانی می‌توانند در دعوی مسئولیت مدنی ذینفع شناخته شده و دادخواهی کنند.

واژگان کلیدی: مسئولیت بین‌المللی، سوانح دریایی، آلودگی نفتی، محیط زیست، جبران خسارت.

مقدمه و بیان مسأله

بی‌تردید موضوع آلودگی دریاها یکی از مهم‌ترین معضلاتی است که انسان معاصر را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده است. این مسأله از آن جهت دارای اهمیت است که علائم تهدیدکننده حیات آشکار شده نسل حاضر و آینده را تهدید می‌کند از طرف دیگر درصد قابل توجهی از مبادلات تجاری بسیاری از دولت‌ها از طریق دریاها انجام می‌شود و تجارت جهانی و حمل و نقل دریایی اصل اساسی رشد و شکوفایی اقتصادی در سراسر جهان مس می‌باشد و داشتن محیط زیست دریایی امن و تمیز از حقوق بشر است و دولت‌ها باید در این راستا به قوانین و مواد کنوانسیون‌های موجود توجه داشته باشند تا باعث ایجاد مسائل و درگیری‌های بین‌المللی نشوند. آلودگی نفتی در دریا به صورت ادواری و متناوب اتفاق می‌افتد. چنین حوادثی توجه حقوقدانان و صاحب نظران را به سمت خطرات آلودگی محیط زیست دریایی معطوف می‌دارد. امروزه سوءرفتار نسبت به محیط زیست مرزهای ملی را درنوردیده و این در حالی است که عملکرد نظام حقوقی بین‌المللی در این زمینه چندان موفق و رضایت بخش نبوده است. آلودگی نفتی دریایی مسأله‌ای پیچیده با ابعاد گسترده است که نمیتوان بر اساس راهکارهایی محدود و منطبق‌های با آن مقابله کرد. هدف این مقاله تبیین و ارزیابی ابعاد حقوقی بین‌المللی مقابله با آلودگی نفتی دریایی با نگاه ویژه به نظام مسئولیت و سازوکارهای آن است. از نظر این مقاله پیوند میان دو نظام مسئولیت مدنی، کیفری، کاربرد توأمان دو نظام مسئولیت کیفری افراد و شرکتها راهکاری کارآمد در زمینه پیشگیری از آلودگی نفتی دریایی است. گفتنی است مباحث زیست محیطی به عنوان مقوله‌ای کاربردی و نه اعتباری امروزه توجه مجامع عمومی و حقوقی را به خود جلب نموده است و رفته رفته به یکی از چالش‌های اصلی جهان بدل شده است. در این میان آلودگی‌های نفتی به دلیل پیشرفت تکنولوژی و نیاز روزافزون به مواد نفتی و ناکافی بودن نفت منطقه‌ای (تولید داخلی) و نیاز به واردات در نتیجه حمل

دریابی آن همچنین گسترش تعداد ابعاد تانکرها و نفتکش‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و لذا مجامع بین‌المللی در پی راهکارهایی برای جلوگیری از این نوع آلودگی و یافتن راه‌های مناسب برای جبران خسارات ناشی از آن در سطح جهانی هستند که حاصل آن توافق‌هایی در سطح بین‌المللی است. ابعاد آلودگی نفتی بسیار وسیع است. کشورها را هم به لحاظ زیست محیطی، اقتصادی و هم به لحاظ حقوقی درگیر می‌کند. آلودگی نفتی می‌تواند منافع افراد و دولت‌ها را به خطر انداخته و تولیدکننده آلودگی را با شکایات دولت‌ها، شرکت‌ها و یا اشخاص حقیقی ذینفع مواجه کند. در واقع امروزه علاوه بر اهمیت زیاد بحث آلودگی نفتی و راه‌های کنترل و جلوگیری از آن بحث مسئولیت مدنی ناشی از این نوع آلودگی نیز اهمیت ویژه‌ای یافته است چرا که به هر صورت ضررهای وارده به لحاظ آلودگی نفتی که اغلب بسیار وسیع بوده و افراد زیادی را هم درگیر می‌کند باید جبران شود و اینجاست که نقش مباحث گسترده مسئولیت مدنی نمود پیدا می‌کند به خصوص که در این مورد فقط با مسئولیت حاکمیتی دولت‌ها روبه‌رو نیستیم بلکه نقش دولت‌ها در اینگونه موارد غالباً اعمال وظیفه تصدی و نه حاکمیتی است و لذا همانند سایر اشخاص حقوقی حقوق خصوصی و یا اشخاص حقیقی با آن برخورد خواهد شد نه به عنوان دولت به منزله شخصی دارای حق حاکمیتی.

چنان که گفتیم بحث مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی‌های نفتی به لحاظ تأثیرات شدیدی که این قبیل آلودگی‌ها بر محیط زیست دریایی و اقتصاد کشورها دارند امروزه مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفته است. مسئولیت مدنی در این حوزه به دلیل حضور عوامل متعدد داخلی، بین‌المللی، خلأ مقررات موجود بین‌المللی و منطق‌های در این موضوع پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. آنچه در این میان اهمیت مضاعف دارد، این است که با توجه به مقررات و رویه موجود در این باره، بدانیم مبنای مسئولیت مدنی چیست، و چه کسانی می‌توانند در دعوی مسئولیت مدنی ذینفع شناخته شده و دادخواهی کنند. بنابراین سئوالات اساسی ما در

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در برابر نقض قوانین دریایی با تأکید بر قضیه توقیف نفتکش کره جنوبی ◇ ۲۷

تحقیق حاضر بررسی همین موارد است؛ آیا مبنای مسئولیت مدنی در آلودگی‌های نفتی، تقصیر است؟ یا تقصیر در این حوزه به دلیل پیچیده بودن و گسترش عوامل دخیل در آن، نمیتواند راهگشا باشد؟ اینکه در این خصوص، فرض تقصیر را بپذیریم یا فرض اثبات تقصیر یا به طور کلی مسئولیت بی قید و شرط و بدون نیاز به اثبات یا فرض تقصیر و صرف احراز رابطه سببیت را کافی بدانیم؟ اینکه آیا در حوزه آلودگی‌های نفتی مسئولیت مطلق است عامل ورود زیان در هر شرایطی موظف چنانکه گفتیم بحث مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی‌های نفتی، به لحاظ تأثیرات شدیدی که این قبیل آلودگی‌ها بر محیط زیست دریایی و اقتصاد کشورها دارند امروزه مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفته است. مسئولیت مدنی در این حوزه به دلیل حضور عوامل متعدد داخلی و بین‌المللی و خلأ مقررات موجود بین‌المللی و منطقه‌ای در این موضوع، پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. به نظر میرسد که اثبات تقصیر در خصوص آلودگی‌های نفتی، جبران خسارات در این زمینه را مشکل می‌کند و بهتر است برای تسهیل امر فرض تقصیر داشته باشیم؛ گرچه امروزه به کارگیری مسئولیت‌های بدون تقصیر به خصوص در این قسم موارد بیشتر مثمر ثمر است. از طرف دیگر در مورد آلودگی‌های نفتی و مباحث مسئولیت مدنی ناشی از آن چنانکه کنوانسیون مسئولیت مدنی و پروتکل اصلاحی آن پذیرفته‌اند مسئولیت مطلق عامل ورود زیان مناسب تر است چرا که در این موارد آلودگی‌های عظیمی اتفاق می‌افتند که منافع افراد زیادی را به خطر انداخته و اغلب خسارات غیرقابل جبرانی را به بار می‌آورد. در این میان سهم کنوانسیون مسئولیت مدنی ناشی از خسارت آلودگی نفتی ۱۹۶۹ و پروتکل اصلاحی آن ۱۹۹۲ با توجه به نزدیکی موضوع آنها به مباحث مورد مطالعه ما، بیشتر است. با این حال سایر کنوانسیون‌ها از جمله کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ و معاهده منشور انرژی ۱۹۹۴ و... تا حدی که به موضوع ما ارتباط دارند به طور خلاصه مورد توجه قرار خواهند گرفت.

عوامل زیست‌محیطی دریای خلیج فارس که بزرگ‌ترین دریاچه جهان است از لحاظ تأثیرگذاری بر شرایط آب و هوایی مناطق همجوار خود و به طور کلی چرخه زیست‌محیطی جهان از اهمیت خاصی برخوردار است. از سوی دیگر منابع آبیان این دریا و تأثیری که به طور مستقیم این پهنه آبی برای ساکنان مجاور آن دارد، جنبه حیاتی داشته و هرگونه اختلال در توازن زیست‌محیطی این دریا آثار و تبعات گسترده‌ای در سطح منطقه، از لحاظ شرایط زیست‌محیطی ساکنان حاشیه آن و در سطح جهان، به لحاظ تغییرات ناهنجار آب و هوایی خواهد داشت.

به عنوان یک هشدار باید فاجعه زیست‌محیطی دریاچه آرال - هرچند از لحاظ عظمت و بهره‌وری قابل قیاس با دریای خلیج فارس نیست - همواره در طرح‌هایی که به منظور باز شدن به دنیای خارج مورد توجه قرار می‌گیرد مدنظر باشد. باید گفت که این دریا از لحاظ زیست‌محیطی با تهدیداتی از جمله نوسان سطح آب و به ویژه بالا آمدن سطح آب طی دو دهه اخیر و آلودگی‌های صنعتی و نفتی مواجه بوده است.

آلودگی دریا که بخشی از آن از طریق ورود فاضلات و پسماندهای صنعتی و بخش اعظم دیگر از طریق حفر چاه‌های نفتی است، به علت نشت مواد نفتی از چاه‌ها و یا عدم مراقبت و نگهداری از خطوط لوله انتقال نفت در دریا، محیط زیست این دریا را تهدید نموده و با توجه به امکان اجرای طرح‌های بزرگ بهره‌برداری نفت از دریای خزر در آینده‌ای نزدیک اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از آلودگی بیشتر دریا امری فوری و ضروری است. در این زمینه ایجاب می‌نماید کشورهای ساحلی هرچه سریعتر در مورد تدوین یک نظام حقوقی جامع که ناظر و در بر گیرنده مسایل زیست‌محیطی باشد اقدام نمایند.

این نوشته در پی اثبات این موضوع است که فقدان یک نظام حقوقی حاکم بر محیط زیست دریای، مانع از این نخواهد شد که کشورهای ساحلی این دریا در انجام قواعد آمره بین‌المللی و قواعد عرفی حاکم بر موضوع محیط زیست از خود سستی نشان داده و از آن

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در برابر نقض قوانین دریایی با تأکید بر قضیه توقیف نفتکش کره جنوبی ◇ ۲۹

غافل باشند. یعنی متابعت از قواعد مذکور برای کشورها الزام آور بوده و در صورت نقض آن قواعد و ایراد خسارت به منافع سایر کشورها، مسئولیت بین‌المللی به دنبال داشته و این حق برای کشور خسارت‌دیده برای رجوع به مراجع بین‌المللی و جبران خسارت وارده باقی است. در قضیه توقیف نفتکش کره جنوبی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای علت توقیف این شناور را به درخواست سازمان بنادر و دریانوردی و با حکم دادستانی استان هرمزگان، بیان داشت. اسماعیل مکیزاده معاون دریایی بنادر و دریانوردی استان هرمزگان نیز در تشریح جزئیات توقیف این نفتکش اظهار داشت که این نفتکش در فاصله ۱۱ مایلی جزیره تنب بزرگ، اقدام به ایجاد آلودگی دریایی نموده است و یگان عبوری گشت نیروی دریایی سپاه متوجه این تخلف شده و به این کشتی اخطار داد اما شناور مذکور بدون توجه به اخطارها؛ به مسیر خود ادامه داد. لذا این شناور به دستور مرجع قضایی استان و توسط نیروی دریایی سپاه توقیف و برای سیر مراحل قانونی و بررسی‌های الزم، به سمت لنگرگاه بندرعباس هدایت شده است. در مقابل وزارت خارجه کره جنوبی در بیانیه‌ای در ارتباط با توقیف نفتکش این کشور در آب‌های خلیج فارس، خواستار آزادی فوری آن گردید. با نظر به اینکه علت توقیف این نفتکش ایجاد آلودگی زیست محیطی عنوان شده است اما برخی گمانه زنی‌ها حکایت از این دارد که این اقدام ایران، به دلیل سیاسی از جمله بلوکه شدن پول‌های خود در کره جنوبی، انجام گرفته است. در این مقاله به بررسی این می‌پردازیم آیا ایران صلاحیت رسیدگی داشته است؟

مفهوم مسئولیت بین‌المللی

مسئولیت بین‌المللی یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نهادهای حقوقی بین‌المللی است زیرا اصولاً هر گونه تعهد حقوقی بین‌المللی که از سوی تابعان فعال حقوق بین‌الملل نادیده انگاشته و نقض شود، بلافاصله موضوع مسئولیت بین‌المللی آن‌ها را پیش می‌آورد. اهمیت و جایگاه مسئولیت در جامعه بین‌المللی به مراتب بیشتر از جامعه داخلی است چرا که جامعه بین‌المللی

محیطی است که بر اساس حاکمیتشان آزادانه تصمیم می‌گیرند و این امر به طریق اولی به آزادی برابر با سایر کشورها برخورد پیدا می‌کند. مسئولیت بین‌المللی به عنوان سازوکار قانون‌مند، اساسی و ضروری روابط متقابل دولت‌هاست و امروزه هر قدر به نهاد مسئولیت بین‌المللی ارج نهاده و قواعد و فنون آن بهتر شناسانده شود و در راه توسعه و تحول نظام حقوقی مسئولیت بین‌المللی گام برداشته شود، زمینه اجرای بهتر و موثر تر مقررات حقوق بین‌الملل فراهم می‌گردد. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۵، ص ۴۲۱) در هر نظام حقوقی، خواه ملی یا بین‌المللی، نقض یک تعهد الزام آور موجب مسئولیت حقوقی می‌گردد. مسئولیت بین‌المللی وقتی رخ می‌دهد که یک دولت تعهدی را در مقابل دولت دیگر نقض می‌کند. هر عمل غیر قانونی بین‌المللی توسط یک دولت، متضمن مسئولیت بین‌المللی آن دولت است. تعهد ممکن است از یک معاهده یا حقوق عرفی سرچشمه گرفته یا ناشی از عدم اجرای یک تصمیم الزام آور قضایی باشد یا در اثر بد رفتاری با اتباع خارجی یا عدم اجرای یک تصمیم الزام آور یک سازمان بین‌المللی ذی صلاح. (مقتدر، ۱۳۷۴، صص ۱۴۵ و ۱۴۶) وقتی از مسئولیت بین‌المللی صحبت می‌شود در واقع صحبت از قواعد ثانویه است که با قواعد اولیه متفاوت می‌باشد. قواعد اولیه، نقش تعیین تکالیف را به صورت مستقیم بر عهده دارند (مثل حقوق معاهدات) اما قواعد ثانویه به مرحله اجرا و نقض قواعد اولیه مربوط می‌شوند. (عواقب ناشی از عدم رعایت قواعد اولیه) مسئولیت بین‌المللی سازوکار و تأسیسی برای انتظام روابط بین اعضای جامعه بین‌المللی است. در حقیقت مسئولیت بین‌المللی وقتی موضوعیت دارد که فعل متخلفانه‌ای از یکی از اعضا سر بزند و تا زمانی که فعل یا ترک فعلی متخلفانه اثبات نشود مسئولیت محقق نمی‌شود ولی وقوع تخلف هم باید به موجب حقوق بین‌الملل محرز شود. (آمپارو، ۱۳۹۵، ص ۱۶۸)

باید توجه داشت برای تحقق مسئولیت باید فعل یا ترک فعل غیر قانونی قابل انتساب به دولت باشد. دولت مسئول اقدامات ارگان‌های خود مانند ارتش، پلیس، قوه قضائیه، سازمان‌ها و دوایر دولتی است و افعال ارگان‌های فوق افعال دولت محسوب می‌شوند حتی اگر خارج از

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در برابر نقض قوانین دریایی با تأکید بر قضیهٔ توقیف نفتکش کره جنوبی ◇ ۳۱

حوزهٔ مسئولیتشان عمل کرده باشند (مقتدر، ۱۳۷۴، ص ۱۵۰) نکتهٔ قابل توجه دیگر در بحث مسئولیت جبران خسارت و پرداخت غرامت به تابع زیان دیده است. غرامت یک اصل مورد قبول است که نقض یک تعهد بین‌المللی موجب تعهد ثانوی پرداخت غرامت می‌گردد. (مقتدر، ۱۳۷۴، ص ۱۵۳)

اصول کلی حقوق بین‌الملل حفاظت از محیط زیست دریایی

اقیانوس‌ها دو سوم کرهٔ زمین را تشکیل داده علاوه بر حفظ تعادل محیط زیست وجود موجودات کوچک دریایی به نام فیتوفلانکتون‌ها در دریاها منبع عظیم تولید اکسیژن برای محیط زیست می‌باشند از دریاها غذای انسان نیز تامین می‌گردد و تعادل گرمای کرهٔ زمین و هوا متاثر از آب دریاها می‌باشد. از نظر حقوق، آلودگی به آلودگی انسان تعبیر می‌گردد. آلودگی ممکن است به تغییر محیط زیست و یا خسارت به بشر و اموال بشریت و یا دخالت مخرب در استفاده‌های معقول از طبیعت یا افزایش (شبهه سازی) ظرفیت جذبی محیط زیست نیز تعریف شود. این مفاهیم آلودگی مستقل از یکدیگر معنی کاملی نمی‌دهند. بعضی از کنوانسیون‌ها این تعاریف را با هم ادغام کرده و آلودگی را تعریف کرده‌اند. اعلامیهٔ استکهلم در خصوص محیط زیست بشر در مادهٔ ۶ و ۷ از امتزاج تعاریف فوق آلودگی را تعریف کرده است. کنوانسیون ۱۹۷۲ اسلو در خصوص جلوگیری از آلودگی دریا از فضولات کشتی و هواپیما کنوانسیون لندن، در خصوص جلوگیری از آلودگی محیط دریایی از فضولات، سایر مواد و کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها آلودگی را به شرح زیر تعریف می‌نماید:

آلودگی محیط زیست دریایی یعنی وارد نمودن مستقیم یا غیرمستقیم مواد و انرژی به وسیلهٔ بشر به محیط زیست دریایی و دماغه‌ها که نتیجهٔ احتمالی آن آثار زیان آور بر زندگی بشر و موجودات زنده و نیز تهدید بهداشت بشر و ایجاد مانع برای فعالیت‌های دریایی از جمله ماهیگیری و سایر استفاده‌های مجاز از دریا و آسیب رسانیدن به استفادهٔ معقول از آب دریا و

کاهش رفاه می‌باشد. این تعریف جامعی است که در برگیرنده عناصر مهم یعنی معیار مانند سازی و خسارت و استفاده می‌باشد. ضرورت مبارزه با این مسائل اقدام جهانی را در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی می‌طلبد. جامعه بشریت با تدوین تعهدات عمومی برای دولت‌ها در کنوانسیون‌های بین‌المللی، منطقه‌ای، حقوق عرفی، رویه قضائی و نیز قوانین داخلی به این امر پاسخ داده است. (پور نوری، ۱۳۸۳، صص ۱۴۸ و ۱۴۹) آلودگی نفتی یکی از انواع آلودگی محیط زیست است که می‌تواند بر زندگی انسان‌ها و سایر موجودات زمین تأثیر بگذارد آلودگی‌های نفتی هر ساله باعث ایجاد هزینه‌های فراوان برای شرکت‌های نفتی و دولت‌های نفت خیز می‌گردد. (شرفشاده، ۱۳۹۲، ص ۲) البته برای پیشگیری و گسترش این آلودگی‌ها تلاش‌های زیادی در سطح ملی و بین‌المللی انجام گرفته که این تلاش‌ها تا به حال توانسته است به کاهش آلودگی‌های نفتی در سطح بین‌المللی کمک نماید. (امیر حسینی، روشن، ۱۳۹۴، ص ۲) حداقل از ۵۰ سال قبل با افزایش قابل ملاحظه آلودگی محیط زیست به ویژه توسط مواد نفتی، جامعه جهانی و سازمان‌های بین‌المللی تلاش‌های بی سابقه‌ای را برای کاهش آلودگی محیط زیست آغاز نموده‌اند که حاصل آن تنظیم حداقل ۲۰۰ کنوانسیون بین‌المللی زیست محیطی بود. (نجفی اسفاد، دارابی نیا، ۱۳۹۰، ص ۱۰۱) جدا از این موارد از دیرباز سوانح دریایی بخش لاینفک دریانوردی است و بخش اعظم سوانح گزارش شده به طور مستقیم یا غیر مستقیم به خطای انسانی مربوط می‌شود. سازمان‌ها و ارگان‌های دریایی برای کاهش اثرات خطای انسانی از روش‌های مدیریت ریسک استفاده می‌کنند که هدف اصلی آن‌ها تقویت ایمنی و کاهش خطای انسانی از طریق انگیزش، آموزش و طراحی سامانه‌ها و تدوین مقررات است. (نور امین، سجادی پارسا، ۱۳۸۹، ص ۳)

قضیه توقیف نفتکش کره جنوبی توسط ایران

تجارت جهانی و حمل و نقل دریایی اصل اساسی رشد و شکوفایی اقتصادی در سراسر جهان است با این حال مهم‌ترین عوامل آلودگی دریا، ورود نفت از کشتی به دریاست که چه به

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در برابر نقض قوانین دریایی با تأکید بر قضیه توقیف نفتکش کره جنوبی ◇ ۳۳

صورت عمد یا غیر عمد (در نتیجه تصادم کشتی‌ها) یا انتقال نفت از طریق لوله‌های نفتی یا در نتیجه استخراج نفت حین حفاری و یا سهل‌انگاری در تأسیسات نفتی صورت می‌گیرد. منشأ و ماهیت مسئولیت مدنی، انتساب مسئولیت به فعالان کشتیرانی و مسئولیت دولت، جبران خسارت زیان‌دیدگان از طریق بیمه، صندوق جبران خسارت و بحث تحدید مسئولیت و مسائل مرتبط با تعارض قوانین از جمله مسائلی است که در ایجاد یک آلودگی در دریا مطرح می‌شود. (کریمی، ۱۳۹۸، ص ۱) یکی از اتفاقاتی که باعث آلودگی دریایی شده، قضیه نفتکش کره جنوبی با نام هانکوک چیامی^۱ است که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صبح روز ۱۵ دی ماه سال ۱۳۹۹ در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که یک فروند شناور متعلق به کره جنوبی در آب‌های خلیج فارس را توقیف کرده است، این نفتکش که از مبدأ بندر الجبیل عربستان در خلیج فارس در حرکت بود، به گفته دبیرکل انجمن کشتیرانی و خدمات وابسته ایران، به دلیل نقض پیاپی قوانین زیست محیطی دریایی توسط ناوگروه ذوالفقار منطقه یکم نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توقیف شد. این کشتی با پرچم کره جنوبی به نام هانکوک چیامی حامل هفت هزار و دویست تن مواد شیمیایی نفتی (اتانول) بوده است. در این اطلاعیه آمده است که خدمه این شناور نفتی از ملیت‌های کره جنوبی، اندونزی، ویتنام، میانمار هستند، این نفتکش پس از توقیف در لنگرگاه بندرعباس پهلو گرفت و پرونده آن برای طی مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی کشور شد که سرانجام پس از انجام مراحل اداری، در ۲۰ فروردین سال ۱۴۰۰ این کشتی به همراه ناخدا و خدمه آن که در سلامت به سر می‌برده‌اند، سواحل ایران را ترک کرده است. سخنگوی وزارت خارجه ایران نیز چند ساعت بعد اعلام کرد که عدم سوء سابقه ناخدا و کشتی در زمینه تخلف در منطقه، زمینه نگاه مثبت دادستان را فراهم کرد. (بیانیه سپاه پاسداران در خصوص توقیف نفتکش کره جنوبی در آب‌های خلیج فارس)

در ماده ۱ قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی مصوب ۱۳۵۴/۱۱/۱۴ آمده است که آلوده کردن اعم است از تخلیه یا نشت نفت یا هرگونه مخلوط نفتی در آب‌ها و در ماده ۲ گفته شده است که آلوده کردن آب‌های داخلی و سرزمینی ایران به نفت یا هرگونه مخلوط نفتی خواه توسط کشتی‌ها و خواه توسط سکوها‌های حفاری یا جزایر مصنوعی و خواه توسط لوله‌ها و تأسیسات و مخازن نفتی ممنوع است و مرتکب به حبس یا پرداخت جزای نقدی محکوم می‌شود. در صورتی که آلودگی به واسطه بی‌مبالاتی یا بی‌احتیاطی واقع شود مجازات مرتکب حداقل جزای نقدی مذکور در این قانون است. (قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی، مواد ۲ و ۳) پس با توجه به این قانون در می‌یابیم که کره جنوبی باعث آلوده سازی آب‌های خلیج فارس شده است و باید طبق قانون با این نفتکش برخورد شود و این هیچ ارتباطی به عقده‌گشایی ندارد. در کنوانسیون بین‌الملل مدنی ناشی از خسارات آلودگی نفتی تعریف خسارت آلودگی صراحتاً ذکر شده که تلف یا زیان به بار آمده در خارج از کشتی در اثر آلودگی ناشی از خروج یا تخلیه نفت از کشتی قطع نظر از محل وقوع این خروج یا تخلیه مشروط بر آن که پرداخت غرامت در ازای آسیب وارده بر محیط زیست به استثنای عدم النفع حاصل از آسیب مزبور محدود به اقدامات معقولی شود که عملاً برای اصلاح وضعیت انجام پذیرفته است یا باید انجام پذیرد. (کنوانسیون بین‌الملل مدنی ناشی از خسارات آلودگی نفتی، ماده ۶)

نظام بین‌المللی مسئولیت مدنی

تیین نقاط ضعف رویکرد جبران خسارت تردیدی نیست که مسأله جبران خسارت زیان‌دیدگان، موضوعی کلیدی و محوری است. باوجود این تاکنون نظام مسئولیت مدنی در حوزه مقابله با آلودگی نفتی دریای عملکرد قدرتمند و ۴۲ مطلوبی نداشته است. عملکرد ضعیف نظام بین‌المللی مسئولیت مدنی و اثری نامطلوب دارد. مسئولیت بین‌المللی اگر چه اهمیت زیادی

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در برابر نقض قوانین دریایی با تأکید بر قضیه توقیف نفتکش کره جنوبی ◇ ۳۵

در حقوق بین‌الملل دارد ما رژیم حقوقی آن به کندی پیش رفته و بیشتر قوانین آن عرفی است علت این امر نیز خصیصه جامعه بین‌المللی است. در اولین تلاش‌ها، در سال ۱۹۳۰ در کنفرانس تدوین حقوق بین‌الملل ژنو به موضوع مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها پرداخته شد اما عمده قواعد مربوط به مسئولیت، «مسئولیت ناشی از سوء رفتار با بیگانگان» بود و در نهایت این کنفرانس موفق به تدوین قواعد حقوق بین‌الملل نشد. اما پس از تشکیل سازمان ملل متحد، کمیسیون حقوق بین‌الملل که وابسته به مجمع عمومی و وظیفه آن تدوین و توسعه مترقیانه قواعد حقوق بین‌الملل است از همان سال ۱۹۴۹ تدوین قواعد مسئولیت بین‌المللی را در دستور کار خود قرار داد. کنوانسیون مسئولیت مدنی^۱ به عنوان مؤسس نظام حقوقی بین‌المللی در مورد جبران خسارات ناشی از آلودگی نفتی دریایی، صرفاً مالکان تانکرهای نفتکش را در مورد آلودگی نفتی دریایی، صاحب مسئولیت محض (مبتنی بر خطر) و تعهد به جبران محدود، قلمداد کرده است. کنوانسیون تأسیس صندوق بین‌المللی برای جبران خسارات ناشی از آلودگی نفتی^۲ به همراه پروتکل‌های اصلاحی و پروتکل صندوق تکمیلی نیز در مقام مکمل‌های کنوانسیون جبران خسارت مدنی نیز همین رویکرد را برگزیده‌اند.

امکان سنجی مسیولیت ایران در قضیه نفتکش کره

با توجه به اهمیت این موضوع برای منافع ملی کشور، نکاتی از حیث اصول و قواعد حقوق بین‌الملل دریاها قابل طرح است. (۱) منطقه خلیج فارس دریایی بسته یا نیمه بسته است که مشمول قواعد حقوق بین‌الملل دریاها قرار دارد. بنیادیت‌ترین سند بین‌المللی در حوزه حقوق دریاها، کنوانسیون سازمان ملل متحد در حقوق دریاها (۱۹۸۲) است. اگرچه جمهوری اسلامی ایران صرفاً این سند را امضا کرده و هنوز آن را تصویب نکرده است اما علی‌رغم

1 . Convention Liability Civil

2. Convention Fund

الزامالجزا نبودن این کنوانسیون برای کشور ایران، بسیاری از قواعد مندرج در این معاهده، تدوین عرف بینالمللی است و از این جهت، برای کشورمان الزامالرعایه است

(۲) بر مبنای قواعد عرفی و معاهداتی دریایی، کشورهای ساحلی صالحیت تعیین مناطق دریایی خود را با توجه به استانداردهای کنوانسیون دارا میباشند. با عنایت به اینکه هر کشور میتواند تا ۱۲ مایل از خط مبدأ به تعیین دریای سرزمینی، برای خود اقدام کند و مطابق ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها که جزایر دور از ساحل را مستحق برخورداری از مناطق دریایی مستقل دانسته، بر اساس قوانین و مقررات داخلی کشور، جزیره تنب بزرگ تحت حاکمیت ایران قرار دارد و آبهای اطراف آن تا ۱۲ مایل، دریای سرزمینی کشور ایران محسوب میشود. بنابراین نفتکش کرهای در حال عبور از این منطقه دریایی (در فاصله ۱۱ مایلی تنب بزرگ) توقیف گشته است.

(۳) رژیم حاکم بر عبور کشتیهای خارجی در دریای سرزمینی، عبور بیضرر است. یعنی کشتیهای خارجی میتوانند به صورت مستمر، بیوقفه و سریع از دریای سرزمینی سایر کشورها عبور کرده و دولت ساحلی نمیتواند مادامی که عبور، بیضرر است اقدام به توقیف یا بازرسی آن کشتی نماید. عبور، زمانی بیضرر است که منخل صلح، نظم عمومی و امنیت کشور ساحلی نباشد. اما زمانی که یک کشتی، فعالیت‌های مصرح در ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق دریاها را انجام دهد، عبور از حالت بیضرر خارج می‌شود. یکی از این موارد، اقدام به آلودگی جدی و عمدی زیست محیطی است. به عبارت دیگر، در این فرض، کشور ساحلی میتواند از عبور کشتی خارجی، جلوگیری نماید. زیرا به موجب ماده ۲۱ این کنوانسیون، کشور ساحلی میتواند در منطقه دریای سرزمینی قوانینی را در خصوص حفاظت از محیط زیست و پیشگیری، کاهش و کنترل آلودگی وضع نماید و کشتی‌های خارجی در حال عبور بیضرر از این دریا مکلف به اجرای این مقررات هستند. در نتیجه، نفتکش کرهای مکلف بوده در حین عبور از دریای سرزمینی ایران به قواعد و استانداردهای زیست محیطی که کشور ایران وضع کرده است، پایبند باشد.

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در برابر نقض قوانین دریایی با تأکید بر قضیه توقیف نفتکش کره جنوبی ◇ ۳۷

۴) اگرچه اعمال صالحیت قضایی کیفری و مدنی بر کشتی‌های خارجی در حال عبور از دریای سرزمینی با کشور صاحب پرچم کشتی است اما در بعد کیفری، در صورتی که آثار جرم به ساحل سرایت کرده و آرامش، امنیت و نظم عمومی ساحل را برهم زند، کشور ساحلی امکان اعمال صالحیت داشته و در زمینه دعاوی مدنی نیز، به موجب قاعده مقرر در ماده ۲۸ کنوانسیون، در صورتی که تعهدات قراردادی یا مسؤولیت‌های کشتی مزبور، در حین عبور و به مناسبت عبور ایجاد شده باشد، کشور ساحلی می‌تواند صالحیت قضایی خود را اعمال نماید. ایجاد خسارات ناشی از آلودگی‌های زیست محیطی در حین عبور از مناطق دریایی ایران را میتوان هم واجد وصف کیفری و هم دارای خصیصه مدنی دانست که در حین عبور نفتکش از منطقه دریای سرزمینی تحت حاکمیت ایران ایجاد شده است. بنابراین، کشور ایران هم در بعد کیفری و هم در بعد مدنی امکان اعمال صالحیت قضایی و اجرایی بر این اقدام را داشته است. در نتیجه، صدور حکم توقیف نفتکش آلوده‌کننده خارجی از سوی مقام قضایی با قواعد حقوق بین‌الملل منافاتی ندارد.

۵) با توجه به اقدام این نفتکش، یعنی حمل و نقل مواد شیمیایی نفتی، نوع این کشتی، تجاری است و از مصونیت قضایی برخوردار نمیباشد. از این رو، مانعی در جهت اعمال صالحیت قضایی توسط دادستانی کشور ایران و اجرای حکم توسط نیروی دریایی نظامی جمهوری اسلامی ایران موجود نبوده؛ زیرا مطابق قواعد حقوق بین‌الملل دریاها صرفاً کشتی‌های جنگی و کشتی‌های دولتی غیرتجاری در رابطه با صلاحیت قضایی و اجرایی کشور ساحلی از مصونیت برخوردارند. در نتیجه، جمهوری اسلامی ایران در اقدام به توقیف نفتکش آلوده‌کننده محیط زیست دریایی ایران، در چارچوب اصول و قواعد حقوق بین‌الملل دریاها عمل کرده است. (صباغی، مهدی: ۱۴۰۱: ص ۱۰۸ تا ۱۲۲)

نتیجه گیری

با نگاه اولیه به مسئولیت مدنی شاید این فرضیه در ذهن خطور کند که میتوان مسئولیت ناشی از آلودگی را نیز در قالب مسئولیت مدنی سنتی بررسی کرد. در مسئولیت مدنی سنتی برای مطالبه خسارت به سه رکن اساسی نیاز است: ورود ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت بین ضرر وارده و فعل زیانبار. البته طبیعی است که خروج از قاعده فوق در مسئولیت مدنی سنتی نیاز به نص قانونی دارد زیرا اصل در مسئولیت مدنی مطابق م. ۱. قانون مسئولیت مدنی بر تقصیر استوار است قائل شدن به نظریه فوق مبنای مسئولیت ناشی از آلودگی محیط زیست و به خصوص آلودگی نفتی دریاها که ممکن است در دریای آزاد اتفاق افتد در عمل در دریای آزاد به معنای پذیرفتن مسئولیت آلودگی ناشی از ریزش نفت در دریا است؛ زیرا قاعده‌تاً متضرر از حادثه به مفهوم حقوق مسئولیت مدنی سنتی وجود ندارد درحالی که زندگی کل انسان‌ها می‌تواند در اثر همین حادثه به خطر بیفتد. از طرف دیگر اثبات رابطه سببیت بین فعل، مبنای. اعتقاد به مبنای سنتی مسئولیت مدنی در زیانبار و ضرر وارده در حوادث نفتی کار آسانی نیست مسئولیت مدنی در آلودگیهای نفتی دریایی نه تنها جبران خسارات وارده را در عمل ناممکن میسازد بلکه باعث به خطر افتادن حقوق بشر - که مطابق اسناد بین‌المللی محیط زیست سالم به عنوان نسل سوم بشری شناخته می‌شود. از طرف دیگر نیز مطالعه تعدادی چند از اسناد بین‌المللی و منطقیهای ما را به این سوره‌نمون ساخت که نه تنها اسناد فوق به دنبال اثبات ارکان مسئولیت مدنی نیستند بلکه قبل از ایجاد ضرر نیز دولت‌ها و مالکان کشتی را مسئول جلوگیری و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه کرده است درحالی که در مسئولیت مدنی سنتی نمیتوان قبل از ایجاد ضرر عامل ضرر را مسئول شناخت مگر در موارد استثنایی.

همچنین باید به این نکته نیز توجه کرد که ایران با تصویب کنوانسیون‌ها و پروتکل فوق‌الشاره آنها را به عنوان قوانین داخلی خود پذیرفته و بنابراین میتوان با کمی تسامح معتقد بود که در حقوق داخلی ایران نیز مسئولیت ناشی از آلودگی زیست محیطی از قواعد مسئولیت مدنی

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در برابر نقض قوانین دریایی با تأکید بر قضیه توقیف نفتکش کره جنوبی ◇ ۳۹

سنتی تبعیت نمی‌کند و با استقراء از کنوانسیونها و پروتکل‌های منعقدہ — که در حال حاضر به عنوان قوانین داخلی ایران محسوب می‌شوند — اینگونه استنباط کرد که مسئولیت ناشی از آلودگی محیط زیست از قواعد عام مسئولیت مدنی سنتی تبعیت نمی‌کند دریاها به دلیل شرایط اقتصادی و زیست محیطی و نیز منابع عظیمی که در خود جای داده‌اند اهمیت زیادی دارند و لذا بسیار مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته‌اند. امروزه با توجه به گسترش روزافزون جمعیت و نیز توسعه شدید صنعت و نیاز گسترده به نفت فعالیت‌های استخراج نفت و نیز حمل و نقل آن به سراسر دنیا رواج یافته است. در این میان دریاها با خطر آلودگی نفتی بیش از گذشته مواجه شده‌اند. آلودگی دریاها به وسیله نفت مسأله ساده‌ای نیست که بتوان راحت از آن گذشت محیط زیست دریا یک محیط زیست بسیار غنی و تأثیرگذار است به خصوص که اگر با آلودگی نفتی مواجه شود در بسیاری از موارد اعاده وضعیت به حالت سابق تقریباً غیرممکن است. آلودگی دریاها می‌تواند به صنایع توریسم و ماهی‌گیری، شیلات و در نتیجه به اقتصاد کشورها ضربه اساسی وارد کند. بنابراین دولت‌ها به دنبال راه‌هایی برای مقابله با این آلودگی و در صورت وقوع به دنبال ابتکار راه‌هایی برای جبران خسارات ناشی از آن که بعضاً بسیار سنگین هستند می‌باشند. به نظر می‌رسد در این خصوص بهتر است به دنبال اثبات تقصیر نباشیم و در نهایت اگر گرایشی به قالب‌های سنتی حقوقی داریم فرض تقصیر را بپذیریم تا زیان‌دیدگان از اثبات این شرط در دعاوی پیچیده مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی‌های نفتی معاف شوند. گرچه رویه کشورهای در صنعت نفت به لحاظ اهمیت نفت مسائل راجع به آن و نیز تأثیرات گسترده آلودگی‌های ناشی از آن به سوی مسئولیت مطلق تمایل دارد. چرا که در این نوع مسئولیت فارغ از مسائل مبنایی اثبات تقصیر و رابطه سببیت و... جبران خسارات صورت می‌گیرد. خلیج فارس به عنوان یک منطقه ویژه با تمامی این مخاطرات روبه روست و به دلیل شرایط ویژه جغرافیایی، اقلیمی و نیز نقش استراتژیک آن دارای اهمیت دو چندان است. کشورهای حاشیه خلیج فارس در این راستا موفق به تصویب

کنوانسیون منطقه‌ای کویت گردیده‌اند که گرچه در موارد زیادی دارای خلأ قانونی است اما به عنوان آغاز راه گام موثری بوده است

بحث مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی‌های نفتی در حوزه خلیج فارس به دلیل اهمیت آن بسیار مهم است به خصوص که قوانین یکپارچه برای مطالبه خسارت ناشی از آلودگی نفتی وجود ندارد و زیان دیده برای مطالبه حقوق خود با مشکلات فراوانی رو به رو خواهد شد. چنانکه گفتیم کنوانسیون کویت مسئله جبران خسارات را به کنوانسیون‌های بین‌المللی ارجاع داده است. کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز به صورت کامل به این موارد نپرداخته و خلأهای زیادی دارند که در نهایت اهمیت بیشتر حقوق داخلی را می‌نمایاند. نظام حقوقی داخلی یک کشور اگر پیشرفته باشد اغلب زیان‌های وارده را جبران پذیر می‌کند حال آنکه در صورت پیشرفته نبودن قوانین زیان‌دیدگان با مشکلات فراوانی رو به رو شده و برای احقاق حق خود در خصوص آلودگی‌های نفتی در پیچ و خم کلیات مسئولیت مدنی کشورها گرفتار می‌شوند. آنچه به اهمیت بیشتر مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی‌های نفتی می‌افزاید این است که در این مورد علاوه بر دولت‌ها، سازمان‌های محیط زیست، صاحبان صنایع وابسته و حتی اشخاص حقوقی نیز می‌توانند به عنوان زیان‌دیده مطرح شوند و گاهاً ممکن است در یک آلودگی نفتی چندین هزار خواهان داشته باشیم. یکی از دشواری‌های بحث مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی‌های نفتی انتخاب مبنای حقوقی است اینکه قاعده تقصیر را بپذیریم یا نظریه خطر و اینکه آیا نظریات سنتی و موجود در حقوق پاسخگوی مسئولیت مدنی با این ابعاد پیچیدگی‌ها هست یا نه. در پایان می‌توان گفت مسئولیت مدنی ناشی از خسارات آلودگی نفتی در حوزه خلیج فارس مسأله‌ای بسیار حائز اهمیت و دارای خلأهای قانونی بسیار است. کنوانسیون کویت گرچه برای آغاز راه می‌تواند امیدوار کننده باشد ولی اصلاً کافی نیست و دولت‌های حاشیه خلیج فارس باید در راستای تلاش‌های بین‌المللی و برای جلوگیری از آلودگی هر چه بیشتر آن و نیز ابداع راه‌هایی برای جبران خساراتی که رخ می‌دهد، فعالیت‌های خود را گسترش داده و کاستی‌های موجود را مرتفع نمایند.

منابع

۱. قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی.
۲. امیر حسینی، امین، روشن، محمد، (۱۳۹۴)، بررسی مسئولیت آلودگی ناشی از مواد نفتی دریاها و راهکارهای جلوگیری از آن با نگاهی به کنوانسیون‌های بین‌المللی تهران، دومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در علوم انسانی.
۳. پورنوری، منصور، (۱۳۸۳)، حقوق بین‌الملل دریاها، مهد حقوق، تهران، چاپ اول.
۴. سان خوزه جیل، آمپارو، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر، ترجمه دکتر ابراهیم بیگ زاده، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، شماره ۱۵ و ۸۰، بهار و تابستان ۹۵.۴.
۵. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۹۵)، حقوق بین‌الملل عمومی، گنج دانش، تهران، چاپ پنجاه و چهارم.
۶. کریمی، زهرا، (۱۳۹۸) پایان‌نامه مسئولیت بین‌المللی دولت ایران در آلودگی زیست‌محیطی نفتکش سانچی، استا راهنما: مهدی صفریان، استا مشاور: حمیدرضا علیخانی کرد شامی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفا دشت.
۷. مقتدر، هوشنگ، (۱۳۷۴)، حقوق بین‌الملل عمومی، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، چاپ سوم.

۸. نجفی اسفاد، مرتضی، دارابی نیا، مرتضی، (۱۳۹۰)، بررسی روند آلودگی نفتی با وجود کنوانسیون‌های بین‌المللی مبنی بر جلوگیری و رفع آن‌ها، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، تهران، ج ۲۱، ش ۱.
۹. نورامین، امیرسعید، سجادی پارسا، سید جعفر، (۱۳۸۹)، تحلیل موارد نقض شرایط ایمنی بر اساس مقررات بین‌المللی بین‌الملل دریایی، نشریه اقیانوس شناسی، تهران، ش ۳.
۱۰. نیک بخش شرفشاده، علی، (۱۳۹۲)، آلودگی نفتی دریاها از منظر حقوق ملی و بین‌المللی، اولین همایش سراسری محیط زیست، انرژی و پدافند زیستی، تهران.
۱۱. بیانیه سپاه پاسداران در خصوص توقیف نفتکش کره جنوبی در آب‌های خلیج فارس
۱۲. کنوانسیون بین‌الملل مدنی ناشی از خسارات آلودگی نفتی
۱۳. صباغی، مهدی، (۱۴۰۱) بررسی حقوقی توقیف کشتی کره جنوبی در خلیج فارس از منظر حقوق جزای بین‌الملل مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی سال پنجم، شماره ۴۹، خرداد.

آزادی انتقادات سیاسی؛ بایدها و نبایدهای آن

علی اکبر حسینی^۱



چکیده

آنچه در این مقاله مورد بحث قرار می‌گیرد، چرایی ضرورت حاکمیت آزادی بیانات نقادانه‌ی سیاسی در جامعه و مبانی علمی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، فقهی و حقوقی آن و همچنین چگونگی توجه قانون‌گذار در ایران به آن است. در این پژوهش سعی بر اثبات ضرورت حاکمیت آزادی انتقادات و مقایسه موضع حقوقی ایران در برابر آن با معیارهای فقهی، سیاسی و حقوقی می‌باشد و یکی از نتایج اصلی که در این پژوهش به دست می‌آید آن است که آزادی بیان امروزه از لوازم و ضروریات اساسی نظام حقوقی هر کشور است و حمایت از آن به فواید اجتماعی و سیاسی بسیار می‌انجامد. همچنین آن که توجه مفید قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران به این حق همچنان جای تداوم و استمرار دارد تا به وسیله آن کاستی‌های این حوزه از حقوق عمومی رفع و زائد آن محو گردند. شیوه تحقیقاتی مورد استفاده در این پژوهش شیوه کتابخانه‌ای بوده است.

واژگان کلیدی: آزادی انتقاد، آزادی سیاسی، حقوق اساسی، قانون اساسی، قانون مطبوعات.

۱. دانشجوی مقطع کارشناسی رشته حقوق دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران

مقدمه و بیان مسأله

امام علی علیه السلام: «فلا تکفوا عن مقالة بحق او مشورة بعدل. از گفن سخن حق و یا مشورت عدالت‌آمیز خودداری مکنید.» (رضی، خطبه ۲۱۶) آزادی بیان، چه بیان سیاسی باشد و چه اعتقادی در اسلام نه تنها امری جایز بلکه در بسیاری از موارد امری است واجب که تحت عنوان (امر به معروف و نهی از منکر) لازم به شمار می‌رود. البته باید توجه داشت که این مهم تنها مورد توجه نقلیات نیست و از دستاوردهای جریان‌ات عقلانی نیز می‌باشد. چنان‌که شاهدیم این موضوع مورد توجه خاص متفکران و آثار فکری غربی نیز می‌باشد و ذیل موضوع آزادی توجهات زیادی به آن جلب می‌شود. بنا بر این توجهات و اهتمامات، امروزه آزادی افراد در انتقادات از لوازم ضروری یک حکومت شایسته است و هر حاکمیت جهت استقرار حکومت خود و ابقاء رضایت عامه لاجرم باید در پی تبیین یک الگو و تدوین یک ساز و کار برای اجرای آن باشد. علی‌الخصوص اگر آن حکومت داعیه اعمال قوانین اسلامی و احکام الهی را داشته باشد، باید بیش از دیگران در پی ایجاد آزادی بیان و فراهم کردن زمینه انتقاد آزاد باشد. بنا بر این ضرورت‌ها آنچه اهمیت می‌یابد آن است که مبانی آزادی انتقادات سیاسی کدامند و این حق از کدام منابع نشئت می‌گیرد؟ این آزادی امری است مطلق یا مقید؟ و اگر مقید قیود آن کدام‌اند و از کدام منبع نشئت می‌گیرند؟ این آزادی چگونه باید باشد و چگونه باید به اجرا درآید؟ الگوهای اسلامی چه ساز و کاری را برای آن پیشنهاد می‌کنند؟ این حق اساسی چگونه خود را در قالب حقوق بشر نمایان ساخته است؟ نظام حقوقی ایران چه مواجهه‌ای با این موضوع دارد و این مواجهه متوجه چه کاستی‌ها و نواقصی است؟ آن چه در ابتدای امر به نظر می‌آید آن است که آزادی انتقاد مبانی مختلفی از جنبه‌های متفاوت، همچون مبانی سیاسی، حقوقی و... دارد. همچنین، چونان دیگر آزادی‌ها نمی‌تواند مطلقاً حاکم باشد و بدون قید رها شود. چرا که نتیجه هر آزادی مطلق، هرج و مرج است و بی‌نظمی. (سبحانی، ص. ۹) از آنجا که این قیود لازم، در

هر جامعه از بینش آن نسبت به جهان اجتماعی برمی‌خیزند بنا بر این می‌بایست ساز و کار مطلوب نظام حقوقی ایران را در ریشه‌های اسلامی و فقهی جست و جو کرد. چرا که قبولاندن شیوه اجرایی کشورهای مختلف به یکدیگر بنا به تفاوت‌هایی که در جهان‌بینی‌هایشان دارند سخت و حتی ناممکن می‌نماید. همچنین از آنجا که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانونی است مبتنی بر آموزه‌های اسلامی به یقین دستورات اسلام را در قرار داده است این زمینه الگوی خود و در عین برخورداری از نواقص در پی تأمین حق انتقاد برای شهروندان است. باید دید هرکدام از مبانی مختلف چگونه آزادی نقد را توجیه می‌کنند و موضع قانونی کشور ما نسبت به آن چگونه است.

۱. معنای آزادی انتقادات سیاسی

معنای نقد و آزادی آن ابتدا به صورت عام مورد بررسی قرار داده می‌شود و پس از آن به صورت خاص از حیث انتقادات سیاسی مورد تبیین قرار می‌گیرد:

۱-۱. معنای انتقاد و آزادی انتقاد

نقد در لغت به معنای بحث کردن درباره کتاب یا مقاله است به طوری که معایب و محاسن آن آشکار شود (عمید، ص. ۲۰۲) و امروزه اصطلاحاً در معنای عام ارزیابی، شناسایی و عیب‌ها را نمایاندن به کار می‌رود (شریفی، صص. ۸۲-۸۴) و آزادی انتقادات در مکاتب و جهان‌بینی‌های مختلف از نگاه‌های متفاوتی معنا می‌شود. در برخی از مکاتب می‌توان آزادی انتقاد را در جایگاه اطلاق به معنای عدم وجود هرگونه ممنوعیت بر سر راه بیان، و در برخی از مکاتب می‌توان آزادی انتقاد را در جایگاه مقید، به معنای لزوم تعیین برخی حدود برای بیان، تفسیر کرد. در تعریفی کلی، می‌توان آزادی بیان را آزادی افراد در بیان عقاید و ایراد نطق بدون ترس از دخالت دولت و تعقیب دانست. این بدین معناست که افراد باید بتوانند علاوه بر داشتن عقاید

متفاوت و احياناً مخالف، افکار خود را برای دیگران بیان کرده و برای اثبات آن و احياناً یافتن همفکران تبلیغ و تلاش کنند. (درآمدی بر حقوق اسلامی، ص. ۲۶۹)

۱-۲. آزادی انتقاد از بعد سیاسی

آن جنبه از آزادی بیان که در این مقاله مد نظر است آزادی انتقادات نسبت به حکومت‌ها، سیاست‌ها، اقدامات مقامات و تصمیم‌گیری‌ها است. این گونه آزادی حقوقی به فرد اعطا می‌کند تا بتواند عقاید سیاسی خود را از طریق چاپ، کنفرانس، پژوهش و تحقیق، نقاشی، فیلم‌سازی و... با دیگران به اشتراک بگذارد و مهم‌تر از آن تحت تعقیب قضایی قرار نگیرد (قاضی، ص. ۱۴۹) و آن عواملی که حاکمیت این آزادی را واجب می‌نمایند را می‌توان در قالب مبانی آزادی انتقاد تحت بررسی قرار داد.

۲. مبانی آزادی انتقادات سیاسی

مبانی این مهم انسانی را می‌توان از جنبه‌های مختلف بررسی و اثبات کرد. از آن جمله است: مبانی سیاسی، اجتماعی-فرهنگی، فقهی و حقوقی. بنا بر این آزادی بیان نقادانه را بر اساس یکایک این مبناها مورد بررسی قرار می‌دهیم: (تبیان، ص. ۱۷)

۲-۱. مبانی سیاسی آزادی بیان انتقادانه

۲-۱-۱. نهادینه ساختن مشارکت عمومی

در یک جامعه مبتنی بر نظام مردم‌سالاری و دموکراسی هر فردی که موظف به پیروی از نظامات و سیاست‌های دموکراسی است باید بتواند در تصمیمات آن مشارکت فعال داشته باشد. به عبارت دیگر دموکراسی در حد کمال خود بدین معناست که هرکس تابع تصمیمات در دموکراسی است حق دارد در جریان‌های مربوط به آن نیز شرکت و اظهار نظر کند. لازمه اجرای دموکراسی، داشتن نظرات مختلف و اجازه برای اظهار آن و در جایگاه بالاتر، اجازه برای تبلیغ آن است. (جونز، ص. ۵) بدون آگاه ساختن مردم و اعطا حق اظهار نظر به آنان نمی‌توان

آزادی انتقادات سیاسی؛ بایدها و نبایدهای آن ◇ ۴۷

از مشارکت عمومی و دموکراسی حرفی زد و بر اساس همین اهمیت است که در دنیای حاضر مطبوعات را به عنوان جلوه ویژه بیان رکن چهارم دموکراسی می‌شمرند. (قاضی، ص. ۱۵۰) چرا که حصول واکنش‌های صحیح به هنگام انتخابات و همه‌پرسی‌ها منوط به دسترسی مردم به اخبار و اطلاعات صحیح است و بدون آن زمینه استبداد و فریب مردم بسیار فراهم می‌گردد.

۲-۱-۲. شایسته‌سالاری

برگزیدن افراد شایسته و نصب آن‌ها در مقامات بدون استماع نظرات آن‌ها ممکن نیست. نظریات مختلف ابتدا باید مطرح شوند سپس بررسی و بعد از آن پسندیده و شایسته انتخاب دانسته شوند. بدون اجازه اظهار نظر انتخاب افراد مناسب برای جایگاه مناسب امکان‌پذیر نمی‌باشد و بدون امکان شایسته‌سالاری دموکراسی نیز که اقدامی در جهت انتخاب افراد برگزیده است نیز فلج و بی‌معنا می‌شود.

۲-۱-۳. شفافیت (Transparency)

شفافیت یک اصطلاح سیاسی است که در حقوق عمومی و همچنین در میان اصول حکومت‌داری شایسته مطرح شده است. (Diligent, 22 October 2022) قدرت بنا به خوی فسادآور و خصلت زیاده‌خواهانه‌ی خود می‌بایست با اهرم‌هایی متعدد مورد کنترل و نظارت قرار گیرد. یکی از این ابزارها ابزار شفافیت‌بخشی به تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات است تا بدین وسیله حکام و مقامات مردم را ناظر بر خود دانسته از تصمیمات خودسرانه و ناکارآمد دوری بجویند. (Amaryllis, p. 2) ایجاد امکان دسترسی مردم به اطلاعات و اخبار که مسیرهای آگاهی‌بخشی مردم نسبت به تصمیمات هستند، از لوازم اصل شفافیت است که حاکمیت آزادی‌بیانات را لازم می‌گرداند. مطبوعات و مطلعین از اقدامات و تصمیمات در این راستا باید از حق بیان، بدون ترس از عقاب برخوردار باشند تا شفافیت در حد لازم خود جریان یابد.

۲-۲. مبانی اجتماعی-فرهنگی آزادی بیان نقادانه

۲-۲-۱. لزوم شکل‌گیری بینش صحیح

اصولاً علم در راستای طرح مباحث و شکل‌گیری مباحثات و مجادلات بسیار پرورش و رشد می‌یابد. پختگی هر شاخه علمی و هر تصمیم عملی و همچنین صحت هر بینش مدیریتی وابسته به میزان نظریاتی که حول آن مطرح شده و انتقاداتی که بر سر آن نظریات بیان شده می‌باشد. چرا که انسان در ذات خود خطاپذیر است و کاهش احتمال اشتباه وی بدون جلب نظرات و انتقادات دیگران میسر نمی‌شود. (ر.ک: جونز، ص. ۶)

طرح انتقاد و شکل‌گیری مباحثات نیز جز در فضایی مبتنی بر دیالوگ ممکن نیست. نمی‌توان فضای جامعه را در سطح مونولوگ نگاه و انتظار پیشرفت سطح علمی و فرهنگی جامعه را نیز داشت. بنا بر این دگم‌اندیشی نسبت به نظریات مخالف و مختلف به رکود سطح علمی و نتیجتاً انحطاط سطح حقوقی و سیاسی جامعه می‌انجامد.

۲-۲-۲. لزوم توانمندسازی شهروندان

توانمندسازی و بالا بردن سطح زندگی افراد از نظر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی منوط به اعطای حق انتقاد به ایشان است. چرا که تمتع افراد از امتیازات و حقوق عمومی و شهروندی، همچون امتیاز و حق تفکر، آموزش و پرورش، آزادی عقیده و برابری و حمایت از این حقوق در مقام اجرا و استیفا و به هنگام ایجاد اختلافات جز با آزاد گذاردن آزادی انتقاد امکان‌پذیر نیست.

۲-۳. مبانی فقهی و اسلامی آزادی بیان نقادانه

آزادی بیان پیش از آن که مورد توجه دانشمندان و نظریه‌پردازان غربی قرار گیرد در اسلام به هدف بر کنار کردن طاغوت و نفی ظلم و ستم ﴿و لا یتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله...﴾ (آل عمران، ۶۴)، ﴿... واجتنبوا الطاغوت﴾ (نحل، ۳۶) و همچنین برقراری عدالت ﴿... لیقوم

الناس بالقسط ﴿ (حدید، ۲۵) مورد تأکید قرار گرفته است. به نحوی که می‌توان به راحتی مصادیق آن را در رفتار پیشوایان دین اسلام و علمای این دین و کلام آن‌ها مشاهده کرد. اکنون برخی از این مصادیق و مبانی مورد اشاره قرار می‌گیرند:

۱-۳-۲. دستور به تبعیت از احسن اقوال

قرآن کریم در سوره مبارکه زمر، پس از تحسین افرادی که از پیروی از طاغوت دوری می‌نمایند، ایشان را بدین وصف توصیف می‌کند: ﴿الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هداهم الله...﴾، حرف‌ها و اقوال مختلف را می‌شنوند و با تحلیل، بهترین را دنبال‌ه‌روی می‌کنند...» (الزمر، ۱۸) در این عبارت مبارکه شنیدن اقوال مختلف و برگزیدن برترین آن‌ها مورد تشویق قرار گرفته است. لازمه‌ی شنیدن گفتن است و بنا بر این در ضمن این آیه بیان سخنان گوناگون آزاد انگاشته شده است.

۲-۳-۲. دستور به پرسشگری

دین اسلام همواره در جای جای آموزه‌های خود به لزوم پرسش برای کسب آگاهی تأکید ورزیده است: ﴿... فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون﴾ (الانبیاء، ۷) و همچنین با دعوت دیگران به تفکر، فراهم کردن زمینه شکوفایی انسان و اندیشه‌اش را مورد تأکید قرار داده است: «پیامبر اکرم ﷺ: تفکروا فی کل شیء و لا تفکروا فی ذات الله؛ در همه چیز اندیشه کنید و در مورد ذات خدا نیندیشید». (کنز العمال، ۵۷۰۴) برای طرح سوالات و انجام مباحثات علمی فراهم کردن شرایط علمی مناسب و اظهار نظر برای صاحب‌نظران لازم و ضروری است. تحقق هر یک از امور مزبور مستلزم حاکمیت آزادی بیان و اعطای آن حق به افراد است تا بتوانند نظرات مختلف و احیاناً مخالف خود را بیان نمایند. (ر.ک: علی توتونچی، ص. ۲۵)

۳-۲-۳. دستور به مشورت

آموزه‌های اسلامی به انحاء مختلف اصل مشورت را مورد تأکید قرار داده‌اند. در سوره آل عمران می‌خوانیم «... وشاورهم فی الامر...» (آل عمران، ۱۵۹) و همچنین در سوره الشوری می‌خوانیم «... و امرهم شوری بینهم...» (الشوری، ۳۸) اسلام طالب جامعه‌ای است که در آن افراد بتوانند آرا خود را آزادانه مطرح نمایند تا بتوان تلفیق آرا و گزینش بهترین آن‌ها پرداخت. واضح است که موضوع این مشورت‌ها احکام تشریحی اسلام نیست چرا که در احکام تشریحی خداوند جای مشورت و تغییر آرا وجود ندارد بلکه موضوع این مشورت که بدان امر شده‌ایم مسائل اجتماعی، ارادی و عقلایی بشر است که جای بحث و شور در آن وجود ندارد.

عمل به توصیه اسلام در زمینه مشورت منوط است به آزادی اظهار نظر و عقیده. افراد باید بتوانند افکار مختلف خود را ابراز کنند و به شور با یکدیگر بپردازند تا در هر زمینه به بهترین تصمیم دست یابند. در همین راستا دکتر محمدالزحیلی، استاد حقوق دانشگاه دمشق، با اشاره به اصل شوری امر به معروف و نهی از منکر و همچنین نصیحت حاکمیت آزادی بیان را از واجبات دینی می‌شمرد و آن را منوط به اجازه حاکم نمی‌داند.

مرحوم میرزای نائینی نیز با تأکید بر آن که اساس هر حکومت مشروع و غیر مشروع بر حریت و مساوات استوار است با مخالفان مشروطیت به مخالفت می‌پرداختند و مشارکت و مشورت را از ضروریات هر جامعه می‌دانستند. ایشان همچنین با تقسیم کردن دوران حکومت اسلامی به سه دوره‌ی تفوق، توقف و تنزل عامل توفیق اسلام را در دوران آغازین خود توجه به حریت و مساوات می‌دانستند و از استبداد و سلطنت به عنوان عوامل توقف مسلمانان نام می‌بردند. (علی توتونچی، ص. ۴۱) تقابل و تضارب آرائی که در یک جامعه رخ می‌دهد همچنین سبب رشد و شکوفایی تفکرات می‌شود و تحدید بیش از حد بیان به تقلیل توانایی‌های انتقادی و مبتکرانه می‌انجامد.

۴-۳-۲. امر به معروف و نهی از منکر

در اسلام خیرخواهی و مسئولیت در برابر مومنان امری است بسیار مهم و موکد. تا آنجا که خیرخواهی دیگران در یک جامعه اسلامی هم حق و هم تکلیف مومنان محسوب می‌شود: «انکم مسئولون؛ حتی عن البقاع و البهائم» (رضی، خطبه ۱۶۷) یکی از مصادیق خیرخواهی نصیحت برادر ایمانی است که در قالب امر به معروف و نهی از منکر تبلور می‌نماید. قصد امر به معروف و ناهی از منکر ریشه در محبت به مومنان دارد و هدف آن اصلاح خطا، ایجاد همبستگی و اتحاد است. اهمیت این واجب شرعی تا آن حد بالاست که در قرآن از آن به عنوان مایه‌ی فخر جامعه اسلامی بر دیگر جوامع تعبیر شده است: «کنتم خیر امة اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر...» (آل عمران، ۱۱۰) بنا بر این، حق انتقاد از مسئولین، تحت عنوان واجب شرعی یاد شده، نه تنها حق هر شهروند، بلکه به سبب ایجاد نظارت بر حکام و ایجاد زمینه برای بیان واقعیات سیاسی و... از مهم‌ترین تکالیف انسان‌ها در زندگی سیاسی - اجتماعی افراد به شمار می‌رود. (ر.ک: منصوری، ص. ۱۱۶)

۵-۳-۲. شأن و کرامت انسانی

رعایت شئون و حفظ کرامات انسانی از جمله دستورات اسلام برای رعایت حقوق و حفظ ارزش‌های انسانی است: «لقد کرمنا بنی آدم...» (اسراء، ۷۰) همچنین یکی از حقوق انسانی حق آگاهی از وقایع و رخدادهای اجتماعی، سیاسی، حق تصمیم‌گیری و مشارکت مستقلانه در مسائل جامعه است. (جونز، ص. ۶) لازمه آگاهی یافتن به آگاهی رساندن است و بر همین اساس آزادی انتقاد به عنوان یکی از حقوق شهروندان لازمه رعایت شأن و حفظ کرامت ایشان است نفی آن چه بر اساس خوی استبداد باشد و چه بر اساس وسواس در مصلحت نفی کرامت انسانی است.

۶-۳-۲. اختصاص حکومت به مردم

مطابق بیانات قرآن کریم خداوند متعال انسان را نماینده خویش در زمین آفرید: «هو الذی جعلکم خلائف فی الارض...» (فاطر، ۳۹ و انعام، ۱۶۵) شهید صدر از این آیه چنین استنباط می نمود که قرارداد انسان به عنوان خلیفه در زمین به معنای انتقال حق حاکمیت در زمین به اوست و بر همین اساس بود که حضرت علی علیه السلام مردم را حول نامزدین خلافت به تفکر می خواندند تا انتخاب و بیعت ایشان آگاهانه باشد. (ن.ک: منصوری، ص. ۱۱۶) بنا بر این حق دینی و اصل تعلق حکومت به مردم که در آینده به آن پرداخته خواهد شد مردم مالک حق حکومت بر خود هستند و هر آن محق اند تا در برابر وکیل خود به انتقاد پرداخته یا با خواست عمومی این حق استیفا را از وکیلی ستانده و به وکیلی دیگر بسپارند.

۷-۳-۲. آزادی بیان در سیره امیرالمؤمنین علیه السلام

بررسی سیره امیرالمؤمنین علیه السلام همواره برای درک نمونه ای خارجی از آموزه های اسلام در مورد حکومت داری مورد استفاده قرار می گیرد. چرا که حکومت و اقدامات ایشان نه تنها همواره مبتنی بر عدالت و دستورات الهی بوده است، بلکه همواره با وقایع مختلف سیاسی و اجتماعی نیز مواجه بوده و بر همین اساس مصداق خوبی برای استنباط مسیر درست حکومت است. یکی از وقایع مهم رخ داده در عصر ایشان واقعه انحراف گروهی از مسلمانان به نام خوارج از مسیر ایشان و پرداختنشان به مخالفت با حضرت علی علیه السلام است. چگونگی مواجهه حضرت در مقابل انحرافات و اعتراضات ایشان معیار خوبی است برای تعیین چگونگی آزادی انتقاد در افکار اسلامی. خوارج در عین جسارت هایی که به امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان خلیفه مسلمین داشتند به راحتی و با آسودگی خاطر در میان شهروندان ممالک اسلامی رفت و آمد می کردند و جزئی از ایشان بودند. آنان نه تنها به حضرت امیر علیه السلام اقتدا نمی کردند که ایشان را علناً کافر و مشرک می خواندند و به توهین علیه ایشان می پرداختند. در مقابل امام بزرگوار در عین اینکه

صاحب قدرت بودند نه ایشان را به شلاق و امثال آن محکوم ساختند و نه آنان را از حقوق شهروندی ساقط نمودند. (مطهری، ص. ۳۴) حضرت امیر علیه السلام در مقابل رفتارهای زننده و موهن خوارج هیچگاه از مرز استدلال و اثبات خارج نشدند و هیچگاه در مقابل گفتار و وهن های ایشان دست به شمشیر نبردند؛ تا آن که این گروه با تصمیم خود دست به شمشیر برده و به محاربه علیه ایشان پرداختند. محمد ابوزهره فقیه و حقوق دان اهل مصر در تفسیر این شیوه برخورد امام علیه السلام چنین استنباط می کند که امام امت نمی تواند به سبب اختلاف محض بر سر عقاید بر کسی بشود مگر آنکه مخالفان دست به شمشیر ببرند. امیرالمؤمنین علیه السلام همچنین خطاب به خوارج چنین می فرمودند: «شما نزد ما سه چیز دارید: (۱) مانع نماز خواندن شما در مسجد نمی شویم. (۲) حقتان را از بیت المال قطع نمی کنیم تا وقتی که دستتان در دست ما باشد یعنی دست ب توطئه عملی علیه حکومت نزده اید. (۳) تا شما جنگ را آغاز نکنید ما نیز آغازگر جنگ با شما نیستیم.» (علی توتونچی، صص. ۷۳-۷۴) بر اساس شواهد مذکور و قرائن بسیار دیگر آن مقدار آزادی که خوارج در جایگاه مخالفین خلیفه در حکومت علیه السلام از آن برخوردار بودند در تمام تاریخ بی سابقه است. (همان)

۲-۳-۸. محدودیت های آزادی بیان در اسلام

از آنجا که اطلاق بی قید آزادی سبب هرج و مرج می گردد لازم است تا برای آزادی انتقاد نیز به عنوان یکی از اقسام آزادی قیودی در نظر گرفته شود. آن چه در جایگاه تحدید و در نقاط مختلف آموزه های اسلامی مشاهده می شود را می توان تحت عناوین زیر مورد اشاره قرار داد:

الف) ممنوعیت وهن مقدسات: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ»؛ «و آنهایی را که جز خدا می خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی [و] به نادانی خدا را دشنام خواهند داد» (انعام، ۱۰۸)

ب) ممنوعیت هتک حیثیت: «امام صادق علیه السلام: من روى على مؤمن رواية يريد بها شينه وهدم مروته ليسقط من اعين الناس اخرجه الله من ولايته الى ولاية الشيطان فلا يقبله الشيطان، هر کس بر ضرر مؤمن حکایتی نقل کند و مقصودش این باشد که او را چرکین کند و آبروی او را بریزد تا از چشم مردم بیافتد؛ خدا او را از بستگی خود براند و به بستگی با شیطان بکشاند و شیطان نیز او را نپذیرد.» (کافی، ص. ۳۳۴)

پ) ممنوعیت افشاء اسرار و شایعه پراکنی: حفظ اسرار از لوازم امانت داری و افشاء آن‌ها به مثابه خیانت در امانت است. «يا أيها الذين آمنوا لا تخونوا الله والرسول وتخونوا أماناتكم وأنتم تعلمون»؛ ای اهل ایمان! [با فاش کردن اسرار و جاسوسی برای دشمن] به خدا و پیامبر خیانت نکنید و به امانت‌های میان خود هم خیانت نورزید در حالی که می‌دانید [خیانت، عملی بسیار زشت است.]» (انفال، ۲۷)

ممنوعیت توطئه: هیچ مسلمان یا شهروندی در زیر لوای نشر و تبلیغ افکار نمی‌تواند اغراض فاسد سیاسی خود را تعقیب کند و هوای مخالفت و کینه‌توزی و براندازی را در سر داشته باشد. ماجرای مسجد ضرار از آن قرار بود که گروهی از منافقین با ساخت آن مسجد قصد توطئه‌چینی و براندازی حکومت اسلامی را داشتند: «والذين اتخذوا مسجداً ضراراً وكفراً وتفریقاً بين المؤمنين وإرصاداً لمن حارب الله ورسوله من قبل وليحلفن إن أردنا إلا الحسنى والله يشهد إنهم لكاذبون، و آنهایی که مسجدی اختیار کردند که مایه زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است و [نیز] کمینگاهی است برای کسی که قبلاً با خدا و پیامبر او به جنگ برخاسته بود و سخت سوگند یاد می‌کنند که جز نیکی قصدی نداشتیم. و [لی] خدا گواهی می‌دهد که آنان قطعاً دروغگو هستند.» (توبه، ۱۰۷)

علاوه بر این در فقه هر بیانی که همراه با غیبت، توهین، تمسخر و عیب‌جویی باشد مورد

اشکال و منع است. (کشاورز، ص. ۱۷)

۲-۴. مبانی حقوقی آزادی بیان نقادانه

۲-۴-۱. تعلق حکومت به مردم

جامعه مردم‌سالار به معنای جامعه‌ای است که حکومت مردم در آن به رسمیت شناخته شده است و مردم در آن برای ایجاد نظم و امنیت حق حکومت خود را به وکیل، امین و نائب خود سپرده‌اند. (منصورآبادی، ص. ۱۶۷) اما این حق وکالت و نیابت، از مردم سلب حق نمی‌کند و در نهایت مالک حقیقی حکومت همان مردم هستند. چنان که در اصل ۱۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز شاهدیم رئیس دولت باید از هرگونه خودکامگی مبرا بوده و حامی آزادی‌ها و حقوق ملت باشد و چنان که در اصل ۱۲۲ می‌خوانیم رئیس جمهور در برابر ملت مسئول و پاسخگو است. بنا بر مالکیت حق حکومت توسط مردم ایشان باید در جایگاه‌های مختلف از مسئولیت مطبوعات تا شهروندی معمولی بتوانند تخلفات را ابراز کرده و در صورت لزوم وکیل متخلف را از جایگاه خود عزل نمایند.

۲-۴-۲. مسئول‌شناسی و پاسخگویی (Responsiveness)

رضایت شهروندان و سلامت ساختار حاکم به تعامل سازنده میان حاکم و مردم وابسته است. یکی از راه‌های ارتباط و تعامل میان مسئول و مردم راه پاسخگویی در برابر مردم است که از اصول حکومت‌داری شایسته نیز به شمار می‌رود. (Diligent, 22 october 2022) این اصل مهم بر دو نوع است: (۱) فعلی و (۲) انفعالی. مسئول همواره باید در برابر تصمیماتی که می‌گیرد و اقداماتی که انجام می‌دهد گزارشگر باشد و مردم را در جریان قرار دهد (پاسخگویی فعلی). همچنین می‌بایست در صورت پرسش شهروندان در برابر سوالات ایشان پاسخگو باشد و رفع شبهه نماید (پاسخگویی انفعالی). (تبیان، ص. ۲۲) پاسخگویی انفعالی به سبب کارکردی که دارد به مراتب از پاسخگویی فعلی مهم‌تر است. چرا که به هنگام بروز یک شبهه و سوال ابهام بروز می‌یابد و در صورت ناکارآمدی شبهات به مشکلات و ناسازگاری‌ها می‌انجامد. آن

چه که در این میان آزادی انتقاد را مهم می‌نماید آن است که پاسخگویی انفعالی بدون پرسشگری آزاد و ایراد مباح نطق امکان‌پذیر نمی‌شود. پاسخ، همواره در برابر پرسش است که فرصت بروز می‌یابد و بدون پرسش و انتقاد از روندها و اعلام ابهامات معنا ندارد. پرسشگر باید بتواند سوالات خود را از دید انتقادی مطرح کرده و پاسخ آن را بدون دغدغه دریافت نماید.

۲-۴-۳. مبارزه با فساد اداری

یکی از موانعی که سبب کاهش تصمیمات خودسرانه و فساد کارکنان و مسئولین می‌شود شفاف‌سازی جریانات و روندهای پیش روی ادارات و کارکنان آنان است. همانطور که پیش از این آورده شد (شفافیت، ۳-۱-۲) شفاف‌سازی، بدون رعایت اصل اباحه بیان میسر نمی‌گردد. مسئولی که همواره از نظارت مردم بر کار خویش آگاه است، جرئت خطا را به خود نمی‌دهد و پا از مرز وظیفه فراتر نمی‌نهد. شفاف‌سازی یکی از اهرم‌های فشار بر مسئولین است تا حداکثر تلاش خود را برای انجام وظیفه نموده و از فساد اداری گریزان باشند. بر اساس مبانی حقوقی، سیاسی، اجتماعی-فرهنگی یاد شده مفهوم آزادی بیان در سطح حقوق بشری نیز رخ نموده است و در مواد و متون حقوق بشری قابل مشاهده است. در آینده اشاره‌ای چند به بروز اباحه بیان در منابع یاد شده می‌گردد:

۳. آزادی بیان در آینه حقوق بشری و بین‌المللی

آزادی انتقاد به عنوان یکی از حقوق اساسی هر ملت امروزه بیش از پیش جایگاه مهم خود را در مطالبات شهروندان و به تبع آن در اسناد حقوقی بین‌المللی یافته است. به عنوان مثال می‌توان از اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به عنوان اسنادی بین‌المللی که این حق را به رسمیت شناخته‌اند نام برد.

۳-۱. تجلی آزادی بیان در اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده هجدهم خود ابتدا به صراحت بیان می‌کند که هر شخص حق آزادی فکر، وجدان و مذهب دارد و این از جمله حقوق انسانی اشخاص است و پس از آن در سومین قسمت از این ماده برای هر انسان حق اظهار نظر و عقیده را در نظر می‌گیرد. (ارسطا، ص. ۱۵۴) همچنین در ماده نوزدهم چنین مقرر می‌دارد: «هر کس آزاد است هر عقیده‌ای را بپذیرد و آن را به زبان بیاورد و این حق شامل پذیرفتن هرگونه رای بدون مداخله اشخاص می‌باشد و می‌تواند به هر وسیله که بخواهد بدون هیچ قید و محدودیت به حدود جغرافیایی، اخبار و افکار را تحقیق نماید و دریافت کند و انتشار دهد.» این اعلامیه جهانی در بیست و نهمین ماده خود در مقام تحدید حق بیان نیز علاوه بر آن که رعایت اصول و اهداف ملل متحد را لازم می‌داند محدودیت‌هایی را مشروع می‌شمرد که برخاسته از لزوم شناسایی و تأمین آزادی‌ها و حقوق دیگران، رعایت عدالت، اخلاق و مصالح اجتماعی باشند.

۳-۲. تجلی آزادی بیان در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز که دولت ایران از جمله امضا کنندگان آن است در دومین بند از محتوای خود هر کس را برخوردار از حق آزادی بیان می‌داند و این حق را شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب فرد می‌شمرد. همچنین در سومین بند از این ماده در جایگاه تعیین حدود برای این آزادی ضرورت‌های ذیل را موجه تحدید می‌داند:

الف) احترام به حقوق و حیثیت دیگران

ب) حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت و اخلاق عمومی (United nations I.R.Iran, 16)

در همین راستا کمیته حقوق بشر در جایگاه تامین حق آزادی بیان شهروندان و بر مبنای تفسیر ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، رویکردی مسامحه‌آمیز به خود گرفته و این حق را در مواردی محدود تحدیدپذیر می‌داند. (موسوی میرکلانی و محمدزاده، ص. ۱۲)

۴. آزادی بیان منتقدانه در ایران

متن قانون اعم از قانون عالی، عادی و... در هر نظام حاکمیتی مبتنی بر قانون آینه‌ای تمام‌نما است از چگونگی و میزان مورد قبول حمایت آن نظام از حقوق ملت و رعایت حدود توسط دولت. از این رو برای بررسی وضعیت حمایت نظام حقوقی ایران از آزادی انتقاد می‌بایست به متون قانونی این کشور در ارتباط با این حق رجوع نمود. بنا بر این در این راستا ابتدائاً به قانون اساسی کشور ایران به عنوان قانونی عالی و سپس به قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران به عنوان قانونی عادی اشاره می‌شود:

۴-۱. آزادی بیان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی هر کشور به عنوان اصول پایه‌ای و اساسی حقوق آن جلوه‌گر و حامی حقوق اساسی یک ملت و همچنین معین اختیارات و حدود برای حاکمیت است. اصولاً تا حقی توسط قانون و علی‌الخصوص قانون اساسی یک کشور تأمین نشود تحقق آن بعید به نظر می‌آید. (فرج‌زاده طارانی، ص. ۱۰۸) در ایران اسلامی نیز پس از انقلاب حق آزادی بیان مورد تصریح برخی از اصول قانون اساسی قرار گرفت. بنا بر این رجوع به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران معیار خوبی است برای درک و فهم حدود مورد قبول آزادی انتقاد در نظام حقوقی این کشور. برخی اصول مرتبط با حق انتقاد در قانون اساسی را می‌توان چنین برشمرد:

بند ج از اصل دوم قانون اساسی با نفی هرگونه ستم‌گری و سلطه‌گری به طور ضمنی حکومت را از زیر پا گذاردن حقوق و آزادی‌های ملت بازداشته است.

بند شش از اصل سوم حکومت را موظف به محور هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی دانسته است و همچنین در بند هفتم، آن را موظف به تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی مورد قبول قانون دانسته است.

اصل نهم ق.۱ افراد را از وارد کردن خدشه به استقلالات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی به وسیله و بهانه اجرای آزادی بازداشته است و با این تعیین حد آزادی انتقاد را محدود نموده است.

اصل بیست و چهارم از قانون اساسی در دو بخش با مفاهیم مجزا از یکدیگر در مورد آزادی و محدودیت نشریات و مطبوعات دیدگاه قانون‌گذار در مورد آزادی بیان را بیان می‌کند. در نخستین بخش از خود به اباحه بیانات نشریات و مطبوعات می‌پردازد و در بخش دوم محدودیت‌های آزادی بیان را برمی‌شمرد: الف) اخلال در مبانی اسلام؛ که شامل اخلال در اصول اساسی دین (توحید، نبوت، امامت، معاد، عدالت) می‌باشد و نشریات می‌بایست با بیانات خود مقوم این اصول باشند و نه تضعیف کننده آن‌ها و ب) اخلال در مبانی حقوق عمومی؛ که شامل ایجاد خلل در قدرت عمومی، مصلحت عمومی، منافع عمومی، اخلاق حسنه و... است که اخلال در هر کدام از آنها ممکن است منجر به ایجاد بحران در جامعه شود. (غلامی مقدم، ص. ۵)

اصل بیست و پنجم، با ممنوع انگاشتن بازرسی، تجسس، سانسور، مخابره مکاتبات و مخابرات در ضمن محتوای خود بیانات افراد را تحت حمایت قانون قرار داده است و آن‌ها را از هرگونه تعرض مصون دانسته است.

اصل هشتاد و ششم از ق.۱ با آزاد برشمردن نمایندگان در تبیین و اظهار نظرات و منع تعقیب و توقیف ایشان به سبب نظراتی که در مجلس بیان نموده‌اند، ایشان را در راستای انتقاد مورد حمایت خود قرار داده است.

اصول یکصد و شصت و پنجم و یکصد و شصت و هشتم از قانون اساسی، با الزام دادگاه‌ها به برگزاری علنی محاکمات علی‌الخصوص محاکمات مربوط به دعاوی سیاسی و مطبوعاتی (شامل موضوعات تبلیغ علیه نظام سیاسی موجود تحریک و تشویق به سرنگونی نظام سیاسی حاکم، ایراد تهمت و افترا علیه مقامات سیاسی) (فرج‌زاده طارانی، ص. ۱۱۳) حمایت مهم خود را از بیانات افراد در جلسات دادگاه نشان داده است. دفاعیات افراد از اتهامات وارده و یا از شکایات مطروحه بیانات بسیار مهمی هستند که تأثیرات آن‌ها در تحرکات اجتماعی غیر قابل انکار است.

اصل صد و هفتاد و پنجم قانون اساسی، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران را موظف به تأمین آزادی بیان و نشر افکار می‌داند و در عین حال آن را به رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور محدود می‌داند.

۴-۲. آزادی بیان در قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران

از آنجا که ممکن است آزادی نقد از طرف طبقه‌ی حاکمه رعایت نشود و مورد تعرضات زیاده‌خواهانه حکومت قرار گیرد و همین‌طور ممکن است دستاویز سوء استفاده از حق قرار گیرد و بهانه‌ای برای ایجاد اختلال در منافع و مصالح عمومی گردد کشورها به تدوین قوانین عادی در راستای آن اقدام می‌نمایند تا حدود و ثغور مشخصی برای تعیین و تمییز حق از ناحق و مجاز از ممنوع وجود داشته باشد. (همان) در همین راستا، قانون مطبوعات ایران، به عنوان قانونی از جمله قوانین عادی جلوه‌گر جزئیات و حدود معین آزادی بیان در ایران است و بررسی مواد و مفاد آن به فهم هرچه بیشتر چگونگی به رسمیت شناختن این حق در ایران یاری می‌رساند.

فصل دوم، سوم و چهارم قانون مطبوعات، با پرداختن به رسالت، حقوق و حدود مطبوعات تصویر نسبتاً واضحی را از حدود مورد قبول آزادی انتقاد در ایران به دست می‌دهند.

آزادی انتقادات سیاسی؛ بایدها و نبایدهای آن ◇ ۶۱

مواد ۳ تا ۵ قانون مذکور در حمایت از حق مذکور، مطبوعات را در اطلاع رسانی انتقادات سازنده و پیشنهادات آزاد دانسته‌اند و هرگونه ایراد فشار به مطبوعات از طرف مقامات برای نشر مطالب و یا سانسور آن را منع نموده و کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی را با رعایت موازین این قانون آزاد و از حقوق مطبوعات دانسته‌اند.

همچنین مواد ۶ و ۷ این قانون در جایگاه تحدید مطبوعات برآمده‌اند. ماده ۶ این قانون نشریات را جز در موارد اخلاف در مبانی و احكام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی آزاد دانسته است. همچنین بندهای این ماده نشر مطالب الحادی، مطالب لطمه‌زننده به اساس جمهوری اسلامی، اشاعه فحشاء و مطالب منافی عفت عمومی، تبلیغ اسراف، تفرقه‌افکنی، استفاده ابزاری از جنسیت‌ها، تحریک افراد به ارتکاب عمل علیه امنیت، فاش نمودن اسناد و مطالب محرمانه و حساس، اهانت به مقدسات و مراجع، افترا و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی، سرقت‌های ادبی و نقل قول از مطبوعات منحرف و مخالف اسلام، پخش شایعات و انتشار مطالب علیه قانون اساسی را ممنوع انگاشته‌اند.

۳-۴. آزادی بیان نقادانه در ایران، کاستی‌ها و زوائد

هرچند آزادی بیان به صراحت مورد اشاره قانون اساسی، قانون مطبوعات و... قرار گرفته است و به عنوان یکی از حقوق ملت به آن توجه نسبتاً شایانی صورت گرفته است، هنوز هم کاستی‌ها و زوائد بسیاری در این حوزه به چشم می‌خورد که این حق مهم را در معرض خطر و تعرض قرار داده‌اند. بررسی برخی مباحث مربوطه نشان‌گر هرچه بهتر این موضوع می‌باشد:

۱-۳-۴. آزادی بیان و مسأله فیلترینگ:

هنگامی که از آزادی نقد صحبت می‌شود نه تنها اباحه بیان انتقادات مختلف موضوع بحث است بلکه اباحه طرق مختلف انتقاد نیز اهمیت دارد. به عبارت دیگر فرم‌های گوناگون محتواهای گوناگون نیز باید مورد حمایت آزادی بیان قرار گیرند و انواع هنرها، نقاشی‌ها، کتب،

فیلم‌ها، مصاحبات، مقالات، سخنرانی‌ها و... به عنوان طرق مختلف انتقاد به رسمیت شناخته شوند. (See: Jaywickrama, p665) یکی از طرق اظهار نظر که امروزه در میان جوامع جلوه‌گر شده است، انتشار مطالب از طریق شبکه جهانی وب است که امکان دسترسی و انتشار اطلاعات را بیش از پیش میسر ساخته است. چنان که در مورد لزوم اباحه طرق مختلف اظهار نظر آورده شد، شبکه جهانی وب نیز از این قاعده مستثنی نیست و لازم است تا حد لزوم از مسدودیت به دور باشد. اما دولت‌ها متناسب با فرهنگ و بینش خود به تحدید این شیوه ارتباطی دست می‌زنند و به عنوان مثال محتوای مروج خشونت، نژادپرستی و افشاگر اطلاعات خصوصی و محتوای مستهجن را فیلتر می‌کنند. در کشور ایران نیز چنین است و بر اساس تحقیقات گروه تحقیقاتی Open net، ۳۰٪ سایت‌های مورد آزمایش این گروه دچار مسدودیت و یا همان فیلترینگ بوده‌اند. (تبیانین، ص. ۹۵) در مقام قضاوت این پدیده می‌توان گفت هرچند فیلترینگ برای مقابله با مطالب نابهنجار، همچون محتوای مستهجن، خشونت‌آمیز، تفرقه‌افکن و نژادپرستانه ابزار مناسب و مفیدی به نظر می‌رسد اما اجرای آن می‌بایست تحت نظارت قانونی دقیق و شفاف صورت گیرد تا از توسعه نامشروع آن جلوگیری شود و حقوق مربوط به آزادی انتقاد زیر پا گذارده نشوند. حال آن که موضع کنونی کشور ما در مواجهه با موضوعات سیاسی و اجتماعی از این شفافیت و دقت برخوردار نبوده و همین فقدان شفافیت و دقت سبب شکل‌گیری تفاسیر شخصی و سلیقه‌ای در این راستا گردیده است. بنا بر این لازم است حقوق‌دانان در جهت اصلاح و تدقیق هرچه بهتر این رویه برآمده و حدود مشروع استفاده از ابزار انسداد را هرچه بیشتر شفاف نمایند. (همان)

۴-۳-۲. آزادی بیان و قانون مطبوعات:

موادی چند از قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران، با طرح مباحثی مبهم و یا قواعدی نسبتاً سخت، به سمت باز گذاردن دست حکومت در مقابله با انتقادات گام برداشته‌اند. از آن جمله است:

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۴ به آزاد گذاشتن دست مطبوعات جز در موارد اخلاف در مبانی اسلام و حقوق عمومی پرداخته است اما قانون‌گذار با از پیش تعیین کردن اهداف و رسالت مطبوعات در ماده ۲ و تعیین وظیفه و خط مشی برای آن‌ها بر خلاف رویه‌ی قانون اساسی مبنی بر آزاد دانستن مطبوعات عمل کرده است.

استفاده از عبارت (احکام اسلام) در ماده ۶ به معنای دستورات جزئی فقهی که در امورات روزمره به کار می‌رود و در مورد آن اختلافات بسیاری میان فقها وجود دارد، مازاد بر عبارت (مبانی اسلام) که مورد تصریح قانون اساسی قرار گرفته است، موجب تحدید هرچه بیشتر مطبوعات در بیانات می‌گردد. (همان، ص. ۸۵) حال آن که ذکر محدودیت در مورد مبانی اسلام کافی به نظر می‌آید.

اطلاق قید «حقوق خصوصی» در ماده ۶ از قانون مطبوعات باعث شده است گاه هرگونه اظهار نظر در مورد اشخاص ممنوع انگاشته شود و برای آن تعیین مجازات صورت گیرد. (همان) این در حالی است که هیچ شخصی از خطا مصون و از تذکر و انتقاد بی‌نیاز نیست.

قانون مطبوعات با الزام مطبوعات به قرار گرفتن در مسیر نظام جمهوری اسلامی در بند یک از ماده ۶ راه هرگونه انتقاد از حاکمیت حاضر را سلب نموده است. سلب آزادی انتقاد شامل انتقادات منطقی و صحیح اقدامی ناشایست از سوی مقنن برای استحکام بخشی هرچه بیشتر به اساس حاکمیت است. هرچند اینگونه اقدام از اقدامات رایج میان حکام است اما مشاهده آن در میان رویه‌های یک حکومت اسلامی که سعی بر ابتناء بر منطق و بینش صحیح دارد چندان شایسته به نظر نمی‌آید. مسیر درست برای مقابله با افکار مخالف شنیدن و پاسخگویی صحیح

به آن‌ها است و نه بستن راه هرگونه اظهار نظر مخالف. بهتر می‌نماید قانون‌گذار با تشریح و توضیح بیشتر درباره این موضوع راه انتقادات سازنده را از انتقادات مخرب جدا سازد و در مقابل این دو رویه‌هایی متفاوت در پیش گیرد.

قانون مطبوعات در بند دوازدهم از ماده ۶ با اطلاق ممنوعیت انتشار مطلب علیه اصول قانون اساسی به منع طیف وسیعی از انتقادات اقدام کرده است. حال آن که لازم می‌نماید قانون‌گذار با توضیح و تفسیر هرچه بیشتر در مورد این موضوع تنها آن دسته از مطالب را ممنوع بشمارد که قصد تخریب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را دارند و بدین طریق راه ایراد انتقادات سازنده از قانون اساسی را سد ننماید.

۴-۳-۳. آزادی بیان و ضمانت اجرا:

آزادی بیان از جمله حقوق مقرر در قانون اساسی است که ضمانت رعایت آن همچون دیگر حقوق اساسی که مورد تضمین ماده قانونی خاصی قرار نگرفته‌اند توسط ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی تضمین گردیده است. ماده قانونی مذکور، درصدد حمایت از حقوق مقرر در قانون اساسی در برابر مقامات و مأمورین حکومتی برآمده و در مورد ضمانت حقوق اساسی مقرر به طور یکجا و کلی تصمیم‌گیری کرده است. قانون‌گذار در حالی به تعیین مجازات کلی برای تجاوز به حقوق اساسی مردم از جمله حق آزادی انتقاد دست زده است، که سخت‌گیرانه موضوع رعایت حدود بیان توسط ملت را دنباله‌گیری کرده است و برای آن محدودیت‌هایی وسیع در نظر گرفته است. گویا که در این زمینه تحدید آزادی بیان که می‌بایست امری استثنائی می‌بود، بر اصل اباحه که می‌بایست قاعده کلی باشد، غلبه یافته است. از دیگر سو، ضمانتی که ماده ۵۷۰ ق.م.ا برای حمایت از آزادی بیان مطروح داشته است تنها شامل مأمورین و مقامات حکومتی خواهد بود و ضمانتی در برابر افراد غیر حکومتی که مانع اجرای این حق می‌شوند ندارد. این بدان معناست که به هنگام بروز چنین اختلافی نهایتاً می‌توان حکم توهین، ضرب و

جرح یا... متجاوز را در قانون یافت و اعمال کرد و این که وی متعرض یکی از حقوق اساسی دیگران شده است برای وی مجازاتی را رقم نخواهد زد. این کاستی‌ها در حالی رقم خورده‌اند که قانون کیفری هر نظام حقوقی نمایانگر میزان اهمیتی است که آن نظام نسبت به امور مختلف دارد و سهل‌انگاری این قانون نسبت به حوزه عمومی حقوق، به تضعیف جایگاه مردم در نظام حقوقی و اقتدارگرایی هرچه بیشتر دولت در حاکمیت خود منتهی می‌گردد. (کشاورز، صص. ۲۰ و ۲۳) در این مورد نیز لازم به نظر می‌رسد که قانون‌گذار به تقنین با تدقیق و جزئیات هرچه بیشتر در زمینه آزادی بیان پردازد و حق مذکور را تماما در برابر تجاوزات مورد حمایت قرار دهد.

۴-۳-۴. آزادی بیان و حمایت قضایی:

پس از تصریح در قانون اساسی و قوانین عادی یکی از مهم‌ترین راهکارهای حمایت حکومت از آزادی انتقاد، تأسیس دادگاهی با قضات مجرب، عادل، آزاداندیش و مستقل از هر جریان و حزب است تا دادگاه مورد نظر در صورت بروز اختلافات به موارد ورود کرده و از حقوق ملت و آزادی‌های ایشان از جمله آزادی انتقاد حمایت نماید. هرچند حمایت از حقوق و آزادی‌های مذکور در قانون اساسی اصولاً بر عهده شورای نگهبان است اما این حمایت و صیانت همواره در راستای تفسیر قوانین بوده است و تاکنون ورودی به عرصه عمل و اجرا از سمت شورای نگهبان دیده نشده است. همچنان که در میان دادگاه‌های بین‌المللی دادگاه اروپایی حقوق بشر در عین اینکه محدودیت‌هایی را برای آزادی بیان لازم می‌داند اجازه تفسیر موسع دول اروپایی از محدودیت‌ها را به ایشان نمی‌دهد و در بسیاری از شکایات مطروحه دولت‌ها را در این زمینه محکوم کرده است. (استواری، ص. ۱) لازم به ذکر است تأسیس دادگاه مذکور در دوره چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی در آن شورا مورد طرح و بررسی قرار گرفت و در نهایت به رد پیشنهاد منتهی شد. (کشاورز، ص. ۲۲)

۵. بررسی یک رأی قضایی در حوزه آزادی انتقاد

هرچند بررسی قانون مطبوعات نشان می‌دهد که مسأله آزادی انتقاد می‌تواند در معرض خطر قرار گیرد، در رأی قضایی که در ذیل ذکر می‌شود، دادرس به خوبی حمایت خود از حق بیان را نشان می‌دهد و دقت در این رأی ما را در فهم هرچه بهتر مبانی این حق یاری می‌رساند.

در تاریخ ۱۴۰۱/۶/۱۴ حکمی در شعبه ۱۱۷ دادگاه کیفری دو شهرستان اهواز در مورد پرونده‌ای با موضوع انتقاد سیاسی تنظیم می‌شود. آنچه متهم به واسطه آن در طرفیت این پرونده قرار گرفته است، اشتراک تصویری در یک گروه مجازی است که در آن تصاویر مقام معظم رهبری، رئیس جمهور سابق، معاون اول رئیس جمهوری و وزیر دفاع دولت وقت قرار دارند و در بالای عکس نوشته شده است: «تو این همه بدبختی و اعتراض به حق مردم خوزستان، رهبر داشت از یمن و آمریکایی‌ها می‌گفت و شبکه‌های خبری ایران زیرنویس گیرنده‌ها می‌کردند. رهبر اگر بیل بزنه به باغچه‌ی خودش!» و همچنین روی عکس نوشته شده: «خوزستان آب ندارد، ما هم وجدان نداریم!» اتهامات وارده به متهم پرونده، مواردی است از قبیل نشر اکاذیب رایانه‌ای، اهانت به مقام رهبری و فعالیت تبلیغی علیه نظام انقلاب اسلامی.

دادرس پرونده اما عالمانه با اشاره به مبانی حقوقی آزادی بیان، متهم را از تبرئه، و آزادی بیان را از معرض خطر دور می‌سازد: «دادگاه با تدقیق در جامع اوراق و محتویات پرونده و با در نظر داشتن گردش کار ذکر شده به بررسی اتهام انتسابی و مبانی صدور حکم بر اساس موازین حقوق اساسی و آموزه‌های حقوق بشری می‌پردازد: نخست این که شیوه‌ی حکومت در اسلام مبتنی بر نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی است و قانون اساسی تضمین‌گر این مهم و سپردن سرنوشت به دست مردم است. اهداف مورد نظر چنین حکومتی جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد (مقدمه‌ی قانون اساسی بخش شیوه حکومت در اسلام). دوم، مردم از طریق وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌های مجازی از قبیل رادیو تلویزیون و (WhatsApp) و از برخورد اندیشه‌های متفاوت (تضارب آراء)

در جهت روند تکامل امور جامعه و نظارت مستمر بر مسئولین مشارکت فعال خواهند جست (مقدمه قانون اساسی بخش وسایل ارتباط جمعی). سوم این که وفق اصل ۳ قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران موظف گردیده است که در بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه‌ی زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر، تامین آزادی‌های سیاسی اجتماعی در حدود قانون، مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت، همه‌ی امکانات خود را به کار ببرد (بند ۹، ۸، ۷، ۲ و ۱۲ از اصل ۳). چهارم، یکی از جنبه‌های نظارتی مردم بر صلاحیت‌ها و اختیارات مسئولین نظام، همانا امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به دولت و کارگزاران آن می‌باشد که به عنوان یک وظیفه‌ی همگانی در اصل ۸ قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است. پنجم، اصل اساسی و مترقی ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به زیبایی تفتیش عقاید که نمودی از آزادی بیان و آزادی پس از بیان می‌باشد را ممنوع دانسته و مقرر نموده که هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد و از این طریق نمی‌توان با طرح شکایت نشر اکاذیب رایانه‌ای به قصد تشویش اذهان عمومی، آزادی بیان و آزادی پس از بیان عامه مردم، که هدفی جز احقاق حق و اعتراض و انتقاد به رویه‌های جاری نداشته است را سلب نمود؛ چرا که وفق فراز پایانی اصل ۹ از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «... هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع (و به تعبیر شادروان دکتر ابوالفضل قاضی شریعت پناهی آزادی‌های حقانی) را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب نماید». چرا که حق بر آزادی بیان اندیشه و عقیده جزء آزادی‌های مشروع (حقانی) و بنیادین شهروندان محسوب می‌گردد. ششم، در اصل ۱۷۵ قانون اساسی نیز چنین مقرر گردیده در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تامین گردد. هفتم،

علاوه بر اسناد حقوقی ملی در پاسداشت حق‌های بنیادین شهروندان، اسناد بین‌المللی مختلفی نیز با تأکید بر آزادی اندیشه، عقیده و بیان و حق اعتراض و انتقاد مبتنی بر آن نیز در سطح جهانی به تصویب رسیده است. از جمله مواد ۱۸ و ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸: «ماده ۱۸: هر کس حق دارد از آزادی فکر وجدان و مذهب بهره‌مند شود... هرکس می‌تواند از این حقوق منفردا و مجتمعا به طور خصوصی و عمومی برخوردار باشد. ماده ۱۹: هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.» و مواد ۱۸ و ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶: «ماده ۱۸: هرکس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب دارد... هیچ کس نباید مورد اکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خودش لطمه وارد آورد. ماده ۱۹: هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل، بدون توجه به سرحدات، خواه شفاهی یا به صورت نوشته و چاپ یا به صورت هنری یا به وسیله دیگر، به انتخاب خود می‌باشد.» بند ۱ ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۲۳ نوامبر ۱۹۸۹ نیز اعلام می‌دارد: «کودک دارای حق آزادی ابراز عقیده می‌باشد. این حق شامل آزادی جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و عقاید از هر نوع بدون توجه به مرزها کتبی، شفاهی یا چاپ شده، به شکل آثار هنری یا از راه هر رسانه دیگری به انتخاب کودک می‌باشد.» ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۱۱ منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا و همچنین دادگاه اروپایی حقوق بشر چندین بار در آرای خود بر آزادی بیان تأکید نموده و آن را از پایه‌های مهم جامعه‌ی مردم‌سالار برشمرده است. با این وصف رفتار مرتکب... در راستای حق بر آزادی اندیشه، عقیده و تفکر متهم تعریف می‌گردد... و دیگر این که متهم خبر کذبی را منتشر نموده است بلکه اندیشه و عقیده خود را بیان داشته است. لذا نمی‌توان رفتار وی را نمودی از نشر اکاذیب

آزادی انتقادات سیاسی؛ باید‌ها و نبایدهای آن ◇ ۶۹

دانست... لذا دادگاه مستند به موازین حقوق داخلی (اصل ۱۷۵، ۳۸، ۲۳، ۲۲ از قانون اساسی) و حقوق بشر بین‌المللی (مواد ۱۸ و ۱۹ میثاقین حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ که ایران در تاریخ ۱۷ اردیبهشت سال ۱۳۵۴ بدون حق شرط بدان پیوسته و به تصویب رسانده است) که دسته‌آخر وفق ماده‌ی ۹ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی در زمره حقوق داخلی و در حکم قانون می‌باشند و در راستای اعمال و حاکمیت اصل کلی و عملی برائت موضوع اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تفسیر مضیق قوانین کیفری و همچنین مستند به مفهوم ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ و ماده ۴ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ با اصلاحات بعدی حکم به برائت نامبرده صادر و اعلام می‌گردد.

این رأی عالمانه قضایی به خوبی مبانی حقوقی داخلی و بین‌المللی آزادی انتقاد را برمی‌شمرد و با استناد به آن‌ها، به زیبایی از حق انتقاد به عنوان یکی از حقوق شهروندی دفاع می‌کند.

نتیجه‌گیری

با گذر تدریجی نظام‌های حاکمیتی از سلطنت مطلق و اهمیتی که مردم‌سالاری در میان جوامع یافته است آزادی انتقاد به عنوان مظهر ویژه دموکراسی و مشارکت مردمی امروزه جایگاه ویژه‌ای در میان موضوعات سیاسی، حقوقی، اجتماعی - فرهنگی و... پیدا کرده است. پیش از این‌ها آزادی بیان در آموزه‌های دین اسلام به عنوان عامل مهمی برای مشارکت فعال مردم در صحنه اجتماع، سیاست، رفع کاستی‌ها، نواقص و همچنین اصلاح خطایای مسئولین از جایگاه ویژه‌ای تحت عنوان اصل مشورت امر به معروف و نهی از منکر و... برخوردار بود. بنا به اهمیت ویژه‌ای که آزادی بیان منتقدانه در میان مطالبات مردم و همچنین ضرورت‌های سیاسی و حقوقی یافته است، غالب حکومت‌ها امروزه این مفهوم را در نظام حقوقی خود به رسمیت شناخته‌اند و

دست کم حاکمیت و رعایت آن را در زمره ادعاهای خود دارند و تأکید بر آن در اسناد حقوق بشری و بین‌المللی نیز مشاهده می‌شود. نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای مذکور، و همچنین به عنوان نظامی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی حق آزادی بیان را در نظام قانونی و حقوقی خود به رسمیت شناخته و آن را به عنوان یکی از حقوق اساسی شهروندان در قانون اساسی ذکر کرده است. همچنین در جهت ترسیم هرچه بیشتر حق آزادی بیان و حد آن به تدوین برخی قوانین عادی و جزئی‌تر در این زمینه اقدام کرده است که قانون مطبوعات یکی از مظاهر آن است. از بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین مطبوعات، به عنوان یکی از مهم‌ترین زمینه‌های بروز اظهار نظرات، چنین استنباط می‌شود که هرچند قانون‌گذار با حمایت رسمی از حق آزادی بیان گام مهمی در رعایت یکی از حقوق اساسی مردم برداشته است اما همچنان کاستی‌های موجود نشان از آن دارد که راه بسیاری برای اجرا و رعایت کامل این حق در پیش رو است و قانون‌گذار می‌بایست با پرداختن هرچه بیشتر توجه خود به این مهم اساسی، سعی در اجرای هرچه بهتر دستورات اسلامی و دستاوردهای عقلانی داشته باشد. بررسی توجهات نظام قانونی ایران به آزادی انتقاد، جای تفسیر و تشریح و توضیح هرچه بیشتر حقوق و حدود ملت در زمینه آزادی بیان را خالی می‌نماید. لازم است قانون‌گذار با تصویب قوانینی بیشتر، به توضیح هرچه بهتر مفاهیم این قوانین بپردازد تا حمایت از حق مذکور هرچه بهتر و دقیق‌تر صورت گیرد و جایی برای اعمال سلائق و تفاسیر شخصی وجود نداشته باشد. همچنین لازم به نظر می‌آید نظام حقوقی ایران، به عنوان پرچم‌دار رعایت دستورات اسلامی، هرچه بیشتر از دیگر نظامات از وسواس‌های مصلحت‌اندیشانه که سبب اختلال در اعمال حقوق مردم می‌شوند به دور باشد و مانع از آن شود که تلاش‌های معاندانه برخی، سبب پایمالی حقی اساسی از تمام مردم شود.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال
۴. اصول کافی
۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۲. قانون مطبوعات
۳. قانون مجازات اسلامی

الف) فارسی

۱. سبحانی، جعفر (۱۳۸۱)، «آزادی مطلق یا محدود»، در «مجله کلام اسلامی»، ش ۴۳، ص ۱۳-۴
۲. عمید، حسن، (۱۳۸۹)، «فرهنگ فارسی عمید»، چاپ سی و هشتم، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر
۳. شریفی، احمدحسین، (۱۳۸۵)، «آیین زندگی»، چاپ بیست و سوم، قم: انتشارات معارف
- ۴- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (۱۳۸۱)، «درآمدی بر حقوق اسلامی»، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت
۵. قاضی، ابوالفضل (۱۳۹۹)، «بایسته‌های حقوق اساسی»، چاپ شصت و یکم، تهران: انتشارات میزان
۶. جونز، پیتر، ترجمه: فولادوند، عزت‌الله (۱۳۸۹)، «چرا آزادی بیان مهم است؟»، در «مجله دادنامه»، ش ۶، ص ۷-۵

۷. منصوری، زهره (۱۳۹۹)، «آزادی بیان در حوزه سیاسی در قرآن و نهج البلاغه»، در «مجله پژوهشنامه نوین فقهی حقوقی زنان و خانواده»، ش ۱۳، ص ۱۰۵-۱۱۳
۸. مطهری، مرتضی (۱۳۵۸)، «سیری در سیره ائمه اطهار»، قم: انتشارات صدرا
۹. کشاورز، مونس (۱۴۰۱)، «حمایت از آزادی بیان در فقه و حقوق کیفری ایران»، در «مجله فقه جزای تطبیقی»، ش ۶، ص ۱۴-۲۵
۱۰. منصورآبادی، عباس (۱۴۰۰)، «کلیات حقوق جزا»، چاپ هفتم، تهران: انتشارات میزان
۱۱. ارسطا، محمدجواد (۱۴۰۰)، «نظام حقوق بشر اسلامی، ج ۳»، چاپ اول، قم: انتشارات مکتب اندیشه
۱۲. موسوی میرکلانی، سید طه و محمدزاده، ساوالان (۱۴۰۱)، «آزادی بیان در رویه کمیته حقوق بشر ملل متحد و رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر»، در «فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران»، ش -، ص ۱-۲۰
۱۳. فرج‌زاده طارانی، مژگان (۱۴۰۰)، «بررسی جایگاه حق آزادی بیان در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با نگاهی به اصل مصلحت عمومی»، در «مجله مطالعات حقوق»، ش ۲۲، ص ۱۰۵-۱۳۶
۱۴. غلامی مقدم، زهرا (۱۳۸۶)، «بررسی آزادی بیان در قوانین ایران با تاکید بر آزادی مطبوعات»، در «روزنامه اعتماد»، ش ۱۵۱۲، ص ۵

ب) عربی

۱. الزحیلی، محمد (۱۴۱۸)، «حقوق الإنسان فی الإسلام»، بیروت: دار ابن کثیر

ج) انگلیسی

1- jaywickrama, nihal, the judical application of human right
law universiti-oxford press.

پایان نامه‌ها

الف) فارسی

۱. تیبانین، کوثر (۱۳۹۲)، «سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال آزادی بیان و مطالعه تطبیقی آن درآموزه‌های دینی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشکده حقوق دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران
 ۲. علی توتونچی، فائزه (۱۳۹۴)، «آزادی بیان در نهج البلاغه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
 ۳. استواری، ملیحه (۱۳۹۴)، «مفهوم و جایگاه حق آزادی بیان از منظر آرای دیوان اروپایی حقوق بشر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز
- سخنرانی‌ها

1- Amaryllis, Verhoeven, The right to information: A Fundamental
Lecture at EIPA (Maastricht, May29,2000) Right?

چهار؛ سایت‌ها

الف) انگلیسی

- 1- <https://www.diligent.com/insights/corporate-governance/what-constitutes-good-governance/> view: 2 April 2023
- 2- <https://iran.un.org/en/106018-international-covenant-civil-and-political-rights> view: 5 april 2023

نگرشی بر تأثیر نرم افزارهای اجتماعی در فضای مجازی بر ارتکاب جرم و تشدید آن



دکتر سید محمد رضا موسوی فرد^۱؛ محسن حسن آبادی^۲

چکیده

پژوهش حاضر از این نظر که به طور اختصاصی بر ارکان کلیدی فضای مجازی و تأثیر آن در ارتکاب جرم و تشدید آن تأکید دارد حائز اهمیت است. لذا هدف این تحقیق رسیدن به جواب این سؤال است که مبحث جرم و تشدید آن در نرم افزارهای اجتماعی تا چه اندازه انعکاس دارد؟ این پژوهش که به روش کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی می‌باشد که با مبنا قرار دادن چند نرم افزار پرکاربرد از قبیل «اینستاگرام»، «توییتر»، «فیس بوک»، «تلگرام» و «واتساپ»، که هر کدام بحر ناتمام داده‌های درست یا غلط بوده سبک و سیاق مربوط به خود را دارند بررسی و تحلیل شده‌اند. نرم افزارهای فوق‌الذکر که با هدفی از پیش تعیین شده برای ایجاد بستر سازمان یافته از راه دور هدایت می‌شوند با بر هم زدن تعادل فکری، روحی مخاطبین و دادن خط فکری به آنان منجر به ایجاد تنش، تحریک به انحرافات، اغتشاشات اقتصادی و سیاسی شده بدین سان نظم و امنیت حاکم بر جامعه را بر هم می‌زنند در این صورت مراجع و ارگان‌های ذی‌ربط ناگزیر به ورود در این زمینه می‌شوند.

واژگان کلیدی: نرم افزارهای اجتماعی، فضای مجازی، ارتکاب جرم.

۱. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان mousavifard136394@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان

مقدمه و بیان مسأله

در عصر جدید با ورود تکنولوژی‌های مجازی، انسان یاد گرفت که بدون تعامل فیزیکی در اجتماع هم می‌تواند حضور داشته و حتی پررنگ‌تر از همیشه در حیطه‌های علمی (ارسال فایل تنها با چند کلیک بدون صرف وقت و انرژی) و یا ارسال تصاویر و فیلم (با ارسال متن و عکس از کارهای روزمره عزیزانش را در جریان زندگی خود باخبر کند) و حتی بخشهای نظارتی یا سیاسی تنها با یک تگ کردن یا شرکت در نظرسنجی یا مشاهده عملکرد عوامل زیر مجموعه فراتر از نقش‌های گذشته و سنتی، به ایفای نقش‌های جدید بپردازد. که البته گاهی بعضی از این نقش‌ها فراتر از یک نقش شخصی و خصوصی بوده و فرد پا در وادی خطرناک و گسترده‌عالم ناشناخته‌های دنیای مجازی می‌نهد که ممکن است عامدانه یا ناآگاه از حد و مرزها و استانداردهای تعریف شده در جامعه خروج کرده، و مرتکب یک هرج و مرج به عنوان یک ناهنجاری اجتماعی/سیاسی یا اقتصادی یا حتی فعل قبیح (در متون دینی) شود که در قانون مجازات کنونی ما، بدان جرم یا بزه گفته میشود که مستوجب مجازات یا کیفر خواهد بود.

با روی کار آمدن تکنولوژی‌های نوین ارتباطی همچون رسانه و تمام زیرشاخه‌های آن از جمله نرم‌افزارها تعاریف جرم دستخوش تغییر و تحول گشت. از این جهت که رسانه‌ها در تولید جرم و «فضای منبعث از آن و هم در پیشگیری از جرم نقش می‌آفرینند به گونه‌ای که نقش و کارکرد آن مورد توجه همگان قرار گرفته است. زیرا دانش عمومی از جرم، جنایت و عدالت تا حد زیادی از رسانه‌ها به دست می‌آید. با رواج دیدگاه رسانه‌سالاری که از قدرت بالای رسانه‌ها در القا و تأثیرگذاری بر روی مخاطبان به عمل می‌آورد و برای مخاطبان در قبال پیام‌های رسانه‌های عمومی نقش انفعالی و تأثیرپذیر قائل هستند» (بیابانی، ۱۳۹۲: ۳۳). مرادی و قدسی هم در تعریف دیگری از فضای مجازی معتقدند که «محیط الکترونیکی واقعی که ارتباطات انسانی به شیوه‌ای سریع، فراتر از مرزهای جغرافیایی و یا ابزار خاص خود، در آن زنده

نگرشی بر تأثیر نرم‌افزارهای اجتماعی در فضای مجازی بر ارتکاب جرم و تشدید آن ◇ ۷۷

و مستقیم روی می‌دهد. فضای مجازی را می‌توان برای توصیف تمام انواع منابع اطلاعاتی موجود شده از طریق شبکه‌های رایانه‌ای به کار برد، در حقیقت فضای مجازی نوع متفاوتی از واقعیت مجازی و دیجیتالی است که توسط شبکه‌های رایانه‌ای هم پیوند تامین می‌شود که با اندکی مسامحه می‌توان آن را مترادف با شبکه جهانی اینترنت دانست» (مرادی و قدسی، ۱۳۹۹: ۲). از طرفی بزرگترین رسالت دین که در فرامین اسلامی از آن یاد شده و در تار و پود پیام‌های آسمانی ساری و جاری است رهایی انسان از جهل و فساد و گمراهی است؛ لذا بزرگان دین همواره در تلاش و تکاپو بودند تا پیش از وقوع جرمی پیشگیری به عمل آورند و راه گناه و خطا را بر انسان ببندند. البته سه شرط مهم برای محرز شدن جرم وجود دارد: «اول، تجاوز به قانون جزا که آن را عنصر قانونی گویند. دوم، عمل یا کردار مادی که آن را عنصر مادی جرم گویند. سوم، قصد ارتکاب جرم که عنصر اخلاقی جرم نامیده می‌شود. منظور از عنصر قانونی این است که هیچ عملی را نمی‌توان جرم دانست مگر آنچه قانون قبلاً تصریح کرده باشد و همان مضمون مثل معروف «هیچ جرمی بدون قانون وجود پیدا نمی‌کند» می‌باشد. مقصود از عنصر مادی جرم آن است که تنها قصد انجام دادن عملی هر چند غیرقانونی باشد جرم نیست و برای اینکه جرم وجود خارجی پیدا کند پیدایش یک عمل خارجی مادی لازم دارد. عنصر اخلاقی جرم داعی، اراده و قصد داشتن در ارتکاب عمل ممنوع است به عبارت دیگر لازم است که با سبق تصمیم، اراده و سوء نیت عمل ممنوع را انجام داده باشد، تا جرم شناخته شود» (علی‌آبادی، ۱۳۷۳: ۴۲-۶۱).

در قرآن کریم واژه جرم و مشتقات آن ۶۶ بار در ۳۶ سوره و ۶۵ آیه ذکر شده است. دامغانی شش معنا برای استعمال مشتقات جرم در قرآن بر شمرده است که در زیر به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

- ﴿إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ﴾ (زخرف: ۷۴)

- ﴿فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ﴾ (اعراف: ۸۳-۸۴)

- «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا...» (مائده: ۲)
- «لَا جْرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ» (هود: ۲۲)
- «إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ» (قمر: ۴۷)

البته هر کدام از آیات بالا شان نزول خاص خود را دارند که در اینجا جهت پرهیز از اطناب سخن به آنها پرداخت نمی‌شود.

۱. اسباب زوال عنصر قانونی جرم

در قانون جزا پنج عامل به عنوان زائل کننده عنوان مجرمانه‌ی یک فعل شناخته شده است، که به شرح ذیل است:

۱-۱- اضطرار:

زمانیست که فرد مرتکب فعل ناهنجار به ناچار مرتکب آن شده است. در حقوق جزای وضع اضطراری آنچنان وضعی است که انسان برای حفظ جان یا مال یا حق خود یا دیگری ناچار از ارتکاب جرم شود. مثلاً پدری فرزندش بیمار است و می‌بایست سریعاً آنرا جهت جلوگیری از مرگ به پزشک برساند و در حین رساندن فرزندش از قوانین رانندگی تخلف می‌کند در صورت اثبات ادله‌ی اضطرار شرعی و رعایت شرایط قانونی آن عمل یا ترک فعل پدر عنوان مجرمانه نخواهد داشت.

۱-۲- امر آمر قانونی:

آمر قانونی - مقام صلاحیتدار دولتی اعم از کشوری و نظامی است که اجرای دستور آن اگر خلاف قانون نباشد برای مأموران الزامی است، مثلاً بازپرس می‌تواند قرار بازداشت صادر کند و گاهی مأمور نمی‌بایست جهت اجرای دستور به محل سکونت افراد وارد شوند. حال اگر مقام دولتی دستوری خلاف مقررات به افراد تحت امر خود داد و زیردستان مجبور به تبعیت از دستور باشند نمی‌توان مأموران را مورد تعقیب و مجازات قرار داد» (رضایی نژاد و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۴، به نقل از متین، جزای عمومی ۱، حکم شماره ۷۲۰، مورخ ۲۵/۵/۱۵).

نگرشی بر تأثیر نرم‌افزارهای اجتماعی در فضای مجازی بر ارتکاب جرم و تشدید آن ◇ ۷۹

۳-۱. رضایت مجنی‌علیه:

در مواردی که بزه جنبه خصوصی دارد «در صورت رضایت مجنی‌علیه و رعایت شرایط لازم مجرم قابل مجازات نمی‌باشد» (همان: ۱۴).

۴-۱. عملیات ورزشی:

در صورت رعایت «شرایط لازم ورزشی، اداری و بروز نقص یا صدمه شخص مرتکب جرم قابل مجازات نمی‌باشد» (رضایی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۶):

۵-۱. دفاع مشروع:

تحت شرایط قانونی در صورتی که دفاع شخص متناسب با حمله باشد و دفاع مشروعیت شرعی داشته باشد عمل شخص مذکور فاقد وصف مجرمانه می‌باشد» (همان: ۱۵).

حال که بحث جرم و ابعاد آن جا افتاد در ادامه به نقش رسانه‌ها در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها خواهیم پرداخت. اساساً رسانه‌ها «معنای زندگی را به افراد می‌آموزند. طبق نظریه‌ی کاشت‌گربرنر رسانه‌ها جهان‌بینی خاصی را در ذهن و افکار افراد می‌کارند و می‌توانند باورها و تلقی آنها را از واقعیت خارجی شکل دهند» (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱: ۳۹۲-۳۸۹) اما اخیراً همین رسانه‌ها و مخصوصاً نرم‌افزارهایی که روی گوشی‌های لمسی راه‌اندازی می‌شوند پا را فراتر از آموزش معنای زندگی به افراد گذاشته و باعث تغییر نگرش افراد در شناخت جهان واقعی نقشی منفعل به آنها می‌دهند. در اصل پیام‌های این رسانه‌ها با درگیر ساختن حواس چندگانه‌ی آدمی تفکر و دنیایی به ظاهر روشنفکر در ذهن و فکر افراد تزریق کرده و قدرت تفکر، تفکیک و تمییز حق از باطل را از آنها سلب می‌کند. تأثیری شگرف که اگر مورد غفلت و کم‌توجهی قرار گیرد به ویژه در قشر کودکان و نوجوانان که در حال تشکیل و تثبیت شاکله‌ی اصلی و اساسی اعتقادی خود هستند ممکن است منجر به ایجاد و استمرار رفتارهای ناهنجار و حتی رفتارهای خلاف قانون (جرم و جنایت) شود. لذا در شرایطی که رسانه‌ها و نرم‌افزارها گوی سبقت را از

کتاب دینی و قانونی ر بوده‌اند نقش و جایگاه این شبکه‌های جمعی از جهت اطلاع‌رسانی، نشر مطالب محتوای درست یا غلط ضد و نقیض علیه دین، مباحث اصلی و اعتقادی اسلام پررنگ‌تر از قبل می‌شود لذا توجه به این دریچه‌ی فعال و خطرناک بیش از پیش مطرح می‌شود. چرا که مکانسیم عمل آنان تلقین و خوراندن افکار، اهداف از پیش تعیین شده، بولد کردن شخصیت‌های اسطوره‌ای، ترویج مفاهیم قهرمان، ضد قهرمان در جامعه به تشویق اذهان عمومی و ترغیب آنان به ارتکاب جرم می‌پردازند. کمترین نقش این رسانه‌ها در مواقع حساس و پرتنش جامعه، تشدید احساس ناامنی، ترویج بزهکاری، تشویق افراد به ارتکاب جرم و سلب امنیت از جامعه است که در این شرایط، «اجتماع پس از مدتی به این زشتی‌ها عادت می‌کند و زمینه سقوط برخی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را فراهم می‌سازد. برخی از طرفداران این دیدگاه به عدم انتشار اخبار جنایی در رسانه‌ها به طور مطلق معتقدند و برخی دیگر به پوشش خبری حوادث جنایی به طور محتاطانه باور دارند» (فرجی‌ها، ۱۳۸۵: ۸-۵۸).

فاضلی در تبیین و تمییز انواع رسانه گوید: «نسخه‌ی مستقل، داینامیک و تعاملی رسانه‌های سایر از جنس و فیزیک نشریات دیجیتال هستند، منتها دیگر عین سند چاپی نیستند و به صورت آنالاین عرضه می‌شوند. مثلاً یک روزنامه تا زمانی که روی کاغذ است «رسانه چاپی» است ولی اگر آن را بصورت آنالوگ تبدیل کنیم «رسانه الکترونیک» داریم و اگر محتوای آن را به صفر و یک تبدیل کنیم «رسانه دیجیتال» خواهیم داشت. اگر چیزهایی شبیه لینک متن یا تصویر یا ویژگی‌های دیگر متفاوت از نسخه‌ی چاپی به آن اضافه شود «رسانه سایبر» خواهیم داشت. که هر کدام کارکرد خاص خود و نیز مخاطبان ویژه خود را دارد، مانند: سایت‌های اینترنتی، خبرگزاری‌های آنالاین، وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی» (فاضلی، ۱۳۸۲: ۷۵-۸۶).

اساساً در عصر امروز که «عصر ارتباطات است افراد تلاش می‌کنند همیشه در جریان همه‌ امور و مسائل اجتماعی قرار داشته باشند تا بتوانند به طور مستقیم یا غیرمستقیم نقش خاص خویش را در زندگی گروهی ایفا کنند. اما باید توجه داشت که استفاده از رسانه‌های امروزی در

نگرشی بر تأثیر نرم‌افزارهای اجتماعی در فضای مجازی بر ارتکاب جرم و تشدید آن ◇ ۸۱

هر سن و قشری فرهنگ و سواد خاصی را می‌طلبد چرا که رسانه‌ها می‌توانند اثرات سودمند و زیانبار بر کودکان و نوجوانان بر جای بگذارند. بطور مثال پیام‌های تلویزیونی می‌توانند بر اطلاعات، نگرش‌ها و رفتارهای جوانان امروزی اثر بگذارد» (ساروخانی، ۱۳۶: ۱۳۸۱ - ۱۳۵). به طور کلی رسانه‌ها از زمان‌های دور تا کنون «مفاهیم و انگاره‌های خود را در قالب خوب در برابر بد، زشت در مقابل زیبا و قهرمان در برابر شرور به مخاطبان نشان داده‌اند» (Barak, 1994). در واقع رسانه‌ها با تأکید بر موضوعات خاص و جنجال برانگیز برداشت و قضاوتی پر سر و صدا به مخاطبان داده و آنان را برای حرکت‌های انقلابی به تلاش و تکاپو وامی‌دارند. باید افزود که «جذابیت خبری رویدادهای جنایی برای مخاطبان عامل اصلی این تغییر رویکرد رسانه‌ها بود به طوری که موضوع جرم و جنایت به تدریج از حیطه‌ی قلمرو افرادی که صلاحیت اظهار نظر کارشناسی داشتند خارج شد و خبرنگاران و گزارشگران رسانه به یکی از منابع مهم اطلاع‌رسانی مردم تبدیل شدند. بنابراین از دهه ۱۹۷۰ به بعد پردازش رسانه‌ای جرایم علاوه بر تغییر کمی از لحاظ کیفی نیز تغییر یافت. لذا رسانه‌ها به طور ویژه گزارش‌حوادثی را منتشر می‌کنند که غیرعادی و تا حدی متفاوت هستند و بر تعداد بیشتری از مردم تأثیر می‌گذارند. بدین سان اخبار جرایم خشونت‌آمیز و جرایم مواد مخدر به صورت وسیع‌تری پوشش داده می‌شوند» (Reiner, r, ۲۰۰۷). اخباری که هر لحظه در دسترس همه است.

اگر به پدیده‌ی تلفن همراه «به عنوان یک محصول فرهنگی نگاه کنیم از کارایی اولیه خود به عنوان یک دستگاه ارتباطی صرف فراتر می‌رود تبدیل به نمادی معرف و جهانی از چگونگی ادراک سبک و ذائقه توسط کاربران می‌شود» (Satchell & Sing, 2005). در عصر حاضر با گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی شاهد ظهور و بروز شبکه‌های اجتماعی و به خصوص انواع موبایل‌محور آن (نرم‌افزار) هستیم که البته موفق به جذب کاربران فراوانی شده است. علاوه بر این شکل و نوع فعالیت کاربران در شبکه‌های اجتماعی از حالت منفعلانه و یک سویه به شکل فعالانه در آمده است به این معنا که کاربران در عین حال که

مصرف‌کنندگان محتوا در شبکه‌های اجتماعی هستند، در واقع تولید کننده آن نیز محسوب شده و خوراک فرهنگی و اجتماعی این شبکه‌ها را تأمین می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی مجازی یا به عبارت دیگر رسانه‌های اجتماعی از جمله رسانه‌های نوظهوری هستند که به گفته کاستلز حاصل همگرایی سه فرایند تاریخی مستقل هستند: انقلاب اطلاعات، تجدید ساختار سرمایه‌داری، اقتصاد متکی به برنامه‌ریزی و نهضت‌های فرهنگی دهه ۱۹۶۰» (کاستلز، ۱۳۹۰: ۴). فوکس گوید که شبکه‌های اجتماعی «پلتفرم‌ها یا پایگاه‌هایی هستند که انواع گوناگون رسانه‌ها، اطلاعات و فن آوری‌های ارتباطی را یکپارچه می‌سازند به طوری که دست کم به کاربر امکان ایجاد پروفایلی را بدهد که معرف کاربر باشد و پیوندها یا فهرست‌های وی را در صفحه نمایش دهد و نیز ارتباط با پیوندهای کاربران موجود در فهرست و ارتباط بین کاربران را فراهم نماید» (خانیک‌ی و بابائی، ۱۳۹۰: ۸۸).

هارولد لاسول^۱ اندیشمند ارتباطات اجتماعی در مقاله‌ای تحت عنوان «سه نقش و کارکرد ارتباطات در جامعه» سه نقش مشخص را برای رسانه‌های جمعی تعریف می‌کند: الف). نظارت بر محیط (نقش خبری): ضرورت هماهنگی افراد با دگرگونی‌های جامعه و لزوم انتشار در جامعه را توجیه می‌کند. ب). ایجاد و توسعه همبستگی‌های اجتماعی افراد (نقش راهنمایی): نقش رهبری کننده وسایل ارتباطی و تأثیر آنها در بیداری و ارشاد افکار عمومی اکنون بر هیچ کس پوشیده نیست و روز به روز نیز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. ج). انتقال میراث فرهنگی (نقش آموزشی): در این نقش معیارهای خاصی برای انتقال میراث فرهنگی طرف توجه قرار می‌گیرد. این معیارها و ارزش‌ها علاوه بر جوامع محل انتقال به جوامع دیگر هم انتقال می‌یابند» (حبیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۱). سورین^۲ و تانکارد^۳ با تأکید بر

1. Harold Lasol

2. Sorin

3. Tankard

نگرشی بر تأثیر نرم‌افزارهای اجتماعی در فضای مجازی بر ارتکاب جرم و تشدید آن ◇ ۸۳

دو مفهوم «متداول‌سازی» و «تشدید» از نظریه‌های گربنر^۱ گویند: «متداول سازی^۲: تماشای زیاد تلویزیون منجر می‌شود که بینندگان عقاید مشابه و یکسان و نزدیک به هم پیدا کنند، حتی اگر از لحاظ وضعیت اقتصادی و تربیت خانوادگی به یک سطح اجتماعی تعلق نداشته باشند. حال آنکه افرادی که کمتر تلویزیون می‌بینند عقایدشان مختلف و متفاوت است. برای مثال بینندگان پر مصرف در هر دو طبقه پر درآمد و کم درآمد در این نظریه شریکند که ترس از جنایت مشکل جدی است. در حالی که بینندگان پر مصرف پر درآمد این نظریه که ترس مشکل شخصی و جدی است را قبول ندارند ولی بینندگان کم مصرف کم درآمد با این نظریه موافق‌اند» (سورین و تانکارد، ۱۳۸۴: ۳۹۱ و ۳۹۲). تشدید^۳: هر چه محیط زندگی واقعی بینندگان شبیه و نزدیک به آن چیزی باشد که از تلویزیون نمایش داده می‌شود اثرات کاشت تشدید می‌شود و بینندگان به سمتی می‌روند که پاسخ‌های واقعی آنان بر پایه‌ی ذهنیات شکل گرفته از تلویزیون باشد. به عبارتی هر چه مشابه و مصداق جرم و جنایتی که از تلویزیون پخش می‌شود در محیط زندگی واقعی تماشاگر اتفاق بیفتد اثرات کاشت تشدید می‌شود» (Gerbner، 1994: 27). استندز پا را فراتر از این نهاد و صراحتاً اعلام می‌دارد که «رسانه‌ها عامل اصلی ایجاد وحشت معنوی در جامعه هستند» (استندز، ۲۰۰۴). وحشت معنوی را برای نخستین بار استایلی کوهن^۴ در باب نقش‌های منفی رسانه ابراز کرد که از هر فرد گروهی از افراد یا شرایطی که تهدیدی نسبت به ارزش‌ها و علایق اجتماعی محسوب می‌شود. اساساً «تحرك پذیری، چند کارکردی و اتصال دائم به اینترنت و ویژگی‌های تعیین کننده‌ی تلفن‌های همراه هوشمند و وب موبایلی است. این ویژگی سبب می‌شود تا تلفن هوشمند در روال‌های

-
1. Georg Gerbner
 2. Mainstreaming
 3. Resonance
 4. Stanley cohen

زندگی روزمره جای گیرند به این صورت که بدین وسیله می‌توان تلفن همراه را بدون کمترین مزاحمت برای ثبت و ضبط لحظه‌ها و تصویربرداری از سوژه به هنگام انجام فعالیت‌های روزمره به کاربرد» (Frey, 2012). از طرفی بررسی‌ها نشان می‌دهد که «کاربران شبکه اینستاگرام که تحت تأثیر رفتارهای حمایتی سایر کاربران نسبت به یک پست قرار می‌گیرند به احتمال فراوانی سعی می‌کنند که خود نیز رفتاری مشابه را در قبال پست مورد نظر ابراز کنند» (مرادی دیزگرانی و آقایی کردشامی، ۱۳۹۹: ۶۶). در این میان افزایش احساس ناامنی ناشی از القانات رسانه‌ای و ترس از جرم به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر پیدایش رویکردهای امنیت مدار مطرح شده‌اند. واقع امر آن است که رسانه‌ها از دهه‌ی ۱۹۷۰ به بعد علاقه‌ی بیشتری به پوشش اخبار جرایم پیدا کردند. برای نمونه سهم اخبار جنایی در رسانه‌ها در فاصله سال‌های ۱۹۳۹ الی ۱۹۶۷، ۴ درصد بود. لیکن در آغاز دهه ۱۹۸۰ به ۶٫۵ درصد اواخر این دهه به ۱۳ درصد و در دهه ۱۹۹۰ به ۲۸ درصد افزایش یافت (pratt, 2008:69). بدین سان رسانه‌ها نقش ویژه‌ای در فرایند جامعه‌پذیری، آموزش و یادگیری هنجارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی داشته و «به عنوان ابزارهای کنترلی، نظارتی، ناقل ارزش‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی یک جامعه محورهای ارزشی و قانونی را از یک نسل به نسل دیگر انتقال داده و به بقای سیستم جلوگیری از انقطاع نسلی و طی نمودن مراحل جامعه‌پذیری کمک می‌نمایند. رسانه‌های گروهی در شکل دهی به گرایش‌ها، ارزش‌های متداول در یک جامعه، تعلیم رفتارهای اجتماعی مطلوب و نامطلوب نقش مهمی ایفا می‌نمایند. با افزایش نقش رسانه‌های ارتباط جمعی در چند دهه اخیر از نقش پرورشی خانواده و مدرسه کاسته شده این نهادها بخشی از کارکرد و نقش‌های خود را به رسانه‌ها واگذار نموده‌اند» (جهان‌بین، ۱۳۸۲: ۹۹).

بدین ترتیب وسایل ارتباط جمعی می‌توانند با بهره‌گیری از شگردهای تبلیغاتی، آفرینش‌های هنری، نفرت، زشتی تزلزل باورها، ارزش‌های ملی و دینی را به مخاطبان خود القا کنند. بر این اساس یکی از وظایف و کارکردهای مهم رسانه‌ها آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی است یعنی اطلاع

نگرشی بر تأثیر نرم‌افزارهای اجتماعی در فضای مجازی بر ارتکاب جرم و تشدید آن ◇ ۸۵

رسانی در مورد وقوع جرایم، انحرافات اجتماعی، کیفیت وقوع و ابعاد، راه‌های لغزش افراد به سوی کجروی، هنجارشکنی و در بعد دیگر ایجاد نفرت از وقوع انحرافات و جرایم اجتماعی» (گلشنی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲). لیکن باتوجه به نقش آموزشی رسانه‌های جمعیتی (افکار عمومی نگران جرم‌زا بودن رسانه‌های جمعی و افزایش احساس ناامنی توسط آن‌ها هستند). گسترش ناامنی و ترس از جرم موجبات تشویش خاطر شهروندان و کاهش احساس امنیت عمومی را فراهم می‌آورد زیرا در عصر حاضر که به عصر اطلاعات و ارتباطات مشهور است قالب‌های ذهنی، ساختار گرایش و ارزیابی افراد از وضع امنیتی جامعه به شدت به واسطه نوع پرداختن رسانه‌ها به شرایط امنیتی جامعه، نوع اطلاع رسانی از حوادث و جنایات را تعیین می‌نماید و این ویژگی تعیین کننده‌ی رسانه‌ها روز به روز گسترده‌تر می‌شود» (ضرابی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۵). فرجیها تأکید می‌کند که «رسانه‌ها اصرار دارند تصویری خاص از جرم‌های شدید و خشونت‌آمیز را به عنوان خطری ارائه کنند که به طور تصادفی و پیش‌بینی ناپذیر هر یک از افراد اجتماع را تهدید می‌کند. بنابراین با وجود اینکه رسانه‌ها با عباراتی مانند «جام جهان‌نما» و یا «آئینه‌ی تمام‌نمای زندگی» توصیف می‌شوند، شاید تعبیر دقیق‌تر این باشد که رسانه‌ها را مانند منشوری بدانیم که تصویری که از جهان واقعی بر آن می‌تابد را تحریف می‌کنند» (فرجیها، ۱۳۸۵: ۶۵). تقریباً از دهه‌ی ۱۳۷۰ به بعد اکثر روزنامه‌ها صفحه‌ی ویژه‌ای به اخبار جرم و جنایت اختصاص داده‌اند و «به شکل نامتناسبی به ارائه‌ی غیرعلمی حوادث جنایی اقدام می‌کنند. در نتیجه بسیاری از مخاطبان تصور می‌کنند میزان ارتکاب جرم به سرعت در حال افزایش است و دستگاه قضایی عزم جدی و راسخی برای مبارزه علیه جرم ندارد... البته رسانه‌های جمعی در شکل‌گیری رویکردهای امنیتی نقش تکمیل‌کننده دارند و عواملی دیگر مانند گسترش بزهکاری و ظهور چهره‌های نوین جرم چون جرایم سازمان یافته‌ی فراملی نشان دهنده‌ی این نقش مکمل و تفاضلی است» (مهدوی‌پور و شهرانی کرانی، ۱۳۹۲: ۲۷). مطابق با (بند ب ماده ۱۵ قانون جرائم رایانه‌ای و ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی) هر گونه تحریک،

تشویش، ترغیب، تهدید یا دعوت به فساد، فحشا و ارتکاب جرائم منافی عفت یا انحرافات جنسی جرم تلقی شده و قابل مجازات و پیگیری قضایی است. هر کدام از موارد زیر اگر از فرد یا افراد و یا نرم افزارهای اجتماعی سر بزند جرم خواهد بود:

- تشکیل جمعیت، دسته، گروه در فضای مجازی با هدف برهم زدن امنیت کشور (ماده ۴۹۸ قانون مجازات اسلامی)

- تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران (ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی)

- تبلیغ به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران (ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی)

- فاش نمودن و انتشار غیرمجاز اسرار نیروهای مسلح (بند ۶ ماده ۶ قانون مطبوعات)

- تحریک و تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج از کشور (بند ۵ ماده ۶ قانون مطبوعات)

- فاش نمودن، انتشار غیرمجاز اسناد، دستورها، مسائل محرمانه، سری دولتی و عمومی (بند ۶ ماده ۶ قانون مطبوعات و مواد ۲ و ۳ قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی و ماده ۳ قانون جرائم رایانه‌ای)

(بند ۱ ماده ۶ قانون مطبوعات) محتوایی که به اساس جمهوری اسلامی ایران لطمه وارد کند - اخلال در وحدت ملی و ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه به‌ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی (بند ۴ ماده ۶ قانون مطبوعات)

- اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن با محتوای الحادی و مخالف موازین اسلامی (بند ۱ و ۷ ماده ۶ قانون مطبوعات و ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی)

- اهانت به هر یک از شخصیت‌های مقدس اسلامی و شریعت (ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی)

- تبلیغ به نفع حزب، گروه یا فرقه منحرف و مخالف اسلام (بند ۹ ماده ۶ قانون مطبوعات)

نگرشی بر تأثیر نرم‌افزارهای اجتماعی در فضای مجازی بر ارتکاب جرم و تشدید آن ◇ ۸۷

- نقل مطالب از نشریات، رسانه‌ها، احزاب، گروه‌های داخلی و خارجی منحرف و مخالف اسلام به نحوی که تبلیغ آن‌ها باشد (بند ۹ ماده ۶ قانون مطبوعات)
- اهانت به امام خمینی (ره) و تحریف آثار ایشان (ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی)
- اهانت به مقام معظم رهبری و سایر مراجع مسلم تقلید (بند ۷ ماده ۶ قانون مطبوعات)
- نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی علیه مقامات، نهادها و سازمان‌های حکومتی (بند ۱۱ ماده ۶ قانون مطبوعات و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی)
- اهانت و هجو نسبت به مقامات، نهادها، سازمان‌های حکومتی و عمومی (بند ۸ ماده ۶ قانون مطبوعات و مواد ۶۰۹ و ۷۰۰ قانون مجازات اسلامی)
- تشویق تحریک و تسهیل ارتکاب جرائمی که دارای جنبه عمومی هستند از قبیل اختلال در نظم، تخریب اموال عمومی، ارتشا، اختلاس، کلاه‌برداری، قاچاق مواد مخدر، قاچاق مشروبات الکلی و غیره (ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی)
- انتشار محتوای حاوی تحریک، ترغیب یا دعوت به اعمال خشونت‌آمیز و خودکشی (ماده ۱۵ قانون جرائم رایانه‌ای)
- تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر (بند ۳ ماده ۶ قانون مطبوعات) و...

۲. فضای مجازی

امروزه تقریباً فردی را نمی‌توان پیدا کرد که اسم اینترنت به گوشش نخورده باشد. فضای مجازی^۱ بنیان‌گذار تغییرات شگرفی در جهان به جهت فرهنگی و سیاسی ایجاد کرد. به گونه‌ای که امروزه به لطف اینترنت فضای مجازی به روستاها هم راه پیدا کرده و دیگر گریزی از فضای سایبری یا به عبارتی فضای مجازی نیست «محدودیت‌های زمانی، جغرافیایی و قضایی که بشر امروز با آن در ستیز است را از بین خواهد برد. امکانات عصر مجازی در مقایسه با عالم واقع بسیار زیاد

1. Cyberspace

است، به عنوان مثال اقتصاد مجازی، تجارت مجازی، بانکداری مجازی، آموزش مجازی، دولت مجازی، ادارات مجازی، شرکت‌های مجازی، پول مجازی و خدمات و تفریحات مجازی بخشی از آن‌ها می‌باشند» (امیریان فارسانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۹۶). و ما «با مفاهیم جدیدی همانند جامعه مجازی، سیاست فضای مجازی و فرهنگ دیجیتال مواجه‌ایم و فهم ما از جهان واقعی «منهای درک جهان مجازی» میسر نیست» (عاملی، ۱۳۸۶: ۴۵). در ایران نیز با ورود موبایل‌های هوشمند فضای مجازی نقش پررنگ‌تری نسبت به دیگر روابط حقیقی پیش رفت تا جایی که «میلیون‌ها ایرانی عضو پیام‌رسان‌های داخلی و خارجی هستند میلیون‌ها کاربر نیز در شبکه‌های اجتماعی فیسبوک، اینستاگرام، گوگل پلاس و سایر شبکه‌های مجازی فعال‌اند. این تغییرات اجتماعی و فناورانه ما را به این نتیجه می‌رساند که الگوهای پیشین مواجهه با مسائل فرهنگی که مناسب با دوران پیش از انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات است را مورد بازنگری قرار دهیم» (فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ۱۱۵). چه بخواهیم و چه نخواهیم اکنون دیگر فضای مجازی به عنوان جزئی از زندگی انسان‌ها تبدیل شده و تأثیر به‌سزایی بر تعاملات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آنها دارد. در ذیل به معرفی نرم‌افزارهای فعال در جامعه، من جمله: «اینستاگرام»، «توییتر»، «فیس بوک»، «تلگرام» و «واتساپ» خواهیم پرداخت؛

۱-۲- اینستاگرام^۱:

اینستاگرام که یکی از محبوب‌ترین پیام‌رسان‌های خارجی است طی چند ماه اخیر در باب ارتکاب جرم و تشدید آن انگشت اتهام اصلی به سمتش دراز است چرا که عمده فعالیت سلبریتی‌ها آنجاست. می‌توان گفت که در بین نرم‌افزارهای ذکر شده اینستاگرام پرکاربردترین ابزارهای کسب و کار و حاشیه‌سازترین اپلیکیشن‌های مجازی است. بحری ژرف و عمیق که چون مثلث برمودا طیف‌های مختلف فکری، فرهنگی و سنی را به خود جلب کرده است. تا

1. Instagram

نگرشی بر تأثیر نرم‌افزارهای اجتماعی در فضای مجازی بر ارتکاب جرم و تشدید آن ◇ ۸۹

جایی که برای کسب و کار نیز از اهمیت ویژه‌ای دارد چرا که در این شبکه‌ی گسترده انشعابات فراوانی به فرد، افراد خاص با انواع سلايق و نیازها وجود دارد. بالتبع امکان به اشتراک‌گذاری و فروش محصولات بالا می‌رود. در میان شبکه‌های مختلف اجتماعی که تاکنون ایجاد شده‌اند «اینستاگرام یکی از محبوب‌ترین شبکه‌ها در سراسر جهان است. در واقع اینستاگرام یک شبکه‌ی اجتماعی آنلاین موبایلی مبتنی بر اشتراک گذاشتن عکس و ویدئو است که از طریق سیستم عامل‌های مختلف گوشی‌های هوشمند از جمله اندروید، آی او اس، ویندوز و... قابل استفاده است» (مولایی، ۱۳۹۵: ۵۷)؛ چرا که دارای قابلیت‌هایی است که «آن را از دیگر شبکه‌های اجتماعی متمایز می‌کند. از جمله این قابلیت‌ها استوری^۱، لایو^۲، ارسال پیام خصوصی به وسیله‌ی دایرکت^۳ و تلویزیون اینستاگرام^۴ است» (اکبرزاده جهرمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۷).

در اخبار منتشر شده از اینستاگرام طی چند سال گذشته، «اخبار جرایم خشن به شکل بی‌سابقه‌ای در کشور منتشر شد و تأثیرهای روانی شدیدی بر جامعه‌ی ما گذاشت. حوادث چند سال گذشته که شروع آن را می‌توان از حادثه‌ی قتل جوانی در «میدان کاج» سعادت‌آباد با ضربه‌های چاقودر آبان ۱۳۸۹ تا حادثه‌ی بیست و پنجم تیر ۱۳۹۰ یعنی قتل قوی‌ترین مرد ایران «روح‌الله داداشی» در نظر گرفت که شامل ۱۴ حادثه‌ی دلخراش متفاوت (از وقوع قتل و خشونت) در جامعه است. این تغییر کیفی پردازش رسانه‌ای جرایم با افزایش مراجعه مردم به رسانه‌ها جهت کسب اطلاعات و آگاهی مصادف شد. در دهه‌های اخیر با کاهش زندگی

۱. استوری، بخش جداگانه‌ای برای ارسال عکس و ویدئو است. مطالبی که در این بخش آپلود می‌شوند به صورت اسلایدهای چندثانیه‌ای و پشت سرهم نمایش داده می‌شوند. عمر استوری‌ها تنها ۲۴ ساعت است و بعد از آن به طور خودکار حذف خواهند شد.

۲. لایو (پخش زنده)، به کمک این قابلیت می‌توان به صورت زنده برای فالوورهای خود ویدئو پخش کرد.

۳. این گزینه امکان چت دونفره و خصوصی را ممکن می‌کند.

۴. با این قابلیت، می‌توان ویدئوهایی از ۱۵ ثانیه تا یک ساعت را در اینستاگرام خود آپلود کرد.

اجتماعی ارگانیکی ارتباط مردم با یکدیگر کمتر شده و مانند گذشته مردم برای کسب اطلاعات به اطرافیان خود متکی نمی‌باشند بلکه به منابع دیگر مانند رسانه‌ها روی آورده‌اند» (مهدوی‌پور و شهرانی کرانی، ۱۳۹۲) «۱۶ و ۱۷».

۳-۲. فیس بوک^۱:

یک سرویس شبکه اجتماعی آنلاین است که در ۴ فوریه سال ۲۰۰۴ میلادی توسط مارک زاکربرگ و دوستانش به وجود آمد. در ابتدا نام‌نویسی در این وبگاه تنها به دانشجویان دانشگاه هاروارد محدود بود. اما با گذشت زمان در آن برای دانشگاه‌های شهرهای بوستون، آیوی لیگ و دانشگاه استنفورد نیز گشوده شد. پس از افزوده شدن دانشگاه‌های مختلف و دبیرستان‌ها به لیست مجاز عضویت در فیس‌بوک، عضویت در آن به تدریج در دسترس تمامی افراد بالای ۱۳ سال در سرتاسر دنیا قرار گرفت... فیس‌بوک تفریح‌آمیزترین ابزار جاسوسی است که تاکنون ایجاد شده است. هر کس که نام و مشخصات دوستان خود را به شبکه اجتماعی فیس‌بوک اضافه می‌کند باید بداند که به شکل رایگان در خدمت دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکاست و این گنجینه اطلاعاتی را برای آن‌ها تکمیل می‌کند. ویکی پدیا در پی سیاست‌های تحریم ایران، وبگاه فیس‌بوک اجازه انتخاب ایران به عنوان کشور محل سکونت را نمی‌دهد؛ ولی مشخص است که فیس‌بوک جایگاه خاصی در جامعه ایران باز کرده به گونه‌ای که از قشرها مختلف جامعه ایرانی از جمله دانشجویان، استادان دانشگاه، کارمندان، بازاریان، آموزگاران، دانش‌آموزان، هنرمندان و روزنامه‌نگاران در آن عضو هستند. فیلتر بودن فیس‌بوک در ایران باعث شده که آمار دقیقی از تعداد کاربران فیس‌بوک در ایران وجود نداشته باشد. با اینحال، بنابر اظهارات علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت یازدهم، تا بهمن ۱۳۹۳، بین ۴ تا ۴/۵ میلیون ایرانی، عضو فیس‌بوک بوده‌اند. به نظر می‌رسد فیلترینگ فیس‌بوک تأثیر محسوسی بر استفاده از آن در ایران نداشته است.^۲

1. Facebook

۲. همان

نگرشی بر تأثیر نرم‌افزارهای اجتماعی در فضای مجازی بر ارتکاب جرم و تشدید آن ◇ ۹۱

۲-۴. تلگرام^۱:

در میان برنامه‌های پیام‌رسانی که این روزها در موبایل‌ها دیده می‌شود، «بدون شک تلگرام یکی از محبوب‌ترین آن‌ها به حساب می‌آید. این اپلیکیشن را دو برادر برنامه‌نویس روس در سال ۲۰۱۳ طراحی کردند. تلگرام به دلیل داشتن امکانات بسیار بالای خود در بازه‌ی زمانی کوتاه به یکی از بهترین اپلیکیشن‌های پیام‌رسان در کل جهان مبدل شد» (رجبی و مختاررضایی، ۱۳۹۸: ۱). از دلایل محبوبیت تلگرام می‌توان به امکانات بهتر آن، از جمله «کانال‌ها»، «استیکر» و «مالتی پلتفرم» بودن اشاره کرد و صدا البته مسدود بودن شبکه‌های اجتماعی دیگر نظیر فیس‌بوک نیز نقش مؤثری در این محبوبیت داشت.

۲-۵. واتساپ^۲:

این پیام‌رسان که شاید بیش از دو میلیارد نفر در جهان برای ارتباط با دوستان و خانواده‌شان، در هر زمان و هر مکان از آن استفاده می‌کنند، یک برنامه‌ی پیام‌رسانی فوری برای تلفن‌های هوشمند است که «توسط شرکت سهامی واتساپ ساخته شده و مؤسس شرکت و سازنده‌ی این برنامه یان کوم است و در نهایت توسط متا پلتفرمز خریداری گردید. پیام‌رسان واتساپ، سامانه‌ای نرم‌افزاری برای گوشی‌های هوشمند اندروید و آی‌اواس است».^۳ واتساپ قابلیت‌های اینستاگرام را نداشته و به سبب افشای شماره موبایل، جز در گروه‌ها که با افزودن مخاطبین صورت می‌پذیرد نسبت به اطلاع‌رسانی دیگر پیام‌رسان‌ها از درجه‌ی اهمیت کمتری برخوردار است.

1. Telegram

2. WhatsApp

۳. ویکی‌پدیا

نتیجه‌گیری

در پژوهش پیشرو، تلاش گردید تا به مفهوم‌شناسی و تبیین برخی از جرایم متصف در قانون جزا که مولود یا ماحصل فضای مجازی و برخی نرم‌افزارهای اجتماعی خاص بعنوان طلایه‌دار در ارتکاب این جرایم و تشدید آن محسوب میشوند اشاره‌ای گذرا کنیم؛ چرا که پرداخت تفصیلی در باب مزایا و مضرات هر کدام از موارد فوق از قبیل: هدف از ساخت آنها و نقش فعال آنها در دو دهه‌ی اخیر بر روی اذهان و عملکرد مردم جهان، تأثیرات ظهور و بروز این نرم افزارها بر جامعه صنعتی و سنتی و غیره از حوصله‌ی این مجال و برحه کوتاه این مقال خارج خواهد بود.

همانگونه که همگان میدانند فضای سایبری که از همان ابتدا با عنوان «فضای مجازی» خوانده شد، در مقابل دنیای واقعی قرار گرفت و چه بسا که در خیلی موارد و مسائل توانست گوی سبقت را از دنیای واقعی برباید. تا جایی که افراد با پناه گرفتن در پشت پرده نامریئی که نظارت قانونی مستحکمی در پی نخواهد داشت، با هویت‌های ناشناس یا جعلی، مبادرت به انجام افعال مجرمانه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کنند. با وجود همین بستر مجرمانه برخی از سودجویان در راستای تحقق آمال ناصواب خویش جرایم خرد و کلان را به عرصه ظهور نهادند. برخی نیز پا فراتر گذاشته و با تشکیل محورهای شرارت مدیریت و هدایت گروه‌های فرهنگی - سیاسی و اعتقادی را بر عهده گرفته و همچون گرگی در لباس میش، خود را دوستدار و حامی منافع عامه و حقوق پایمال شده‌ی افراد و مجریان عدل و عدالت قلمداد می‌کنند. جامعه‌ی هدف آنها عموماً از قشر جوان و نوجوان هستند. که البته میزان تأثیر و رسوخ عقاید آن دست‌های پشت پرده (که با هدفی مشخص و با عنوان جنگ نرم از آن یاد می‌شود)، قابل بحث و بررسی است. در واقع ظهور فضای مجازی، به منزله‌ی دگردیسی در بسیاری از مفاهیم کلاسیک و ساختارهای فرهنگی و اجتماعی و حتی قانونی جامعه بود. تغییراتی که به نظر می‌رسد جنبه‌های منفی‌اش بر جامعه سنتی بالخص در مباحث برهم زدن نظم و امنیت آرامش

نگرشی بر تأثیر نرم‌افزارهای اجتماعی در فضای مجازی بر ارتکاب جرم و تشدید آن ◇ ۹۳

عمومی، بیش از جنبه‌های مثبت آن بوده است. تغییراتی که کاملاً زیرپوستی و نرم بوده و با هدف یا اهدافی از پیش تعیین شده، قلب فرهنگ و اعتقادات جوامع در حال توسعه از قبیل کشورهای اسلامی و در راس آن کشورمان ایران را مورد حمله و حمله قرار داده است. تحریک و تهییج افکار عمومی توسط فضای مجازی و بالخصوص توسط نرم‌افزارهای اجتماعی در قالب تبادل روزمره اطلاعات و اخبار کذب و دروغ و بزرگ‌نمایی مشکلات و حوادث موجود و نیز تشویق به ارتکاب افعال مجرمانه مانند "بی‌حجابی-بی‌بندوباری-فساد اخلاقی- تشویق به تخریب اموال عمومی و خصوصی-ایجاد تجمعات و راهپیمایی بی‌ضابطه و غیر قانونی و اعتراضات گسترده خیابانی و غیره که در حواشی چند ماه اخیر بسیار پررنگ بود اند، نمونه‌ای آشکارا از تأثیرات منفی و آسیب‌های گسترده فضای مجازی و مشخصاً نرم‌افزارهای اجتماعی خارجی در عصر رسانه‌های دیجیتال و دنیای مجازی هستند. نمونه‌ای دیگر در اینخصوص وجود گروهک تروریستی داعش است که با صور هدفمند و ترویج تفکرات ایزایی و عضوگیری گسترده در جوامع مسلمان، اقدامات خرابکارانه و تروریستی، خود را به عرصه ظهور رسانیده است.

از آنجا که همیشه پیشگیری بهتر از درمان است؛ لذا بهترین و کم هزینه‌ترین راهکار در برهه حاضر در مقابل دسیسه‌های این شبکه‌های مجرمانه و هنجارشکن، تقویت بصیرت و افزایش سواد رسانه‌ای کاربران و به حداقل رساندن استفاده از آن نرم‌افزارهای خارجی با جایگزین کردن نمونه‌های مشابه داخلی در فضای مجازی است. چنانکه قشر آسیب پذیر جامعه یعنی نوجوانان و جوانان را با بصیرت عقلایی نسبت تهاجمات فضای مجازی آشنا نمود و آنان را در برابر این حملات واکسینه کرد. از طرفی با وضع قوانین مدون برای محدود کردن دسترسی به برخی نرم‌افزارهای اجتماعی خارجی که منشا و بستر آشکارای فتنه و تحریک برای اقدامات مجرمانه‌اند به مبارزه با آنها برخاست.

سرمایه گذاری مطلوب در مسیر آموزش سواد رسانه‌ای در جامعه تعاملی کنونی يك فریضه واجب است که مسئولین و دولتمردان می‌بایست با تکیه بر فرهنگ اسلامی و استفاده از تکنولوژی‌های روز در عصر ارتباطات و با کنترل بسترهای جرم خیز نو ظهور، موجبات کاهش آسیب‌های اجتماعی در جامعه را فراهم آورند.

منابع

۱. قرآن کریم (۱۳۸۱)؛ ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: دانش، چاپ اول.
۲. براهیم‌نژاد، محمد و فرمانیان، مهدی (۱۳۹۳)، داعش (بررسی انتقادی تاریخ و افکار)، قم: دارالاعلام، لمدرسه اهل بیت (علیهم السلام)، چاپ دوم.
۳. اکبرزاده جهرمی، سیدجمال‌الدین؛ رضوی‌زاده، سیدنورالدین و شیخی، محدثه (۱۳۹۸)، نقش اینستاگرام در مدیریت بدن زنان مناطق یک و بیست تهران، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، سال پنجم، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۹۸، صص ۳۷-۷۹.
۴. بیابانی، غلامحسین (۱۳۹۲)، نقش رسانه در پیشگیری از جرم، شماره ۹۲، علمی-ترویجی (وزارت علوم، ISC) - 10، 33-42.
۵. حبیب‌زاده، اصحاب؛ افخمی، حسین و نادرپور، محمدرضا (۱۳۸۸)، بررسی نقش دوگانه‌ی رسانه‌های جمعی در پیشگیری و وقوع جرم، فصلنامه علمی-پژوهشی انتقام اجتماعی، سال اول، شماره دوم، ۱۰۶-۱۴۲.
۶. خانیکی، هادی و بابایی، محمود (۱۳۹۰)، فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات جامعه اطلاعاتی، شماره ۱، دوره ۱.
۷. رجیبی، محمدعلی و مختار رضایی، جواد (۱۳۹۸)، کتاب تلگرام و هرآنچه باید از آن بدانید: راهکارها و توصیه‌های کاربردی، انتشارات پشتیبان. نسخه الکترونیک.
۸. رضایی‌نژاد، امیرعلی، صادق‌پور، زهرا و سلطانی، فهیمه (۱۳۸۶)، جرم- مجازات، مجازات قانونی - مجازات قضایی، آموزش خاص اعضای شورای حل اختلاف (۲۱)، قم؛ نشر قضا.

۹. ساروخانی، باقر، (۱۳۸۱). «جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی»، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۰. سعیدی، مصطفی (۱۳۹۴)، آموزش تئوئتر، شماره کتاب ۴، منبع: سرزمین کتاب.
۱۱. سورین، ورنر و تانکارد، جیمز (۱۳۸۱). «کاربرد نظریه‌های ارتباطات»، مترجم: علیرضا دهقان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۱۲. عسکری، سیداحمد و شاه‌قاسمی، احسان (۱۳۹۹)، مطالعات فضای مجازی و فرهنگ؛ نقدی بر کتاب فضای مجازی، اجتماع و فرهنگ، پژوهش‌نامه‌ی انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ماهنامه‌ی علمی (مقاله‌ی علمی-پژوهشی)، سال بیستم، شماره‌ی دوازدهم، صص ۳۰۳-۳۲۰.
۱۳. علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۷۳)، حقوق جنائی، نشر فردوس، ج ۱.
۱۴. فاضلی، محمد، (۱۳۸۲)، «مصرف و سبک زندگی»، چاپ اول، تهران، نشر: صیح صادق.
۱۵. فرجی‌ها، محمد (۱۳۸۵)، «بازتاب رسانه‌ای جرم»، تهران: فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.
۱۶. فیروزآبادی، سیدابوالحسن (۱۳۹۶)، فضای مجازی؛ اجتماع و فرهنگ، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۷. کاستلز، مانوئل (۱۳۹۰)، عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه‌ی شبکه‌ای)، ترجمه: احمد علیقیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
۱۸. مرادی، سهیلا و قدسی، سیدابراهیم (۱۳۹۹)، نقد، بررسی و نظرات کتاب نقش فضای سایبری (مجازی) در وقوع جرم، انتشارات ماهور.

۱۹. مرادی دیزگرانی، میلاد و آقایی کردشامی، ابوزر (۱۳۹۹)، بررسی تأثیر لذت محتوا و لذت روابط اجتماعی در شبکه اینستاگرام بر قصد خرید مشتری؛ تبیین نقش واسطه‌ای تشدید مشتری، مجله مدیریت بازاریابی، شماره ۴۶، صص ۵۳-۷۳.
۲۰. مولایی، محمدمهدی (۱۳۹۵)، گردش فرهنگ سلبریتی در رسانه‌های اجتماعی: مطالعه فعالیت سلبریتی‌های ایرانی و هواداران‌شان در اینستاگرام، فصلنامه جامعه، فرهنگ و رسانه، سال ۵، شماره ۲۱.
۲۱. ویکی پدیا
22. Barak. G. (Ed.) 1994. *Medin, Process. And the social Construction of Crime*. New York. NY. Garland .
23. Frey, Aaron. (2012) *Pics or it Didn't Happen Instagram in Prosumer Capitalism and Reflexive Modernity*; Master of Applied Cultural; Department of Arts and Cultural Sciences; Lund University.
24. Satchell, C., & Singh, S. (2005) *The mobile phone as a globalising artefact*. Obtained through the Internet: eprints.qut.edu.au/archive/12603/01/00012603.pdf [accessed 2015/10/09].
25. Schori Liang Christina. 2015. *Cyber Jihad: Understanding and Countering Islamic State Propaganda*; Geneva Center for Security Policy (Where Knowledge Meets Experience) (GCSP).